تفسير نور (سوره ى شُعراء)

نام نویسنده : حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ محسن قرائتى

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

# سيماى سوره ى شُعراء

اين سوره دويست و بيست و هفت آيه دارد كه در مكّه نازل شده و بعد از سوره ى بقره، داراى بيشترين آيات است. اين سوره به خاطر ستايش از شاعران مؤمن و مذمّتِ شاعران بيهوده گوى، كه در چهار آيه ى آخر آن آمده، شُعراء ناميده شده و نام ديگر آن طسم است.

سرگذشت پيامبرانى همچون حضرت موسى، ابراهيم، نوح، لوط، صالح، هود و شعيب عليهم‌السلام، و برخوردهاى لجوجانه ى مردم با آنان در اين سوره آمده است و در پايان هر داستان مى فرمايد: اِنّ فى ذلك لاية و ما كان اكثرهم مؤمنين و اِنّ ربّك لهو العزيز الحكيم لذا اين آيه هشت بار تكرار شده تا مايه ى دلدارى پيامبر اسلام باشد و به او بگويد از لجاجت مردم مكّه دلهره نداشته باش، زيرا همه ى انبيا گرفتار چنين مردمى بوده اند.

آرى تاريخ، بهترين وسيله براى تقويت روحيّه مؤمنين، بالا رفتن بصيرت و صعه ى صدر و آينده نگرى در برابر تهديد دشمنان است. لذا رهبران جامعه بايد از تاريخ جامعه آگاه باشند.

# بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده مهربان

# 1 - طسم

# 2 - تِلْكَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْمُبِينِ

ترجمه:

طا، سين، ميم. اين است آيات كتاب روشنگر.

# 3 - لَعَلَّكَ بَخِعٌ نَّفْسَكَ اءَلا يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ

ترجمه:

گويى مى خواهى به خاطر آن كه مشركان ايمان نمى آورند، جان خود را از دست بدهى.

## نكته ها:

درباره ى معناى حروف مقطّعه، سخنان بسيارى گفته شده است و شايد بهترين آنها اين باشد كه خداوند با آوردن اين حروف در ابتداى برخى سوره هاى قرآن (29 سوره)، مى خواهد اين مطلب را بيان كند كه قرآن، معجزه ى جاويد من از همين حروف است، شما هم اگر مى توانيد از همين حروف الفباى عربى، كتابى همسنگ آن بياوريد. آيه ى اوّل سوره ى شورى كه بعد از حروف مقطّعه مى فرمايد: كذلك يُوحى، اين قول را تاءييد مى كند.

كلمه ى باخِع به معناى هلاك كننده است.

## پيام ها:

1- يك مكتب جامع بايد داراى منطقى قوى، قاطع، مكتوب و روشمند باشد، به گونه اى كه همگان به آن دسترسى داشته باشند. تِلك آياتُ الكتابِ المبين

2- قرآن، مقامى بس بلند دارد. تلك (تلك اشاره به دور است كه مقام بسيار بلند را مى رساند)

3- هر جا به بن بست رسيديد، قرآن روشنگر شماست. الكتابِ المبين

4- تكرار، يكى از اصول تربيت است. (آيه ى تلك آياتُ الكتابِ المبين در ابتداى سوره هاى يوسف، قصص و شعراء، بدنبال حروف مقطّعه تكرار شده است).

5- تلاش و سوز، در همه جا كارساز نيست. لعلّك باخِع...

6- دلدارى افراد غمگين، كارى است الهى. تلك آيات... لعلّك باخع

7- انبيا براى انجام تكليف خود، بيش از حدّ انتظار تلاش مى كردند. لعلّك باخع

8- يكى از صفات بارز انبيا، سوز است. باخع نفسك (سوز، نشانه ى عشق به مكتب و امّت است).

9- اگر زمينه ى تاءثير نباشد، از بهترين كتاب و مربّى نيز نتيجه و اثرى به دست نمى آيد. اَلاّ يكونوا مؤمنين

# 4 - إِن نَّشَاءْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ اءَعْنَقُهُمْ لَهَا خَضِعِينَ

ترجمه:

اگر بخواهيم، معجزه اى از آسمان بر آنان فرود آوريم، تا در برابر آن، گردن هايشان خاضع گردد (وبا اكراه واجبار مؤمن شوند، امّا سنّت الهى چنين نيست).

## پيام ها:

1- سنّت و قانون خداوند، اختيار و مهلت دادن به مردم است. اِن نشاء

2- توجّه به قدرت الهى، بهترين وسيله آرامش روح است. لعلّك باخع... اِن نشاء

3- ايمان بايد اختيارى و انتخابى باشد نه اجبارى. فظلّت اعناقهم لها خاضعين

# 5- وَمَا يَاءْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلا كَانُواْ عَنْهُ مُعْرِضِينَ

ترجمه:

هيچ تذكّر تازه اى از (طرف) خداوند مهربان برايشان نيامد، مگر آن كه از آن روى گردان بودند.

# 6 - فَقَدْ كَذَّبُواْ فَسَيَاءْتِيهِمْ اءَنبَؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

ترجمه:

پس آنان تكذيب كردند، و به زودى اخبار (كيفر) آنچه را كه به مسخره مى گرفتند به آنان خواهد رسيد.

## نكته ها:

در اين آيات براى كفّار سه خصلت بيان شده است: اعراض، تكذيب، استهزا. آرى انسان به تدريج و گام به گام به سقوط كشيده مى شود، ابتدا به حقّ بى اعتنايى و اعراض مى كند، سپس آن را تكذيب و آن گاه حقّ را مسخره مى كند. ولى بدترين حالت و صفت انسان، مسخره كردن حقّ است، لذا در اين آيه مى فرمايد: در آينده، خبرهاى مسخره كردن آنان به آنها خواهد رسيد. و نمى فرمايد: كيفر اعراض و تكذيب به آنان خواهد رسيد.

## پيام ها:

1- قرآن به تدريج نازل شده است. ما يَاءتيهم مِن ذكر... مُحدث

2- تذكّرهاى قرآن، يكى از الطاف دائمى خداوند است. ذكر مِن الرّحمن

3- هيچ تذكّرى در افراد سنگدل، كارساز نيست. من ذكرٍ

4- خداوند با تذكّر، تكرار ونوآورى، با كفّار اتمام حجّت مى كند. ذكر... محدث

5- انسان نبايد به سنّت هاى كهن خود آن گونه دلبستگى داشته باشد كه هر حرف تازه اى را بشنود با آنكه حقّ است، باور نكند. ذكر... محدث... عنه معرضين

6- دين، عامل هوشيارى است، نه تخدير. من ذكر

7- گروهى از مردم به جاى پذيرش حقّ، از قبل راه لجاجت را انتخاب كرده اند. (اعراض ودورى از حقّ، شيوه دائمى گروهى از مردم است). كانوا

8- اعراضى كه برخاسته از استكبار وتكذيب باشد، خطرناك است. معرضين كذّبوا

9- بى اعتنايى به خطرها و كيفرهاى آينده رمز قهر الهى است. انباؤ ا ما كانوا

10- آنان كه حقّ و پيروان آن را مسخره مى كنند، كارشان بى پاسخ نخواهد ماند. ما كانوا به يستهزؤ ن (يا در دنيا، يا در هنگام مرگ، يا در برزخ، يا در رجعت و يا در قيامت پاسخ كارهاى زشت خود را خواهند ديد.)

# 7 - اءَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى الاَْرْضِ كَمْ اءَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

ترجمه:

آيا به زمين نگاه نكردند كه از هر نوع (روييدنى) نيكو چقدر رويانديم؟

# 8- إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

ترجمه:

# 9 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

قطعاً در اين (آفرينش نيكو) عبرت و نشانه اى است، ولى بيشترشان ايمان آورنده نيستند. و به راستى پروردگار تو همان نفوذ ناپذير مهربان است.

## نكته ها:

در اواسط قرن هجده ميلادى، لِينه گياه شناس معروف سوئدى براى اوّلين بار به كشف مساءله ى زوجيّت در بعضى گياهان موفّق شد. او گفت: نر و مادگى در گياهان نيز هست و براى بارور شدن گياهان، لقاح لازم است. قرآن كريم قانون زوجيّت را شامل گياهان و غير گياهان مى داند. (1)

## پيام ها:

1- مطالعه درباره ى موجودات هستى و زيبايى هاى آن، بهترين راه خداشناسى است. اءوَلم يروا

2- قرآن كسانى را كه با ديد عميق به جهان نگاه نمى كنند، توبيخ مى كند. اءوَلم يروا الى الارض

3- يكى از نشانه هاى قدرت خداوند، زوج بودن گياهان است. اَنبتنا... زوج كريم

4- در همه ى گياهان فوايدى هست، گرچه ممكن است فايده ى بعضى براى ما كشف نشده باشد. (2) من كلّ زوج كريم

5- اگر قابليّت و زمينه ى پذيرش حقّ در كسى نباشد، از همه ى هستى نيز درس نمى گيرد. اءوَلم يروا... ما كان اكثرهم مؤمنين

6- همه جا اكثريّت، نشانه ى حقّانيّت نيست. ما كان اكثرهم مؤمنين

7- پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله تحت عنايت خاصّ خداوند است. اِنّ ربّك لهو العزيز الرّحيم

8- رحم خداوند بر اساس عجز نيست، او در حالى كه شكست ناپذير است مهربان است و به مخالفان مهلت مى دهد تا شايد برگردند و توبه نمايند. العزيز الرّحيم

# 10 - وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى اءَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّلِمِينَ

ترجمه:

و (يادكن) زمانى كه پروردگارت موسى را ندا داد كه به سوى قوم ستمكار برو.

# 11 - قَوْمَ فِرْعَوْنَ اءَلاَ يَتَّقُونَ

ترجمه:

# 12 - قَالَ رَبِّ إِنِّى اءَخَافُ اءَن يُكَذِّبُونِ

ترجمه:

قوم فرعون ؛ آيا پروا نمى كنند؟! (موسى) گفت: پروردگارا! مى ترسم مرا تكذيب كنند.

## نكته ها:

در اين سوره، هفت بار اين جمله تكرار شده است: اءلا تتّقون، اءلا يتّقون آرى، اگر تقوا نباشد، سخن پيامبران مؤ ثّر نيست.

## پيام ها:

1- تاريخ انبيا نبايد فراموش شود. (اذ يعنى ياد كن آن زمان را)

2- هم هدف وسيره انبيا بهم شباهت دارد وهم برخوردهاى مخالفان انبيا يكسان است. بنابراين آشنايى با تاريخ آنان مى تواند راهگشاى پيامبر اسلام باشد. واذ نادى ربّك

3- فرستادن پيامبران به سوى مردم، از شئون ربوبيّت است. نادى ربّك

4- مبارزه با طاغوت، در راءس برنامه هاى انبيا قرار دارد. اِئتِ القوم الظالمين

5- در نهى از منكر، گاهى بايد به استقبال خطر رفت. اءن ائت القوم الظالمين

6- قيام انبيا، بر اساس معيار است، نه كينه و انتقام. القوم الظالمين

7- فراموش كردن خدا وپيروى از طاغوت، بزرگ ترين ظلم است. القوم الظالمين

8- براى نهى از منكر به سراغ سرچشمه هاى فساد برويد. قوم فرعون

9- طاغوت ها، بدون يارى مردم قدرتى ندارند. قوم فرعون

10- بى تقوايى مردم، زمينه ى رشد طاغوت هاست. الا يتّقون

11- هدايت مردم، بار سنگينى است كه به امداد الهى نياز دارد. ربّ انّى اءخاف...

# 13 - وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلاَ يَنطَلِقُ لِسَانِى فَاءَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ

# 14 - وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنبٌ فَاءَخَافُ اءَن يَقْتُلُونِ

ترجمه:

و سينه ام تنگ مى گردد و زبانم باز نمى شود، پس هارون را (نيز) رسالت بده (تا مرا يارى كند). وآنان بر (گردن) من (ادّعاى) گناهى دارند، پس مى ترسم مرا بكشند (و اين رسالت به پايان نرسد).

# 15- قَالَ كَلا فَاذْهَبَا بََايَتِنَآ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ

ترجمه:

خداوند فرمود: چنين نيست، پس (تو وهارون) همراه با معجزات ما حركت كنيد كه ما با شما وشنونده (گفتگوهايتان) هستيم.

# 16 - فَاءْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولاَ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

به سراغ فرعون برويد و بگوييد: ما فرستاده ى پروردگار جهانيانيم.

# 17 - اءَنْ اءَرْسِلْ مَعَنَا بَنِى إِسْرَءِيلَ

ترجمه:

بنى اسرائيل را (آزاد كن و) همراه با ما بفرست.

## نكته ها:

مراد از گناه حضرت موسى كه در آيه ى 14 آمده، ماجرائى است كه در سوره ى قصص آيه ى 14 به آن اشاره شده است: موسى قبل از نبوّت وارد شهرى شد و ديد يكى از طرفدارانش با يكى از (قِبطيان) ياران فرعون درگير شده اند. طرفدار موسى از او كمك خواست و موسى به حمايت از او مشتى بر قبطى زد كه او جان داد.

اين ماجرا در منطقه موجى ايجاد كرد كه موسى مجبور به فرار شد و اين عمل موسى گرچه به قصد كشتن آن شخص نبود، بلكه براى حمايت از مظلومى بود، ولى باعث شد تا موسى نزد فرعونيان چهره اى قاتل پيدا نمود، و هنگامى كه موسى به مقام نبوّت رسيد به خداوند گفت: مى ترسم ماجراى كشته شدن آن مرد قِبطى مانع كارم شود. (از كلمه ى كلاّ استفاده مى شود كه عمل موسى قتل عمد نبوده است و گرنه خداوند به قاتل عمدى نمى فرمايد: طورى نيست به تو اطمينان حمايت مى دهم.)

## پيام ها:

1- ظرفيّت افراد حتّى پيامبران محدود است. (جز خداوند، همه كس و همه چيز محدودند). يَضيق صَدرى

2- به هنگام پذيرش مسئوليّت لازم است انسان نقاط ضعف خود را بيان كند. يَضيقُ صدرى

3- صراحت و صداقت، از صفات بارز انبيا است. يَضيقُ صَدرى

4- رهبرى، هدايت، تبليغ و ارشاد، به سعه ى صدر نياز دارد. و يَضيق صَدرى

5- در نهى از منكر و مبارزه، گاهى بايد چند نفرى حركت كرد. فاذهبا

6- نقاط ضعف را جبران كنيد، ولى از زير بار مسئوليّت، شانه خالى نكنيد. يَضيق صَدرى ولايَنطلق لسانى فَاءرسل الى هارون پذيرش يا اعطاى مسئوليّت هاى بزرگ با وجود ضعف ها و كمبودهاى قابل جبران، مانعى ندارد.

7- افراد سالم و بى غرض، انسان هاى شايسته ى ديگر را براى قبول مسئوليّت هاى بزرگ معرّفى مى كنند. فَاءرسل الى هارون

8- سوابق افراد، در موفقيّت آنان مؤ ثّر است. و لهم عَلىَّ ذَنب

9- قانون قصاص، سابقه اى بس طولانى دارد. ولهم عَلىَّ ذَنب فاخاف اَن يَقتلون (شهادت، آرزوى پيامبران است ولى ترس و نگرانى آنان براى اين بود كه شايد به اهداف مقدّس خود نرسند.)

10- مديريّت تبليغى به چند مساءله ى مهم نيازمند است، از جمله: بررسى اوضاع اجتماعى، آينده نگرى وفراهم كردن زمينه هاى مؤ ثّر تبليغ. اَخاف لهم علىّ ذنب فارسل الى هارون

11- در بيان حقّ، نه از كمى طرفداران حقّ بترسيد و نه از زيادى مخالفان حقّ. فاذهبا

12- پيشنهاد مفيد و مناسب را خدا هم مى پذيرد. فاَرسَل الى هارون... فاذهبا

13- دلدارى و كمك به كسانى كه نگرانى دارند، كارى الهى است. انّا معكم

14- خداوند پشتيبان انبيا است. انّا معكم

15- آگاهى دقيق و لحظه به لحظه در ماءموريّت هاى مهم، يك ضرورت است. انّا معكم مستمعون

16- معجزات پيامبران، ابزار ارشاد و هدايت و ره توشه ى آنان براى امّت هاست. بآياتنا

17- خداوند بر جزئيّات كارهاى ما آگاه است. مستمعون خداوند همه جا حاضر و ناظر است.

18- براى مبارزه با نظام هاى تشكيلاتى و فاسد، اوّل به سراغ سرچشمه ها برويد. فاءتيا فرعون

19- در تبليغ و دعوت ديگران به حقّ، صراحت و صلابت داشته باشيد. انّا رسول ربّ العالمين

20- فرستادن پيامبر براى مردم، از شئون ربوبيّت خداوند است. رسول ربّ

21- تمام هستى، نوعى رشد دارند. ربّ العالمين

22- تمام هستى در تحت تدبير اوست. ربّ العالمين

23- همه ى انبيا يك هدف دارند. انّا رسول ونفرمود: انّا رسولا

24- در برابر كسى كه مى گويد: اءنَا ربّكم الاَعلى (3) بايد گفت: ربّ العالمين.

25- اگر در يك زمان دو پيامبر مبعوث شوند، رهبرى با يكى از آنهاست. انّا رسول

26- آزاد كردن مردم از اسارت طاغوت ها، در راءس برنامه هاى انبيا قرار دارد. اَرسِل مَعنا بنى اسرائيل

# 18- قَالَ اءَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيداً وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

# 19 - وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِى فَعَلْتَ وَاءَنتَ مِنَ الْكَفِرِينَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: آيا ما تورا در كودكى نپرورديم و ساليانى از عمرت را در نزد ما نماندى؟ و با اين حال انجام دادى آن كارى را كه انجام دادى (و يكى از افراد ما را با مشت كشتى)، در حالى كه تو از ناسپاسانى.

## نكته ها:

فرعون با دو جمله، نبوّت موسى را زير سؤال برد: الف: تو نزد ما قاتل هستى و قاتل كه پيامبر نمى شود. ب: ما تو را بزرگ كرديم، چگونه الطاف ما را كفران و ناسپاسى مى كنى، ناسپاس كه پيامبر نمى شود. آيات بعد پاسخ موسى را بيان كرده است.

## پيام ها:

1- منّت گذاشتن و به رخ كشيدن، از ويژگى هاى مستكبران است. اءلم نُربّك فينا

2- اراده ى الهى، موسى را در دامن فرعون پرورش مى دهد. اءلم نُربّك

3- اگر كسى را بزرگ كرديم، يا حرفه اى به او آموختيم، يا در امر ازدواج و مسكن و امثال آن به او كمكى كرديم، نبايد با اين دليل و بهانه، سخن حقّ او را نپذيريم. اءلم نُربّك فينا وليداً

4- اولياى خدا نمك گير نمى شوند و محيط و جامعه در آنها اثر نمى گذارد. لَبِثتَ فينا من عُمُرِك سنين (موسى نگفت ما كه مدّت ها سر سفره ى فرعون بوده ايم يا حال كه همه تسليم او هستند و جامعه بر محور او مى چرخد، كمى كوتاه بيائيم و سكوت اختيار كنيم.)

5- حقّ نان و نمك آن نيست كه صاحب حقّ را به حال خود رها كنيم و اشتباهات او را هم بپذيريم. (حضرت موسى نان و نمك فرعون را خورده بود، ولى او را به حال خود رها نكرد.) نربّك فينا... لَبثتَ فينا

6- به توقّعات نابجاى مستكبران اعتنا نكنيم. ناسپاسى در برابر مستكبر، بد نيست. و انت من الكافرين

# 20 - قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذاً وَ اءَنَاْ مِنَ الضَّآلِّينَ

# 21 - فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْماً وَجَعَلَنِى مِنَ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه:

(موسى) گفت: آن (قتل) را زمانى انجام دادم كه از سرگشتگان بودم. و چون از شما ترسيدم از نزد شما گريختم، سپس پروردگارم به من حكمت (و دانش) بخشيد و مرا از پيامبران قرار داد.

## نكته ها:

مراد از حُكم در آيه ؛ يا حكومت و سرپرستى بنى اسرائيل است و يا حكمت و دانش.

در اين دو آيه، حضرت موسى عليه‌السلام ايرادهاى فرعون را كه در آيه قبل گفتيم، پاسخ مى دهد.

چنانكه گذشت حضرت موسى به خاطر طرفدارى از يكى از ياران خود، مشتى به مخالف او زد و شخص مخالف با همان ضربه مُرد. اين قتل نه از روى عمد بود و نه با آلت قتل انجام گرفت، بلكه يك حادثه ى ناخواسته و يك لغزش عملى بدون سوء نيّت بود كه قبل از نبوّت موسى آن هم به خاطر طرفدارى از يك مظلوم اتّفاق افتاده بود. بنابراين، ضالّ در آيه ى مذكور، يك انحراف عملى بدون قصد است كه ضربه اى به عصمت نمى زند و يا به معناى تحيّر است، نظير آيه ى 7 سوره ى ضُحى: و وَجَدك ضالا فَهَدى.

از اميرالمؤمنين على عليه‌السلام پرسيدند: چرا بعد از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله حقّ خود را با شمشير نگرفتيد، و چرا همان گونه كه با طلحه و زبير و معاويه جنگ كرديد با خلفاى پيش از خود جنگ نكرديد؟ حضرت فرمود: گاهى سكوت لازم است. مگر ابراهيم به مردم نفرمود: من از شما كناره مى گيرم: و اعتزلُكم و ما تَدعون من دون اللّه(4) مگر هارون نفرمود: اِنّ القوم استضعَفونى و كادوا يَقتلونَنى(5) مردم مرا به ضعف كشاندند و نزديك بود مرا بكشند؟ مگر يوسف نفرمود: ربّ السِجنُ اَحبّ الىّ(6) پروردگارا! زندان براى من بهتر از استجابت تقاضاى آنهاست؟ مگر پيامبر اكرم در غار نرفت و من جاى او نخوابيدم؟ مگر موسى نفرمود: ففَررتُ منكم لما خِفتكم همين كه ترسيدم فرار كردم، و مگر حضرت لوط عليه‌السلام در برابر تقاضاى گنهكاران نفرمود: لو اَنّ لى بكم قُوّة او آوى الى رُكنٍ شديد (7) اى كاش قدرتى داشتم (تا شما را از اين عمل ننگين باز مى داشتم) و يا به جايگاه محكم و اءمن پناه مى بردم (و از شرّ شما درامان بودم). (8) بنابراين ساير اولياى خدا نيز گاهى در شرايطى مجبور به سكوت و انزوا مى شدند.

## پيام ها:

1- گاهى اقرار، يك ارزش است. قال فَعَلتُها

2- فرار از طاغوت، مقدّمه ى دريافت الطاف الهى است. ففررت منكم... فوهب

3- انبيا از الطاف خاصّ خداوند برخوردارند. فَوَهبَ لى و جَعَلنى

4- نبوّت، يك جريان در طول تاريخ است، انبياى بسيارى قبل از موسى بوده اند پس تعجّب فرعون نابجاست. من المرسلين

# 22 - وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىَّ اءَنْ عَبَّدتَ بَنِى إِسْرَءِيلَ

ترجمه:

و (آيا) اين كه بنى اسرائيل را بنده ى خود ساخته اى نعمتى است كه منّتش را بر من مى نهى؟ (چرا نبايد من در خانه ى پدرم رشد كنم؟)

# 23 - قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: پروردگار جهانيان چيست؟

## نكته ها:

موسى به فرعون گفت: من بايد در خانه ى پدرم بزرگ مى شدم، چرا پدرم را به بردگى كشاندى كه من به اجبار در خانه ى تو بزرگ شوم، آيا اين، نعمت است كه آن را سپاس گزارم و يا اسارت است؟! گرچه در كاخ تو همه ى وسائل رفاه براى من بود، ولى من از اين كه بنى اسرائيل گرفتار بودند، ناراحتم.

از قرآن استفاده مى شود كه فرعون در درون خود، خدا را مى شناخت ؛ قال لقد عَلِمتَ ما انزل هولاء الاّ ربّ السموات والارض(9) ولى به ظاهر خود را ربّ اعلاى مردم مى دانست، مثل مديرى كه بر افرادى تسلّط دارد، ولى در عين حال خود را تحت امر ديگرى مى داند. (10)

## پيام ها:

1- تكبّر، زشتى ها را نزد انسان زيبا جلوه مى دهد. تلك نعمة تَمنّها علىَّ

2- به استكبار و منّت هاى او با صلابت پاسخ دهيد. تلك نعمة...

3- گاهى مستكبران به خاطر حفظ تاج و تخت، خود را به نادانى مى زنند. و ما ربّ العالمين

4- سؤال مستكبرين، مغرورانه و همراه با تحقير ديگران است. فرعون گفت: و ما ربّ العالمين و نگفت: و مَن ربّ العالمين (حرف ما در زبان عرب براى جمادات به كار مى رود.)

# 24 - قَالَ رَبُّ السَّمَوَتِ وَالاَْرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ

ترجمه:

(موسى) گفت: پروردگار آسمان ها وزمين وآنچه ميان آنهاست، اگر باور داريد.

# 25- قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ اءَلاَ تَسْتَمِعُونَ

ترجمه:

(فرعون) به اطرافيان خود گفت: آيا نمى شنويد (چه حرف هايى مى زند)؟

# 26 - قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ الاَْوَّلِينَ

ترجمه:

(بار ديگر موسى) گفت: او پروردگار شما و پروردگار نياكان شماست.

## نكته ها:

قرآن مى گويد: دعواى انبيا با مخالفانشان بر سر ربوبيّت خداوند يعنى مديريّت و قانونگذارى خداوند و لزوم اطاعت از دستورات اوست وگرنه مخالفان آنان، اللّه را به عنوان خالق جهان قبول داشتند. سخن كسانى كه امروز مى گويند: دين از سياست جداست، همانند سخن كسانى است كه مى گويند: حساب آفريدن جهان به اراده خداوند از حساب اداره كردن آن جداست. (خداوند خلق كند، ولى ما حكومت كنيم) قرآن و عقل، حقّ ربوبيّت و تكليف كردن و اطاعت شدن را تنها از كسى مى داند كه خالق است، نه ديگران. كسى كه آفريد مى داند چه قانونى وضع كند. الا يعلم مَن خَلق(11)

بعضى جمله ى ان كنتم موقنين را اين گونه معنا كرده اند كه موسى گفت: من مى دانم كه سؤال شما براى فهميدن نيست، بلكه براى طفره رفتن است، ولى اگر شما در جستجوى حقيقت باشيد، در نظم ونظام هستى فكر كنيد، ربوبيّت ويكتايى او را خواهيد فهميد.

## پيام ها:

1- بايد به سؤال هاى اعتقادى، پاسخ صريح و روشن داد. قال و ما ربّ العالمين قال ربّ السموات والارض

2- تمام هستى يك خدا دارد. ربّ السموات والارض (بر خلاف مشركان كه به خدايان متعدّد عقيده داشتند).

3- تمام هستى تحت يك تدبير، نظارت وحركت تكاملى قرار دارند. ربّالعالمين

4- ذات خداوند قابل شناسايى نيست، بايد او را از راه آفريده هايش شناخت و معرّفى كرد. ربّ السموات والارض (فرعون از چيستى وچگونگى خداوند سؤال كرد، ولى موسى از آفريده هاى او پاسخ داد چون ذات قابل شناخت نيست)

5- هر كسى نمى تواند وحدت تدبير تمام هستى را درك كند. ان كنتم موقنين اهل يقين هرگاه به آفرينش آسمان ها و زمين نگاه عميق كنند، ربوبيّت الهى را درك مى كنند.

6- جوسازى، حقّپوشى و حرف منطقى ديگران را قطع كردن، ابزار كار طاغوت هاست. اَلا تستمعون (مناظره ى موسى و فرعون علنى بود.)

7- ربوبيّت خداوند نسبت به انسان هاى موجود، انسان هاى گذشته و آسمان و زمين يكسان است. ربّ السموات و الارض... ربّكم و ربّ آبائكم... (تدبير و نظارت ومديريّت خداوند بر آيات آفاقى (آسمان ها و زمين)، و آيات انفسى (انسان ها) يكسان است.)

# 27 - قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِى اءُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

# 28- قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: قطعا پيامبرتان كه به سوى شما فرستاده شده، سخت ديوانه است. (موسى) گفت: (او) پروردگار مشرق و مغرب و آنچه ميان آن دو است مى باشد، اگر تعقّل كنيد.

# 29 - قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهاً غَيْرِى لاََجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

# 30 - قَالَ اءَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ

ترجمه:

(فرعون) گفت: (اى موسى!) اگر معبودى غير از من برگزينى قطعا تو را از زندانيان قرار خواهم داد. (موسى) گفت: (حتّى) اگر نشانه ى آشكارى برايت بياورم (كه رسالت مرا اثبات كند)؟

# 31 - قَالَ فَاءْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: اگر راست مى گويى آن نشانه را بياور.

## نكته ها:

در آيه ى 27 مى بينيم كه فرعون براى جبران حقارت خود، سخت ترين لحن ها را با زشت ترين نسبت ها در مورد موسى به كار برد. در ادبيات عرب براى تاءكيد يك مطلب از حروف و كلماتى استفاده مى كنند، كلمه ى اِنّ و حرف لام در كلمه ى لَمجنون و جمله ى اسميّه آوردن، نشانه ى تاءكيد بر نسبت نارواى اوست.

## پيام ها:

1- طاغوت ها هنگام روبرو شدن با حقّ طفره مى روند. (هر بار كه موسى استدلال و بيانى داشت، فرعون به جاى پاسخ دادن به موسى، چون نگران از دست دادن مردم بود، با آنان حرف مى زد.) قال لمَن حَوله قال اِنّ رسولكم

2- مستكبر هرگز حقّ را نمى پذيرد و خود را از مردم جدا مى داند. رسولكم ارسل اليكم يعنى پيامبر شما، نه من.

3- از قوى ترين حربه هاى مخالفان انبيا، نسبت نارواى جنون است. لمجنون آرى كسى كه از استدلال عاجز باشد، دست به تهمت و ناسزاگويى مى زند.

4- از هماهنگى قوانين و نظام ثابتى كه بر زمين و آسمان، مشرق و مغرب و بر همه ى موجودات جهان حاكم است، مى فهميم كه جهان هستى با مديريّت واحدى اداره مى شود. ربّ المشرق والمغرب...

5- مبلّغ ومربّى نبايد از بحث خسته شود، بايد استدلال خود را تكرار كند و سعه ى صدر داشته باشد. ربّ السموات والارض، ربّكم و ربّ آبائكم، ربّ المشرق والمغرب

6- تهمت ها، اولياى خدا را از هدف ها منحرف نمى كند. رسولكم... لمجنون قال ربّ المشرق والمغرب

7- رسيدن به توحيد، به تعقّل نياز دارد. (كفر و شرك، محصول بى عقلى است). ان كنتم تعقلون (انديشيدن مردم، بزرگ ترين خطر براى مستكبران است).

8- انبيا مؤ دّب سخن مى گويند. (فرعون به موسى عليه‌السلام گفت: لمجنون، امّا موسى گفت: اگر بيانديشيد سخن مرا مى فهميد). ان كنتم تعقلون

9- تهديد، حربه ى ديگر طاغوت هاست. لا جعلنّك من المَسجونين (رهبران دينى بايد آماده ى سختى ها باشند).

10- در نظام طاغوتى، خفقان و خشونت حاكم است و افراد زيادى در زندان به سر مى برند. من المَسجونين

11- آن جا كه منطق تاءثير نكرد، معجزه لازم است. بشى ء مبين

12- آمادگى قبلى، شرط موفقيّت و پيروزى بر دشمن است. موسى مى دانست كه عصا را اژدها مى كند و كف دستش نورانى مى شود، لذا با قدرت گفت: جئتك بشى ء مبين

13- معجزه ى انبيا حقيقت دارد و مردم به خوبى درك مى كنند. مبين

# 32 - فَاءَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

ترجمه:

پس عصاى خود را بيفكند، پس ناگهان آن عصا اژدهايى آشكار شد.

# 33 - وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّظِرِينَ

ترجمه:

و دست خود را (از گريبانش) بيرون آورد، پس ناگهان آن دست براى تماشاگران سفيد و درخشان نمود.

## نكته ها:

مراد از كلمه ى نَزع در اينجا، بيرون آوردن دست از جيب و گريبان است.

اژدها شدن عصا، ده مرتبه ونورانى شدن دست موسى عليه‌السلام، پنج مرتبه در قرآن آمده است.

در اوّلين مرحله اى كه موسى عصا را رها كرد به صورت مار كوچكى درآمد، چنانكه در سوره نمل آيه ى 10 آمده: جانُّ وَلىّ مُدبرا، ولى در برابر طاغوتِ گردنكش، به صورت اژدها در آمد و اين شايد به خاطر آن باشد كه براى هر مخاطبى بايد حرفى زد و عملى انجام داد.

## پيام ها:

1- معجزات انبيا چون وابسته به قدرت الهى است، نياز به تمرين ندارد و لازم نيست تدريجى باشد. فاذا هى (يعنى عصا ناگهان مار شد)

2- در برابر افراد سركش بايد كارى چشمگير وكوبنده انجام داد. ثُعبان مبين

3- معجزات انبيا روشن و روشنگر است، نه وهم و خيال. مبين

4- در كنار معجزه اى دلهره آور، دست سفيد و نورانى، رمز صفا و محبّت است. ثُعبان بيضاء

5- براى تاءثير كلام حقّ، از همه ى شيوه هاى صحيح بيم و اميد استفاده كنيد. ثُعبان بيضاء

# 34 - قَالَ لِلْمَلاَِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَحِرٌ عَلِيمٌ

# 35- يُرِيدُ اءَن يُخْرِجَكُم مِّنْ اءَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَاءْمُرُونَ

ترجمه:

(فرعون) به اشرافيان اطرافش گفت: واقعا اين مرد، ساحرى كاردان است. او مى خواهد با سحرش شما را از سرزمينتان آواره كند، پس چه راءى و دستور مى دهيد؟

# 36 - قَالُواْ اءَرْجِهْ وَاءَخَاهُ وَابْعَثْ فِى الْمَدَآئِنِ حَشِرِينَ

# 37 - يَاءْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ

ترجمه:

گفتند: به موسى و برادرش فرصت بده و در تمام شهرها افرادى را براى گردآورى (ساحران) اعزام كن. تا هر ساحر ماهرى را نزد تو بياورند.

# 38- فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

ترجمه:

پس ساحران در موعدِ روزى معلوم، گردآورى شدند.

# 39 - وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ اءَنتُم مُّجْتَمِعُونَ

ترجمه:

و به مردم گفته شد: آيا شما نيز جمع مى شويد؟

## نكته ها:

فرعون با موسى چند نوع برخورد كرد:

الف: تحقير: اءلم نُربّك فينا وليدا آيا ما تو را بزرگ نكرديم.

ب: استهزا: لمجنون تو ديوانه هستى.

ج: تهديد: من المَسجونين تورا زندانى مى كنم.

د: تهمت سحر: لساحر عليم تو ساحر هستى.

ه‍: تهمت توطئه: يريد اءن يخرجكم تو قصد شورش دارى.

در آيات مربوط به گفتگوى موسى با فرعون، حرفى از هارون نيست و اين به خاطر آن است كه موضع رسمى بايد از طرف رهبر تعيين شود.

مراد از جمله فماذا تاءمرون، فرمان مشورتى است. چون مشاوران نظر خود را در قالب امر و فرمان مى گفتند. مانند: اءرجِه واءخاه به موسى وبرادرش فرصت بده وبه زندان نيفكن.

حضرت موسى و فرعون در مورد زمان و مكان مراسمِ مقابله ى ساحران با موسى، با يكديگر به توافق رسيدند. لميقات يوم معلوم

از مردم خواسته شد تا در مكان و زمان موعود حاضر شوند، زيرا اين حضور و اجتماع باعث مى شد تا موسى و هارون احساس تنهايى كنند و ساحران نيرو گيرند و غوغاسالارى تبليغاتى به راه اندازند.

اطرافيان بى اراده و متملّق، حتّى در كلمات تقليد مى كنند. جمله هاى لساحر عليم و يريد ان يخرجكم من ارضكم در اين دو آيه از زبان فرعون است، ولى در سوره ى اعراف آيات 109 و 110، همين كلمات از زبان اطرافيان اوست و حتّى حرفى كم و زياد نكرده اند.

## پيام ها:

1- طاغوت ها تبليغات شيطانى خود را با تاءكيد و قاطعيّت بيان مى كنند. اِنّ هذا لساحر عليم (انّ، حرف لام و جمله ى اسميّه همه نشانه ى تاءكيد است.)

2- فرعون براى آن كه ساحران را در مبارزه با موسى تشويق و تحريك كند، از موسى به عنوان ساحر عليم ياد كرد. لساحرعليم

3- دروغگو كم حافظه است. فرعونيانى كه به موسى نسبت جنون مى دادند؛ لمجنون اكنون او را ساحرى ماهر و آگاه مى خوانند: لساحر عليم

4- وطن دوستى و انگيزه ى مالكيّت، از غرائز انسان هاست و فرعون براى تحريك مردم عليه موسى اين دو سوژه را بهانه قرار داد و گفت: او شما را آواره و مالكيّت شما را لغو خواهد كرد. يخرجكم من ارضكم

5- دروغ، تزوير وعوام فريبى، شيوه ى طاغوت است. (كلمه ى ارضكم، براى عوام فريبى وكلمه ى بسحره دروغى واضح بود.)

6- طاغوت ها هنگام قدرت و تسلّط، همه چيز را از آن خود مى دانند، اءليس لى ملك مصر(12) ولى هنگام احساس خطر مردم را به صحنه مى كشند. ارضكم

7- طاغوت ها به زيردستان خود نيازمندند و از آنها راه و چاره مى طلبند. فماذا تاءمرون فرعونى كه به موسى مى گويد: اگر معبودى غير از من بگيرى تو را زندان مى كنم، امروز محتاج اطرافيان است.

8- زمان فرعون، دوران رواج سحر و جادو بوده است. سحّار عليم

9- اگر متخصّصين، متعهّد نباشند در خدمت فرعون ها در مى آيند. ياءتوك

10- همايش و سمينار كارشناسان، سابقه ى طولانى دارد. ياءتوك بكلّ سحار عليم

11- طاغوت ها براى رسيدن به اهداف خود، از كارشناسان سوء استفاده مى كنند ما چرا استفاده ى خوب نكنيم؟ ياءتوك بكلّ سحّار عليم

12- فرعون تمام توان خود را بكار گرفت. بكلّ سحّار

13- زمان و مكان در حركات تبليغى مؤ ثّر است. يوم معلوم

14- براى طاغوت ها جلب افكار عمومى و حضور مردم در صحنه مهم است. هل انتم مجتمعون

# 40 - لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ الْغَلِبِينَ

# 41 - فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ اءَئِنَّ لَنَا لاََجْراً إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَلِبِينَ

ترجمه:

به اين اميد كه اگر ساحران غالب شدند از آنان پيروى كنيم. پس همين كه ساحران (از شهرها به نزد فرعون) آمدند به او گفتند: آيا اگر ما پيروز شويم پاداشى داريم؟

# 42 - قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذاً لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

ترجمه:

فرعون گفت: آرى، در اين صورت (علاوه بر پاداش) حتما شما از مقرّبان دربار خواهيد بود.

## نكته ها:

موسى و هارون چون ايمان داشتند در يك طرف ايستادند و آرامش داشتند، امّا فرعون و همه ى اشراف و ساحران در طرف ديگر قرار گرفتند و دلهره داشتند و اين جاست كه نقش ايمان و قدرت آن روشن مى شود. از سؤال ساحران كه پرسيدند: اَئِنّ لنا لاجرا اِن كنّا نحن الغالبين ترديد آنان استفاده مى شود و از تشويق وجايزه بزرگ فرعون ؛ قال نعم انّكم اذا لمِن المقرّبين دلهره ى او استفاده مى شود.

شايد شرط گرفتن مزد، نشانه ى تنگ نظرى، بخل و خسيس بودن فرعون باشد، زيرا معمولا مردم با افراد سخاوتمند و دست و دل باز شرط پول نمى گذارند، زيرا مى دانند كه او خود با معرفت و سخاوتى كه دارد همه چيز را در نظر مى گيرد.

## پيام ها:

1- فرعون ادّعاى خدايى داشت، امّا با معجزه ى حضرت موسى كار به جايى رسيد كه همه تابع ساحران شدند و حرف اوّل و آخر را حرف ساحران غالب دانستند. لعلّنا نتّبع السحرة

2- فرعون با ديدن معجزه ى موسى، به پيروزى ساحران اطمينان نداشت. ان كانوا هم الغالبين (اِنْ حرف شرط و نشانه ى شك است)

3- افراد مادّى حتّى در مسايل عقيدتى هم حرف پول مى زنند. فلمّا جاء السحرة قالوا لفرعون اءئنّ لنا لاجراً

4- ساحران به فكر خودشان هستند كه مزدى بگيرند وكارى به حقّ و باطل بودن آن ندارند. اءئنّ لنا لاجرا شعار انبيا در تمام كارهايشان ما اسئلكم عليه من اءجر (13) بود، ولى ساحران حتّى براى يك حركت توقّع اجر داشتند. لنالا جراً

5- انسانى كه خدايى نيست، به درهم فرعون چشم دارد؛ لنا لاجراً ولى همين كه خدايى شد، تمام هستى نزد او كوچك است و جانش را به راحتى فدا مى كند. چنانكه در آيه ى 50 مى خوانيم: لا ضَير انّا الى ربّنا لمنقلبون

6- گاهى مقام و اعتبار از مال مهم تر است. انّكم اذاً لمن المقرّبين

# 43 - قَالَ لَهُم مُّوسَى اءَلْقُواْ مَآ اءَنتُم مُّلْقُونَ

ترجمه:

(روز موعود فرا رسيد و همه ى ساحران جمع شدند،) موسى به آنان گفت: بيفكنيد آنچه را مى خواهيد بيفكنيد.

# 44 - فَاءَلْقَوْاْ حِبَالَهُمْ وَ عِصِيَّهُمْ وَ قَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلِبُونَ

ترجمه:

پس (ساحران) ريسمان ها و عصاهاى خود را (به زمين) افكندند و گفتند: به عزّت فرعون سوگند كه قطعاً ما پيروزيم.

## پيام ها:

1- مردان خدا به غلبه ى حقّ و پوچى سحر ايمان داشته واز موضع قدرت و با آرامش سخن مى گويند، نه از روى ضعف و ترس. اَلقُوا ما انتم مُلقون

2- به مخالفان فرصت دهيد تا در راه عقيده و هدف خود تلاش و حركت كنند، اَلقُوا ما انتم، آنگاه محكم ومنطقى پاسخ آنان را بدهيد.

3- كافر از درون متزلزل است و در ظاهر شعار مى دهد. ساحران در پيروزى خود شك داشتند و در آيات قبل مى گفتند: اِن كنّا نحن الغالبين ولى در حضور فرعون، با خودشيرينى و تملّق گفتند: بِعزّة فرعون وبه پيروزى تظاهر مى كردند و به اصطلاح جنگ روانى راه مى انداختند. انّا لنحن الغالبون

# 45- فَاءَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَاءْفِكُونَ

# 46 - فَاءُلْقِىَ السَّحَرَةُ سَجِدِينَ

ترجمه:

سپس موسى عصايش را افكند، پس ناگهان (اژدهايى شد و) هر چه را به نيرنگ ساخته بودند بلعيد. آنگاه ساحران بى اختيار به سجده درافتادند.

# 47 - قَالُواْ ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَلَمِينَ

# 48- رَبِّ مُوسَى وَهَرُونَ

ترجمه:

گفتند: ما به پروردگار جهانيان ايمان آورديم. پروردگار موسى و هارون.

## نكته ها:

ساحران همين كه اژدها شدن عصا را ديدند فوراً ايمان آوردند. در روايات آمده است: هنگامى كه امام زمان عليه‌السلام نيز ظهور كند، متخصّصان شرق و غرب به حضرت ايمان خواهند آورد، چون آنان عظمت كار را بهتر از ديگران درك خواهند كرد.

## پيام ها:

1- معجزه امرى سريع و برق آساست، نه تدريجى و تمرينى. فاذا هى تَلقَف

2- باطل، در برابر حقّ تاب مقاومت ندارد. تَلقَفُ ما ياءفكون

3- سحر و جادو يك دروغ عملى و به دور از حقيقت است. (ياءفكون از اِفك به معناى ساختگى و دروغ است)

4- افراد آماده، در برابر حقّ طفره نمى روند و تسليم مى شوند. فاُلقى

5- قدرِ زر زرگر شناسد، قدرِ گوهر گوهرى. (ساحرانى كه كارشناس بودند معجزه را از سحر بازشناختند وچنان تحت تاءثير قرار گرفتند كه بى اراده به سجده افتادند، با اينكه فرعونيان نيز حضور داشتند، ولى ايمان نياوردند). فاُلقى السحرة

6- از امتيازات انسان، قدرت تغيير موضع فكرى در يك لحظه است. فاُلقى

7- سجده، مظهر حقّپرستى وتسليم است كه در طول تاريخ سابقه داشته است. ساجدين

8- تمام هستى، تحت تدبير خداوند در يك حركت تكاملى است. ربّ العالمين

9- جلو سوء استفاده را بايد گرفت. براى اين كه فرعونيان، ربّ العالمين را به معناى انحرافى تفسير نكنند، ساحران گفتند: ربّ موسى و هارون

10- ساحران، به اصول دين اقرار كردند، توحيد: آمنّا بربّ العالمين نبوّت: ربّ موسى و هارون معاد: انّا الى ربّنا منقلبون

# 49 - قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُ قَبْلَ اءَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِى عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لاَُقَطِّعَنَّ اءَيْدِيَكُمْ وَاءَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَفٍ وَ لاَُصَلِّبَنَّكُمْ اءَجْمَعِينَ

ترجمه:

فرعون (كه به خشم آمده بود) گفت: آيا قبل از آن كه به شما اجازه دهم به او ايمان آورديد؟ بى شك او بزرگ شماست كه به شما سحر آموخته است. پس به زودى كيفر خود را خواهيد دانست. حتماً دست ها و پاهايتان را از چپ وراست قطع خواهم كرد، وهمگىِ شما را به دار خواهم آويخت.

# 50 - قَالُواْ لاَ ضَيْرَ إِنَّآ إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ

ترجمه:

ساحران گفتند: باكى نيست، ما به سوى پروردگار خود بازمى گرديم.

# 51 - إِنَّا نَطْمَعُ اءَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَيَنَآ اءَن كُنَّآ اءَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

ما اميد داريم كه پروردگارمان خطاهاى ما را ببخشد، چرا كه ما نخستين ايمان آورندگان هستيم.

## نكته ها:

همين كه ساحران معجزه ى موسى را ديدند، به خاك افتادند و سجده كردند، در اين جا فرعون براى عوام فريبى به تحليلى دست زد وگفت: اين يك توطئه ى از پيش ساخته است، شما شاگرد موسى بوده ايد و اين خيمه شب بازى را براى سقوط من به راه انداخته ايد. غافل از آن كه ساحران در كشور پراكنده بودند و دستشان به موسى نمى رسيد تا شاگردش باشند، علاوه بر اين كه آنان به عزّت فرعون سوگند پيروزى خورده بودند.

در بعضى تفاسير مى خوانيم: فرعون دست و پاى ساحران را قطع كرد و به درختان خرماى بلند آويخت و حضرت موسى بر آنان مى گريست.

## پيام ها:

1- در نظام طاغوتى، مردم آزادى عقيده ندارند. آمنتم له قبل اَن آذنَ لكم

2- طاغوت ها مى خواهند حتّى بر افكار مردم مسلّط باشند. قبل اَن آذنَ لكم

3- دروغگو كم حافظه است. لمجنون علّمكم السحر

4- بدترين شكنجه اى كه قدرت، كارايى و توازن انسان را مى گيرد، قطع دست و پا از چپ و راست است. من خلاف

5- به طاغوت ها اطمينان نكنيد، آنان همه را براى خودشان مى خواهند. (فرعون ساعتى پيش وعده داده بود كه شما از مقرّبين خواهيد بود و اكنون همه را به قتل تهديد مى كند). لاُصلّبنكم

6- يكى از آثار ايمان به معاد، شجاعت در برابر طاغوت هاست. لا ضير لنا

7- ايمان به معاد، افق روشن براى آينده است. انّا الى ربّنا منقلبون

8- شهادت در راه خدا، ضرر و هلاكت نيست. لا ضير لنا

9- كسى كه ايمانش بر اساس شناخت باشد، متزلزل نمى شود. لا ضير لنا (ساحران كه معجزه را شناختند، در برابر تهديدات فرعون استقامت كردند).

10- هم سِحر گناه است و هم در استخدام فرعون ها درآمدن. خطايانا

11- طمع در مادّيات، منفى ولى در معنويّات، مثبت است. نطمع اَن يَغفر لنا

12- بخشش، از شئون ربوبيّت الهى است. يَغفر لنا ربّنا

13- آرزوى عفو بايد با بازگشت واقعى همراه باشد. آمنّا نطمع

14- سابقه و پيشگامى در ايمان، يك فضيلت است. اوّل المؤمنين

15- حسن عاقبت، بزرگ ترين سعادت است. كسانى كه تمام عمرشان در انحراف بودند، با جرقّه اى در يك لحظه دگرگون شده انّا الى ربّنا منقلبون و از اوّلين مؤمنان شدند. كنّا اوّل المؤمنين

16- توطئه، توطئه گر را رسوا مى كند. (فرعون با سرمايه گزارى بسيار، ساحران را دعوت كرد تا موسى را رسوا كنند، ولى با ايمان آوردن ساحران، فرعون خود رسوا شد). كنّا اوّل المؤمنين

# 52 - وَاءَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى اءَنْ اءَسْرِ بِعِبَادِى إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ

ترجمه:

و به موسى وحى كرديم كه بندگان مرا شبانه (از مصر) كوچ ده، زيرا شما تعقيب خواهيد شد.

# 53 - فَاءَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى الْمَدَآئِنِ حَشِرِينَ

ترجمه:

پس فرعون (از اين حركت آگاه شد و) به شهرها ماءمور فرستاد تا مردم را گردآورند.

## نكته ها:

كار حضرت موسى به سه بخش تقسيم مى شود:

بخش اوّل، دعوت فرعون و اظهار معجزه بود.

بخش دوّم، گرويدن ساحران به او و فراز و نشيب هاى گوناگون بود.

بخش سوّم، حركت دادن طرفداران و مؤمنين و تعقيب آنها از سوى فرعون و كفّار بود كه به عبور مؤمنين از دريا و غرق شدن كفّار انجاميد.

در كلمه ى حشر، معناى برانگيختن و سوق دادن و جمع كردن نهفته است.

بنى اسرائيل براى فرعونيان منافعى داشتند كه فرعون از مهاجرت آنان جلوگيرى مى كرد و حضرت موسى ماءمور شد تا شبانه آنها را از مصر كوچ دهد.

## پيام ها:

1- بعد از نپذيرفتن استدلال، نوبت قهر الهى است كه با فرمان كوچ دادن به موسى و تعقيب فرعونيان شروع و با غرق و هلاكت آنان خاتمه مى يابد. و اوحينا الى موسى اَن اءسرِ

2- تمام حركات انبيا حتّى زمان هجرت، از طريق وحى بوده است. اوحينا...

3- براى مبارزه با فرعون، از تاريكى شب نيز استفاده كنيد. اءسرِ

4- يا جامعه فاسد را اصلاح كنيم ويا از آن فاصله گرفته وهجرت كنيم. اءَسرِ

5- انبيا تنها پند و اندرز نمى دهند، ايجاد نهضت هاى بزرگ و رهبرى آنها از كارهاى ديگر آنان است. اءسرِ بعبادى

6- يكى از مراحل نهى از منكر، هجرت از جامعه ى فاسد است. اءسرِ بعبادى

7- خداوند بندگان خود را از مهلكه نجات مى دهد. اءَسرِ بعبادى

8- طاغوت ها دست به شايعه پراكنى و تبليغات منفى در شهرها مى زنند. فارسل فرعون فى المدائن حاشرين

# 54 - إِنَّ هَؤُلاَءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

# 55- وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ

# 56 - وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَذِرُونَ

ترجمه:

(تبليغات فرعونيان درباره ى موسى و يارانش اين بود:) همانا اينها گروهى اندكند كه نسبت به ما خشم ونفرت دارند، ولى ما همگى آماده ى دفاع هستيم.

# 57 - فَاءَخْرَجْنَهُم مِّن جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

# 58- وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

ترجمه:

لذا آنان را (به گمان تعقيب بنى اسرائيل)، از باغ ها و چشمه ها و گنج ها و جايگاه نيكو (و قصرهاى مجلّل)، بيرون كرديم.

# 59 - كَذَلِكَ وَاءَوْرَثْنَهَا بَنِى إِسْرَءِيلَ

# 60 - فَاءَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ

ترجمه:

(تدبير ما) اين چنين بود كه (بعد از غرق كردن فرعونيان،) بنى اسرائيل را وارث آنها قرار دهيم. پس هنگام طلوع خورشيد، سپاه فرعون به تعقيب آنان برخاستند.

## نكته ها:

كلمه ى شِرذِمة به معناى گروهى محدود است كه از اصل جدا شده باشد. فرعون در تبليغات خود، مخالفان را گروه كوچكى معرّفى مى كرد. امّا در تفاسير از ابن عباس روايت كرده اند: افرادى كه با حضرت موسى حركت كردند حدود 600000 نفر بوده اند، و فرعون به اين جمعيّت زياد مى گويد: اِنّ هؤ لاء لَشِرذمة قليلون (14)

كلمه ى حاذرون از حذر به معناى وسيله ى دفاعى است، بنابراين اِنّا لجميع حاذرون يعنى همه ى ما براى انتقام آماده و مسلّح هستيم.

فرعونيان در تبليغات، خود را گروهى متّحد مى دانستند، اِنّا لجميع حاذِرون ولى بنى اسرائيل را قَليلون مى خواندند، نه قليله، يعنى آنان گروه گروه بوده و با هم متّحد و منسجم نيستند و ما خيلى زود آنها را قلع و قمع مى كنيم. غافل از آنكه انسجام آنان به قدرى است كه با يك اشاره وفرمان حضرت موسى، همگى شبانه هجرت كردند.

## پيام ها:

1- طاغوت ها حركت هاى مردمى را ناچيز مى انگارند. لَشِرذمة قليلون

2- منحرف كردن افكار مردم، شيوه اى طاغوتى است. لَشِرذمة قليلون

3- طاغوت ها بدانند كه مورد تنفّرند. و اِنّهم لنا لغائظون

4- بغض و خشم نسبت به طاغوت ها و تبرّى از آنان، لازمه ى ايمان به خداست. و اِنّهم لنا لغائظون

5- كاخ ‌ها ابدى نيست، ظلم كليد زوال قدرت است. فاخرجناهم...

6- فرعونيان در مصر داراى تمدّن بودند. و كنوز و مقام كريم

7- يكى از سنّت هاى الهى، جايگزين كردن مستضعفان به جاى مستبكران است. كذلك و اورثناها بنى اسرائيل

8- ثروت ها، كاخ ‌ها و باغ هاى فرعونيان، به بنى اسرائيل رسيد. اورثنا

9- خروج فرعونيان به دنبال بنى اسرائيل، يك تدبير الهى براى غرق شدن آنان بود. فاخرجنا فَاتبَعوهم مُشرقين

# 61 - فَلَمَّا تَرَءَا الْجَمْعَانِ قَالَ اءَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ

ترجمه:

پس زمانى كه دو گروه همديگر را ديدند، ياران موسى گفتند: (ما به دام افتاديم و) آنان به ما دست خواهند يافت.

# 62 - قَالَ كَلا إِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهْدِينِ

ترجمه:

موسى به آنان گفت: چنين نيست، قطعاً پروردگارم با من است و مرا هدايت خواهد كرد.

## نكته ها:

تَرائى به معناى يكديگر را ديدن و جَمعان به معناى دو گروه است.

شايد آوردن اصحاب موسى به جاى بنى اسرائيل، رمز آن باشد كه حتّى ياران نزديك موسى از اينكه دريا در جلو و سپاه فرعون در تعقيب آنان هستند، دغدغه ها داشتند.

گرچه هر حركت و قيام و تصميمى، شناخت و بصيرت لازم دارد، ولى لازم نيست انسان در گام اوّل نسبت به تمام مراحل آگاهى داشته باشد. چنانكه حضرت موسى تا لحظه اى كه دريا را در جلو و دشمن را پشت سر خود ديد خبر از برنامه نداشت، امّا ايمان به هدايت الهى همواره در او بود. و لذا فرمود: اِنّ معِىَ ربّى سيَهدين

## پيام ها:

1- رهبران آسمانى، در بحران ها دلى آرام دارند و مايه ى آرامش ديگران نيز هستند. كلاّ اِنّ معِىَ ربّى

2- به وعده هاى الهى يقين داشته باشيم. (خداوند در آيه ى 15- اين سوره به موسى فرمود: انّا معكم مستمعون، در اين آيه موسى به مردم مى گويد: خداوند وعده داد و او با ماست). كلاّ اِنّ معِىَ ربّى

3- هنگام برخورد با دشمن، (حتّى زمانى كه در يك طرف دريا و در طرف ديگر سپاه دشمن است،) ماءيوس نشويد و به خدا توكّل كنيد. اِنّ معىَ ربّى

4- پيامبران واسطه ى فيض و رحمت خداوند مى باشند. اِنّ معىَ ربّى سيهدين (با توجّه به اينكه هدايت پيامبر، واسطه اى براى هدايت مردم است)

5- انبيا تحت حمايت ويژه ى خداوند هستند. اِنّ معِىَ ربّى

6- هدايت از شئون ربوبيّت است. ربّى سيهدين

# 63 - فَاءَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى اءَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

# 64 - وَاءَزْلَفْنَا ثَمَّ الاَْخَرِينَ

ترجمه:

پس (به دنبال اين تلاقى،) به موسى وحى كرديم كه عصايت را به دريا بزن. دريا شكافت و هر پاره اى مثل كوهى بزرگ گرديد. آنگاه گروه ديگر (لشكر فرعون) را به آنجا نزديك كرديم.

# 65- وَاءَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ اءَجْمَعِينَ

# 66 - ثُمَّ اءَغْرَقْنَا الاَْخَرِينَ

ترجمه:

و موسى و هركه را با او بود، همگى را (از دريا عبور و) نجات داديم. سپس گروه ديگر را غرق ساختيم.

# 67 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

# 68- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

البتّه در اين ماجرا، (عبرت و) نشانه ى روشنى است و بيشتر آنان ايمان آورنده نبودند. و همانا پروردگارت شكست ناپذير و مهربان است.

## نكته ها:

كلمه ى اِنفلاق به معناى شكافته شدن، فِرق به معناى قطعه و طَود به معناى كوه مى باشد. گويا در اثر شكافته شدن رود بزرگ نيل كه همچون درياست، آب در دو طرف خشكىِ ايجاد شده چنان روى هم انباشته شد كه همانند دو كوه بلند گرديد.

## پيام ها:

1- كارهاى انبيا با اراده ى پروردگار و وحى الهى است. فاوحينا...

2- خداوند كارهايى را به دست اولياى خود انجام مى دهد تا مردم به آنان توجّه كنند و از آنان اطاعت نمايند. فاوحينا الى موسى اءنِ اضرب (آرى، طبيعت و مظاهر آن، با اراده ى خداوند در اختيار بندگان خاصّ ومقهور آنان است.)

3- با اراده ى خداوند، يك عصا روزى اژدها مى شود و سبب ترس دشمنان مى گردد و يك روز كليد رحمت و باز شدن راه براى مؤمنان مى شود.

4- با اراده ى خداوند، يك عصا گاهى سبب جوشيدن آب از زمين است: اِضرب بعصاك الحجر(15) و گاهى سبب خشك شدن دريا. اِضرب بعصاك البحر

5- همه ى هستى و فعل وانفعالات آن، با اراده ى خداوند است. اءوحينا اءزلفنااءنجينا اءغرقنا

6- نجات و رستگارى در سايه ى همراهى با انبياست. اءنجينا موسى ومن معه

7- خداوند ياران خود را در سخت ترين شرايط از بن بست نجات مى دهد. اءنجينا موسى ومن معه

8- شكافته شدن دريا و غرق شدن فرعونيان، نشانه ى قدرت و قهر الهى و مايه ى پند است. اِنّ فى ذلك لايةً

9- سنّت الهى در طول تاريخ، يارى حقّ و سركوب باطل است. لاية آرى، نشانه و عبرت بودن يك حادثه، زمانى است كه آن حادثه يا مشابه آن در طول تاريخ تكرار شدنى باشد.

10- خداوند با بيان تاريخ گذشتگان، به پيامبر اسلام دلدارى و درس صبر مى دهد. ما كان اكثرهم مؤمنين

11- پندپذيران كم هستند. لاية و ما كان اكثرهم مؤمنين

12- پيامبر اسلام تحت حمايت ويژه ى خداوند است. ربّك (خطاب به پيامبر است كه همان گونه كه ما مخالفان موسى را نابود كرديم، با همان عزّت و قدرت مى توانيم مخالفان تو را نيز نابود كنيم.)

13- كفر مردم، ضررى به عزّت خداوند نمى زند. ما كان اكثرهم مؤمنين اِنّ ربّك لهو العزيز الرّحيم

14- مربّى، هم بايد قدرتمند باشد و هم مهربان. اِنّ ربّك لهوالعزيز الرّحيم

15- مهلتى كه خداوند به كفّار مى دهد از ضعف و ناتوانى نيست، بر اساس مهر و رحمت است تا شايد توبه كنند. العزيز الرّحيم

# 69 - وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاءَ إِبْرَهِيمَ

# 70 - إِذْ قَالَ لاَِبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ

ترجمه:

(اى پيامبر!) سرگذشت ابراهيم را بر مردم بخوان. آن گاه كه به پدرش (عمويش آذر) و قومش گفت: شما چه مى پرستيد؟

# 71 - قَالُواْ نَعْبُدُ اءَصْنَاماً فَنَظَلُّ لَهَا عَكِفِينَ

# 72 - قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ

# 73 - اءَوْ يَنفَعُونَكُمْ اءَوْ يَضُرُّونَ

ترجمه:

گفتند: بت هايى را مى پرستيم كه همواره ملازم آنهاييم. ابراهيم گفت: آيا هر گاه آنها را مى خوانيد (يا دعا مى كنيد) سخن شما را مى شنوند؟ يا به شما سود و زيانى مى رسانند؟

# 74 - قَالُواْ بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

# 75- قَالَ اءَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ

# 76 - اءَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمُ الاَْقْدَمُونَ

ترجمه:

بت پرستان گفتند: (نه) بلكه پدرانمان را يافتيم كه اين گونه (پرستش) مى كردند. ابراهيم گفت: آيا در آنچه مى پرستيد انديشه و نگاه (عميق) كرده ايد؟ شما و پدران پيشين شما (دقّت كرده ايد)؟

## نكته ها:

بعد از حضرت موسى كه نامش بيش از 130 مرتبه در قرآن آمده، نام حضرت ابراهيم، بيش از ديگر پيامبران در قرآن آمده است.

بر اساس روايات مراد از كلمه ى اءَب در اين آيه، آذر عموى ابراهيم است. زيرا امكان ندارد كه پدرِ پيامبرى همچون ابراهيم كافر باشد. از نظر لغت نيز به مربّى و جدّ و پدر زن نيز اءَب گفته مى شود. در آيه 133 سوره بقره مى خوانيم كه فرزندان يعقوب به پدرشان گفتند: نَعبُد الهك و اله آبائك ابراهيم و اسماعيل و اسحاق با اينكه يعقوب فرزند اسحاق است، در اين آيه هم به جدّ (ابراهيم) و هم به عمو (اسماعيل)، اءَب گفته است.

تقليد از اهل علم و دانشمندان، گاهى وسيله ى تكامل و رشد و ترقّى است؛ فسئلوا اهل الذكر (16) و فبِهُداهم اقتده... (17) ولى از عوام وسيله ى تحجّر و جمود است. انّا وَجَدنا آباءنا زيرا پايبندى بى چون و چرا به سنّت ها و آداب ملّى و قومى، سبب تخدير جامعه و سدّ راه فكر و نوآورى و مانع شناخت حقيقت است.

چون حضرت ابراهيم مورد ستايش همه ى گروه هاى يهودى و مسيحى است، بيان تاريخ او براى اهل كتاب زمان پيامبر و همچنين مسلمانان، درس آموز خواهد بود.

كلمه ى راءيتم از ريشه ى راءى و رؤ يت است. بنابراين راءيتم هم شامل ديدن با چشم مى شود و هم نگريستن با عقل.

## پيام ها:

1- پيامبر اسلام ماءمور حفظ تاريخ انبياى قبل از خود است. واتلُ عليهم

2- سرگذشت حضرت ابراهيم عليه‌السلام مهم و مفيد است. (نباء، به خبر مهم گويند)

3- سنّت ها و قوانين حاكم برتاريخ، ثابت است. بنابراين تاريخ ديروز مى تواند براى امروز درس باشد. واتلُ عليهم نباء ابراهيم

4- در نهى از منكر، از خودى ها شروع كنيم. لابيه

5- در نهى از منكر، سن شرط نيست. قال لابيه

6- در نهى از منكر، قدرت شرط نيست. قال لابيه و قومه (با توجّه به اينكه آن زمان حضرت ابراهيم در شرايطى بود كه عمويش او را طرد كرد.)

7- در نهى از منكر، از تنهايى نترسيد. قال لابيه و قومه

8- در دفاع از حقّ، مراعات فاميل را نكنيد. قال لابيه

9- خداوند با بيان اين كه نزديك ترين بستگان ابراهيم بت پرست بودند و از او اطاعت نكردند، پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را دلدارى مى دهد. لابيه و قومه نعبد اصناما

10- در شيوه ى تبليغ، وجدان ها را با سؤال بيدار كنيد. ما تعبدون (با آنكه ابراهيم عليه‌السلام مى ديد كه آنها چه چيزهايى را مى پرستند، ولى براى اينكه آنان را به تفكّر وادار كند ووجدانشان را بيدار نمايد، از آنان پرسش نمود.)

11- انسان، موجودى است پرستش گر، اگر حقّ را پرستش نكند به باطل رو خواهد كرد. ما تَعبدون نَعبُد اصناما

12- قرآن كريم در نقل تاريخ، نقاط حساس و سازنده را مطرح مى كند. ما تعبدون (قرآن در مطالبى كه از تاريخ نقل مى كند، به تعداد و نام و زمان و مكان اشاره ندارد، بلكه پيام و محتواى عبرت انگيز را بيان مى كند.)

13- در نهى از منكر، از منكرات مهم شروع كنيد. ما تعبدون (آرى مهم ترين منكر، شرك به خداوند است.)

14- هر عبادتى ارزش ندارد، نوع معبود و مقدار شعور مهم است. نعبد اصناماً

15- پرستش، يك خواست لحظه اى نيست، بلكه در عمق جان انسان ريشه دارد. عاكفين

16- بدتر از انحراف، افتخار به انحراف است. فنظلّ لها عاكفين نظلّ يعنى هميشه بت مى پرستيم و عاكفين يعنى بر پرستش آن ملازم هستيم.)

17- استدلال و منطق، اوّلين گام تبليغ است. هل يَسمعونكم او يَنفعونكم

18- انگيزه ى پرستش، يا خيررسانى است، يا دفع شرّ و بت ها هيچ يك را ندارند. ينفعونكم او يضرّون

19- با افراد عادّى، استدلال روشن و قابل فهم داشته باشيد. هل يَسمعونكم اذ تدعون او يَنفعونكم او يَضرّون

20- در عقايد، تقليد ممنوع است. وَجَدنا آبائنا

21- گاهى آداب ورسوم نياكان، مانعى بر راه عقل ومنطق است. وَجدنا آبائنا

22- سابقه، دليل حقّانيّت نيست. وَجدنا آبائنا

23- بت پرستان نيز بى اثر بودن بت ها را باور دارند، فقط گرفتار نياكان خود هستند. بل وَجَدنا آبائنا

24- تعصّب و قوم گرايى ممنوع است. وَجدنا آبائنا

25- جهل و ساده انديشى، بستر و زمينه ى انحراف است. اءفراءيتم ماكنتم تعبدون (شرك مبناى علمى و برهانى ندارد)

26- تدبّر و تعقّل براى انسان، يك ضرورت است. اءفراءيتم ما كنتم تعبدون

27- مناظره، بحث و احتجاج، ميان افكار گوناگون لازم است. اءفراءيتم ماكنتم...

# 77 - فَإِنَّهُم عَدُوُّ لِّى إِلا رَبَّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

البتّه اين بت ها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانيان (كه محبوب من است).

# 78- اءَلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ

# 79 - وَالَّذِى هُوَ يُطْعِمُنِى وَيَسْقِينِ

ترجمه:

همان پروردگارى كه مرا آفريد و همو راهنماييم مى كند. او كه مرا (هنگام گرسنگى) طعام مى دهد و (هنگام تشنگى) سيرابم مى نمايد.

# 80 - وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

# 81 - وَالَّذِى يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ

ترجمه:

و هر گاه بيمار شوم، همو مرا شفا مى بخشد. او كسى است كه مرا مى ميراند، سپس زنده ام مى كند.

# 82 - وَ الَّذِى اءَطْمَعُ اءَن يَغْفِرَ لِى خَطِيئَتِى يَوْمَ الدِّينِ

ترجمه:

او كسى است كه اميد دارم روز جزا خطاهاى مرا ببخشد.

## نكته ها:

جز خدايى كه ربّ العالمين است، همه ى معبودها دشمن ما مى شوند، زيرا بت ها در قيامت به سخن در آمده، عليه بت پرستان شكايت خواهند كرد. چنانكه قرآن مى فرمايد: كلاّ سيَكفرون بعبادَتهم و يكونون عليهم ضِدّا (18) روز قيامت بت ها از بت پرستان تنفّر مى جويند و با آنان ضدّيت دارند و بدين وسيله عداوت آنها روشن مى شود. (19)

خطاى انبيا، ترك اولى است، و گرنه خداوند حضرت ابراهيم را با صفاتى مثل برگزيده ستايش نموده است. اِنّا اَخلصناهم بخالصَة ذِكرَى الدّار (20)

## پيام ها:

1- معبودهاى خيالى و دروغين، دشمنان انديشه، سعادت وتكامل بشريّت هستند. عدوّ لى...

2- ابتدا بايد به جهان و جهان آفرين توجّه كرد و سپس توجّه به خويشتن. ربّ العالمين خلقنى

3- در شيوه ى تبليغ، گاهى لازم است خود را به جاى ديگران قرار دهيم. عدوّ لى و نفرمود: عدوّ لكم

4- آفرينش انسان از بزرگ ترين الطاف الهى است. الّذى خلقنى

5- كسى حقّ هدايت دارد كه آفريده باشد. خلقنى فهو يهدين زيرا تدبير و هدايت از آفرينش جدا نيست.

6- آفريدن و هدايت كردن، نشانه ى آن است كه او ما را دوست دارد، نه بت ها. عدوّ لى الاّ ربّ العالمين الّذى خلقنى فهو يهدين

7- هدايت، از شئون ربوبيّت است. ربّ العالمين فهو يَهدين

8- نعمت هدايت (بعد از خلقت)، بزرگ ترين نعمت هاست. خلقنى فهو يَهدين

9- آفريدن يك بار است، ولى هدايت در هر لحظه و هميشه است. (خلقنى به صورت ماضى و يهدين به صورت مضارع و استمرار آمده است)

10- سير شدن و سيراب شدن انسان، كار خداست. آب و نان وسيله است. يُطعِمنى و يَسقين

11- توجّه به نعمت هاى معنوى، بر توجّه به نعمت هاى مادّى مقدّم است. ابتدا فرمود: فهو يَهدين...، آنگاه فرمود: يُطعِمنى و يَسقين...

12- در پيدايش بيمارى، خود ما مقصّريم. مَرِضتُ و نفرمود: اءمرَضَنى

13- شفا از خداست. دارو وسيله است وتاءثير آن نيز به اراده اوست. فهو يَشفين

14- شفاى روح و شفاى جسم در كنار هم لازم است. فهو يهدين فهو يَشفين

15- در سخن و خطابه، آهنگين بودن كلمات يك ارزش است. يَهدين يَسقين يَشفين يُحيين

16- در جهان بينى الهى، مرگ پايان كار نيست، يكى از مراحل زندگى است. يُميتنى ثم يُحيين

17- همه كاره ى هستى خداست. (توحيد افعالى) يَهدين يَسقين يَشفين يُحيين

18- مرگ نيز نعمت است. والّذى يُميتنى... مرگ در رديف نعمت ها آمده است.

19- هر كجا زمينه شرك وجود دارد، شرك زدايى لازم است. (در نعمت هدايت، اطعام و شفا، سه بار كلمه ى هو به كار رفته است، ولى در خلقت و مرگ و حيات، اين كلمه به كار نرفته، شايد به اين خاطر كه خلقت و مرگ را همه به خدا نسبت مى دهند و جاى شرك نيست، ولى ارشاد و اطعام و شفا به مردم، دارو، پزشك و غذا نسبت داده مى شود. لذا قرآن براى زنده نگاه داشتن روحيّه توحيد، كلمه ى هو را بكار برد، يعنى همه ى كارها بدست اوست).

20- يكى از فلسفه هاى عبادت، تشكّر از خداوند است. (ابراهيم به عمو و قوم خود فرمود: ما تعبدون چه چيزى را مى پرستيد؟ گفتند: بت. حضرت ابراهيم در اين آيات، فلسفه ى عبادت خدا را بيان مى كند). خلقنى يهدين يُطعمنى يَسقين يَشفين يُميتنى و يُحيين

21- هيچ كس از الطاف الهى بى نياز نيست. اطمع اَن يَغفر... در جايى كه حضرت ابراهيم خليل اللّه خود را نيازمند مغفرت الهى بداند، تكليف ما روشن است.

22- عفو الهى، فضل اوست نه استحقاق ما. اَطمع آرى، به اعمال خود تكيه نكنيم، زيرا ابراهيم نيز به عفو الهى چشم دوخته، نه پاداش كار خود.

23- اميد و رجا، يك ارزش است. اَطمع

24- ربوبيّت خداوند سبب دلبستگى به عفو و مغفرت اوست. ربّ العالمين... اَطمع اَن يَغفر لى

25- طلب مغفرت، شيوه ى انبياست. يَغفرلى

26- اگر لطف خاصّ او نباشد، انسان در هر مرحله اى باشد جايزالخطا است. خطيئتى

27- جلوه ى مبدء و معاد در كلام انبيا آشكار است. خَلقنى... يوم الدين

28- نيازهاى مادّى و معنوى انسان از آغاز تا پايان زندگى، به دست خداوند است. خلقنى... يوم الدّين

# 83 - رَبِّ هَبْ لِى حُكْماً وَاءَلْحِقْنِى بِالصَّلِحِينَ

ترجمه:

(ابراهيم در ادامه ى سخن خود گفت:) پروردگارا! به من حكمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق كن!

## نكته ها:

كلمه ى حُكم مى تواند به معناى حكومت و سرپرستى و تدبير امور باشد و يا به معناى دانش و معرفت. البتّه حُكم معنايى برتر از حكمت دارد، زيرا حكمت تنها قدرت تشخيص حقّ از باطل است و حُكم آگاهى همراه با آمادگى براى اجراى حقّ است. (21)

سعادت انسان در چند جمله خلاصه مى شود كه در دعاى حضرت ابراهيم آمده است:

الف: شناخت خداوند و معرفت درونى نسبت به او. هَب لى حُكما

ب: حضور در جامعه ى صالح. اَلحِقنى بالصالحين

ج: نام نيك در تاريخ. لسان صِدقٍ فى الاخرين

د: رسيدن به بهشت ابدى. ورثة جنّة النّعيم

## پيام ها:

1- انسان براى رسيدن به كمالات بايد از خداوند استمداد كند. ربّهَب لى...

2- استمداد از نام ربّ، در استجابت دعا مؤ ثّر است. ربّ

3- حكمت و بينش همراه با عمل، هديه ى الهى است. هَب لى حُكما

4- قبل از درخواست جديد از خداوند، از نعمت هاى قبلى نامى ببريد و از او تشكّر كنيد. خَلَقنى يَهدين يَشفين يَسقين و... ربّ هَب لى

5- اگر حكمت باشد، ولى دوستان انسان نااهل باشند، حكمت كارايى ندارد. هَب لى حُكما و اءلحقنى

6- اگر ديد و بينش و تفكّر صحيح بود، رفتار و گفتار و نيّت هم صحيح مى شود. (حكمت به معناى ديد و فهم و نظر صحيح است). حُكما

7- حكمت نظرى، به تنهايى مفيد و نجات بخش نيست. حكمت بايد با عمل همراه باشد. هَب لى حُكما و اءلحقنى بالصّالحين

8- برخوردارى از حكمت و معرفت در درون و زندگى در جامعه ى صالحان و صالح بودن، بالاترين درجه ى سعادت است. حُكما و اءلحقنى بالصّالحين

9- حكمت وشناخت وبينش، بر عمل مقدّم است. هب لى حُكما و اءلحقنى

10- بهترين دعا را از بهترين افراد بياموزيم. (بهترين افراد، انبيا هستند و يكى از بزرگ ترين انبيا حضرت ابراهيم عليه‌السلام است كه در دعا از خداوند مغفرت، حكمت، نام نيك و حسن عاقبت مى خواهد و در آيات ديگر از خداوند، فرزندان خوب و پيروان مسلمان درخواست مى كند).

11- حكومت خواهى براى انجام احكام الهى، مطلوب است. هَب لى حُكما(22)

12- هم انزوا ممنوع است و هم جذب نااهلان شدن. اءلحقنى بالصّالحين

13- پيش كسوتان صالح را ارج نهيم. اءلحِقنى بالصّالحين (نفرمود: از صالحين باشم، بلكه فرمود: به آنان ملحق شوم. زيرا مقام سابقين برتر است).

14- جامعه اى ارزش دارد كه افرادش صالح باشند. اءلحِقنى بالصّالحين

15- انسان به رفيق خوب محتاج است. و اءلحِقنى بالصّالحين

# 84 - وَاجْعَلْ لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى الاَْخِرِينَ

ترجمه:

و در ميان آيندگان نام نيكى براى من قرار بده.

# 85- وَاجْعَلْنِى مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

ترجمه:

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

## نكته ها:

در آيه ى 108- سوره ى صافّات كه ماجراى ذبح اسماعيل مطرح شده است مى فرمايد: و تَرَكنا عليه فى الاخرين يعنى قربانى در مراسم حج را يك سنّت واجب قرار داديم و به خاطر تسليم بودن ابراهيم، نام نيك براى او به جاى گذاشتيم و اين گونه دعايش را كه مى گفت: واجعل لى لسان صدق فى الاخرين، مستجاب كرديم.

در آيه ى 50 سوره ى مريم نيز به دنبال نام حضرت ابراهيم و اسحاق و يعقوب مى فرمايد: و جَعلنا لهم لسان صِدق عَليّاً ما نام بلند و نيكو براى آنان قرار داديم

حضرت على عليه‌السلام فرمود: نام نيك، از دارايى و سرمايه بهتر است. (23)

در روايات از لسانِ صدق و يادگار نيك، به وجود مبارك حضرت محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله وعلى عليه‌السلام تعبير شده است. (24) بعضى سخن پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را كه فرمود: اءنَا دَعوة اءبى ابراهيم يعنى من اثر دعاى پدرم ابراهيم هستم. دليل اين نكته دانسته اند. بنابراين مراد از لسانِ صدق در آيندگان، انبيايى از نسل او هستند كه مكتب توحيدى را زنده نگاه داشته اند و اين آرزو با مقام پيامبرى همچون ابراهيم عليه‌السلام، تناسب بيشترى دارد.

در روايات مى خوانيم: هر گاه انسان از دنيا رفت، پرونده ى اعمالش بسته مى شود مگر كسى كه صدقه ى جاريه اى به جاى گذاشته باشد. مانند: وقف يا كتاب مفيدى كه از او به جاى مانده باشد و يا فرزند صالحى كه براى او دعا كند. (25)

در روايات آمده است: هر انسانى در بهشت و دوزخ جايگاهى دارد و هنگامى كه وارد دوزخ شود، خانه ى بهشتى او را به ديگران مى دهند و آنان وارث مى شوند. (26)

## پيام ها:

1- بقاى نام مكتب و يادگار نيك را از او بخواهيم. واجعَل لى

2- ستايشى ارزش دارد كه صادقانه باشد، نه از روى تملّق. لسان صدق

3- آيندگان را به حساب آورديد وقضاوت آيندگان را در نظر بگيريد. لسان صِدقٍ فى الاخرين

4- اتفاق نظر يهود و نصارا و مسلمين بر عظمت ابراهيم، نمونه ى استجابت دعاى اوست. لسان صِدقٍ فى الاخرين

5- انسان هاى بزرگ، هم محبوبيّت دنيوى مى خواهند و هم سعادت اُخروى. لسان صِدق فى الاخرين

6- انسان، بعد از مرگ نيز از دعاى خير ديگران و سنّت هاى حسنه اى كه بنا نهاده بهره مند مى شود. لسان صِدق فى الاخرين

7- به طرح هاى كوتاه مدّت قناعت نكنيم. لسان صدق فى الاخرين

8- نعمت هاى بهشتى، در برابر اعمال ما موهبتى بى رنج است. ورثة جنّة النّعيم زيرا ارث، به مالى گويند كه بدون رنج و تلاش به دست آيد.

# 86 - وَاغْفِرْ لاَِبِى إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّآلِّينَ

ترجمه:

(ابراهيم در ادامه ى دعاهايش گفت:) پدرم را ببخش كه بى شك او از گمراهان است.

# 87 - وَلاَ تُخْزِنِى يَوْمَ يُبْعَثُونَ

# 88- يَوْمَ لاَ يَنفَعُ مَالٌ وَلاَ بَنُونَ

# 89 - إِلا مَنْ اءَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

ترجمه:

و روزى كه همه مبعوث مى شوند، مرا خوار مگردان. روزى كه مال و فرزندان براى انسان نفعى ندارند. مگر كسى كه با روح و قلب پاك به سوى خدا آيد.

## نكته ها:

مشهور آن است كه مراد از پدر، عموى ابراهيم است و به گفته ى قرآن، مؤمن نبايد در حقّ كافر دعا كند. بنابراين اگر حضرت ابراهيم براى عموى كافرش دعا كرد، به خاطر اين بود كه به او وعده ى دعا داده بود، زيرا هنوز به ايمان آوردن او اميد داشت. سَاءستغفر لك ربّى(27) لكن همين كه يقين كرد او ايمان نمى آورد، از عموى خود تبرّى جست. و ما كان استغفار ابراهيم لابيه الاّ عن مَوعدة وَعدَها ايّاه فلمّا تبيّن له اءنّه عَدوُّ للّه تبرّاء منه(28)

روحِ پاك، روحى است كه از وابستگى به دنيا وآلودگى به شرك، كفر، نفاق، تكبّر و همه ى امراض قلبى پاك باشد وچون خداوند درباره ى منافقان مى فرمايد: فى قلوبهم مَرض پس قلبِ سليم، قلب مؤمن است.

درحديث مى خوانيم: قلب سليم، قلبى است كه در آن شرك نباشد. (29)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در نمازش اين دعا را مى خواند: الّلهم لاتخزنى يوم القيامة پروردگارا! مرا در قيامت خوار و رسوا مكن. (30)

سؤال: در روايات مى خوانيم: انفاق مال و صدقه ى جاريه و اولاد صالحى كه براى والدين دعا كنند، براى قيامت انسان مفيد هستند، پس رابطه ى آيه ى لا يَنفع مال و لابَنون با اين روايات چيست؟

پاسخ: مراد اين آيه، مال و فرزندى است كه در خط الهى قرار نگيرند.

بنابراين دنيا مانند كليدى است كه با حركتى درب را قفل و با حركت ديگرى درب را باز مى كند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب ودر دست ناهلان سبب گناه مى شود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مال را كز بهر دين باشى حَمول |  | نعم مالٌ صالحٌ گفت آن رسول |
| چيست دنيا از خدا غافل شدن |  | نى قُماش ونقره وفرزند و زن |
| آب در كشتى هلاك كشتى است |  | آب در بيرون كشتى، پشتى است (31) |

## پيام ها:

1- محبّت و دعا درباره ى بستگان، همراه با نهى از منكر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. قال لابيه و قومه ما تعبدون... واغفر لابى

2- بند و بست هاى دنيوى در قيامت بى اثر است و جز قلب پاك، هيچ چيز كارايى ندارد. خَطيئتى يوم الدّين... قلب سليم

3- بيم و اميد بايد در كنار هم باشند. اَطمع اءن يَغفر لى لاتُخزِنى يوم يبعثون

4- انسان در هر مرحله اى كه باشد نبايد از قيامت غافل باشد. لاتُخزِنى...

5- در قيامت، ديگران نيز از عيوب ما آگاه مى شوند. لا تُخزِنى زيرا رسوايى در جايى است كه ديگران از خصوصيّات رفتار و افكار ما آگاه شوند.

6- خوارى ورسوايى، از سخت ترين حالات در قيامت است. لا تُخزِنى حضرت ابراهيم از ميان همه ى مشكلات روز قيامت، رسوا نشدن را مطرح مى كند.

7- در قيامت، تحقير و خوارى و خزيان، بدتر از عذاب دوزخ است. لا تُخزِنى در جاى ديگر مى خوانيم: انّك مَن تُدخل النّار فقد اَخزيتَه (32)

8- آنچه در دنيا ارزش است، در آخرت بى ارزش مى شود. لاينفع مال ولابنون مال جلوه ى مسائل مادّى و بَنُون (فرزندان) جلوه ى مسائل عاطفى است، يعنى در قيامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرك و... نجاتبخش نيست.

# 90 - وَ اءُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

# 91 - وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

# 92 - وَقِيلَ لَهُمْ اءَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ

ترجمه:

و (آن روز) بهشت براى پرهيزكاران نزديك گردد. وآتش برافروخته براى گمراهان نمودار شود. وبه آنان گفته شود: كجاست آنچه مى پرستيديد؟

# 93 - مِن دُونِ اللّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ اءَوْ يَنتَصِرُونَ

ترجمه:

به جاى خداوند، آيا ياريتان مى كنند يا از خود دفاع توانند كرد؟

# 94 - فَكُبْكِبُواْ فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

# 95- وَجُنُودُ إِبْلِيسَ اءَجْمَعُونَ

ترجمه:

پس همه ى معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند. و لشكريان ابليس نيز همگى (به دوزخ افكنده شوند).

## نكته ها:

اُزلفت به معناى نزديك شدن و بُرّزت از بروز، به معناى ظاهر شدن است. غاوين از غواء شرّ و جهلى را گويند كه از فساد عقيده است. كُبّ به معناى از صورت به زمين خوردن و كُبكُب يعنى پى در پى از صورت به زمين خوردن، گويا دوزخيان پى در پى سقوط مى كنند و به دوزخ مى افتند، نظير سنگى كه از چند پلّه بيفتد، كه در هر پلّه اى يك بار به زمين مى خورد.

امام باقر و امام صادق عليهما‌السلام فرمودند: كسانى كه از عدل سخن مى گويند، ولى در عمل عادل نيستند، مصداق اين آيه هستند: كُبكِبوا فيها هم والغاوُون (33)

صاحب تفسير اطيب البيان، مراد از نزديك شدن بهشت و نمودار شدن دوزخ را، باز شدن دربِ بهشت به قبر مؤمن و دربِ دوزخ به قبر كافر مى داند.

## پيام ها:

1- مقام مؤمن پرهيزكار، از بهشت بالاتر است. لذا بهشت را براى او حاضر مى كنند. اُزلِفَت الجنّة للمتّقين آرى، كسى كه در دنيا از گناه فاصله گرفت، در قيامت بهشت با آن عظمت را به استقبالش مى آورند.

2- وعده ى خداوند بر وعيد او مقدّم است. اُزلفت الجنّة بُرّزت الجحيم

3- ديدن دوزخ ووسيله هاى عذاب، خود نوعى شكنجه براى دوزخيان است. بُرّزت الجحيم

4- سرزنش، يكى از عذاب هاى روحى قيامت است. قيل لهم اين ما كنتم...

5- اعتقادات انسان، در سرنوشت او نقش مهمّى دارند. قيل لهم اين ما كنتم

6- در قيامت، از عقايد و افكار سؤال مى شود. قيل لهم اين ما كنتم تعبدون

7- روحيّه ى پرستش، در همه ى انسان ها هست، گرچه در بعضى از آنان به انحراف كشيده مى شود. اين ما كنتم تعبدون

8- هم معبودهاى خيالى به دوزخ مى روند وهم عابدهاى گمراه. هم والغاوُون

# 96 - قَالُواْ وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

# 97 - تَاللّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ

ترجمه:

و آنان در دوزخ در حالى كه با هم مشاجره مى كنند، (به معبودهاى خود) مى گويند: به خدا سوگند كه همانا ما در گمراهى آشكارى بوديم.

# 98- إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَلَمِينَ

# 99 - وَمَآ اءَضَلَّنَآ إِلا الْمُجْرِمُونَ

ترجمه:

چون شما (بت ها و معبودها) را با پروردگار جهانيان برابر مى دانستيم. و جز تبهكاران، مارا گمراه نكردند.

## نكته ها:

بر خلاف فضاى بهشت كه تمام آن سِلم وسلامت است، فضاى دوزخ هميشه پراز ملامت، خصومت ولعنت است: نفرين رهروان به رهبران فاسد، ملامت گناهكاران نسبت به شيطان، تنفّر معبودها از مشركين و تبّرىِ مجرمين از يكديگر كه درباره ى اين موارد، آيات فراوانى در قرآن به چشم مى خورد.

## پيام ها:

1- در ميان دوزخيان، جدال و جرّ و بحث و مخاصمه وجود دارد. (مشركان با معبودهايشان همواره درگيرند). يختصمون

2- در قيامت، عشق هاى نامقدّس وغيرالهى، به كينه تبديل مى شود. يختصمون در سوره زخرف آيه 67 مى خوانيم: اَلاَخلاّء يومئذٍ بعضهم لبعضٍعدوّ الاّ المتّقين

3- در قيامت، وجدان ها بيدار مى شوند. اِن كنّا لفى ضَلال

4- هركس وهر چيز را در كنار خدا قرار دهيم، شرك ورزيده ايم. اذ نُسَوّيكم (به نام خدا و به نام خلق، مصداق نُسوّيكم بربّ العالمين است.

5- در قيامت، هر كسى تقصير را به گردن ديگرى مى اندازد. وما اضلّنا الاّ المجرمون

6- در قيامت مشركان از رهبران خود شكايت دارند. وما اضلّنا الاّ المجرمون

# 100 - فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ

# 101 - وَلاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ

ترجمه:

در نتيجه (امروز) براى ما نه شفيعانى وجود دارد و نه حتّى يك دوست صميمى.

# 102 - فَلَوْ اءَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس اگر براى ما بازگشتى (به دنيا) بود، از مؤمنان مى شديم.

# 103 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

# 104 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

حقّا كه در اين (سرگذشت) درس عبرت و نشانه اى است، ولى بيشترشان ايمان آورنده نبودند. البتّه، پروردگار تو همان تواناى مهربان است.

## نكته ها:

در تفسير مجمع البيان، رواياتى نقل شده كه امامان معصوم عليهم‌السلام سوگند ياد كرده اند كه شيعيان را شفاعت كنند.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: مؤمن در آن روز براى اهل بيت خود شفاعت مى كند. (34)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به خدا قسم، روز قيامت ما شيعيان خود را چنان شفاعت كنيم كه صداى منحرفان بلند شود: فما لنا من شافعين و لاصَديق حَميم (35)

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: در قيامت قرآن، فاميلِمؤمن، پيامبر واهل بيت عليهم‌السلام شفاعت مى كنند. (36)

## پيام ها:

1- در قيامت شفاعت قطعى است، امّا گروهى از جمله مشركين از آن بهره مند نمى شوند. اذ نُسوّيكم بربّ العالمين... فما لنا من شافعين

2- دوستى با گنهكاران در دنيا، در قيامت حاصلى ندارد. و لا صديق حميم

3- انسان حتّى در قيامت به دوست خوب نيازمند است. و لاصديق حميم

4- شرط دريافت شفاعت، ايمان است. فما لنا من شافعين فلو اَنّ لنا كَرّة فنكون من المؤمنين

5- روز قيامت، روز حسرت است. فلو اَنّ لنا كَرّة

6- اگر مردم نخواهند و لجاجت كنند، نشانه ى بزرگ الهى نيز براى هدايت آنان كارساز نيست. لاية و ما كان اكثرهم مؤمنين

7- مهربانى در عين قدرت، يك صفت الهى است. العزيز الرّحيم

8- اى پيامبر! نگران انحراف اكثريّت مباش، زيرا تو تحت حمايت مخصوص ما هستى. و ما كان اكثرهم مؤمنين و اِنّ ربّك لهو العزيز الرّحيم

9- مهلتى كه خداوند به منحرفان مى دهد به خاطر عجز و ناتوانى نيست، بلكه به خاطر رحمت و لطف است تا شايد برگردند. العزيز الرّحيم

# 105- كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه:

قوم نوح، انبيا را تكذيب كردند.

# 106 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ نُوحٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ

# 107 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ

ترجمه:

زمانى كه برادرشان نوح به آنان گفت: آيا (از خدا) پروا نمى كنيد؟ همانا من براى شما پيامبرى امين هستم.

# 108- فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

# 109 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

پس، از خداوند پرواكنيد واطاعتم نماييد. و من براى اين رسالت هيچ مزدى از شما درخواست نمى كنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانيان نيست.

# 110 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

# 111 - قَالُواْ اءَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الاَْرْذَلُونَ

ترجمه:

پس نسبت به خداوند تقوا پيشه كنيد و (دستوراتم را) فرمان ببريد. آنان (به جاى ايمان آوردن) گفتند: آيا ما به تو ايمان بياوريم در حالى كه فرومايگان از تو پيروى كرده اند؟

## نكته ها:

نام حضرت نوح 43 بار در قرآن آمده است و خداوند حضرت ابراهيم را شيعه ى او دانسته و اِنّ مِن شِيعَته لابراهيم(37) و سوره اى به نام نوح در قرآن آمده است. سلام خداوند به نوح، سلام خصوصى است: سلامٌ على نوح فى العالَمين(38) در حالى كه خداوند بر حضرت موسى و هارون و ابراهيم عليهم‌السلام نيز سلام نموده است، ولى جمله ى فى العالَمين را ندارد.

آشنايى با تاريخ انبيا، انسان را شيفته ى آنان مى كند و روح صبر واستقامت را در آدمى زنده مى سازد.

## پيام ها:

1- همه ى انبيا داراى هدفى واحد هستند، لذا تكذيب يك پيامبر به منزله تكذيب همه ى پيامبران است. كَذّبت قومُ نوحٍ المرسلين (قوم نوح تنها حضرت نوح را تكذيب كردند، ولى قرآن مى فرمايد: المرسلين يعنى تمام انبيا)

2- قبيله ها و امّت ها را با نام رهبران و شخصيّت هاى آنان مى شناسند. قوم نوح

3- قبل از نوح، پيامبران متعدّدى بوده اند. المرسلين

4- در تبليغ دين، از عواطف استفاده كنيد. اَخوهم

5- اخلاق و رفتار انبيا با مردم زمان خود، برادرانه بوده است. اَخوهم

6- اطّلاع از فرهنگ، زبان، آداب، رسوم و نقاط ضعف و قوّت مردم، براى مبلّغ ضرورى است. اَخوهم كسى كه برادر مردم است، از افكار، آداب ونقاط ضعف وقوّت آنان آگاه است.

7- يكى از وظايف برادرى دينى، ارشاد برادران ديگر است. اَخوهم... اَلا تَتّقون

8- با سؤال، وجدان ها را بيدار كنيد. اَلا تَتّقون

9- پذيرفتن دعوت انبيا و اطاعت از آنان، روحيّه ى تقوا لازم دارد. اَلا تَتّقون

10- نبوّت، به نفع بشريّت وبراى نجات انسان هاست. اِنّى لكم رسولٌ اءمين

11- امين بودن وحسن سابقه ودلسوزى، شرط نفوذ كلام است. لكم رسول اءمين

12- شرط اصلى در فرستاده و حامل پيام، امين بودن است. رسول اءمين

13- بيان كمالات خود، در مواردى لازم است. انّى لكم رسول اءمين

14- ديندارى، از اطاعت از رهبرى الهى جدا نيست. فاتّقوا اللّه و اَطيعون آرى تبلور تقوا در پيروى از انبياست.

15- دعوت به خود، براى احياى فرمان خدا مانعى ندارد. اَطيعون در كنار فاتّقوا اللّه آمده است.

16- مبلّغ دينى نبايد از مردم توقّع مادّى داشته باشد و از آنان چيزى درخواست كند. (اخلاص، شرط نفوذ كلام است). ما اءسئلكم عليه من اءجر

17- كسى كه بر خدا توكّل كند، مى تواند از مردم بى نياز باشد. ما اءسئلكم... اِن اءجرى الاّ على ربّ العالمين

18- خداوند پاداش مبلّغان دينى را برخود لازم كرده است. اِن اءجرى الاّعلى ربّ...

19- رهبر دينى نبايد در موضع تهمت دنياپرستى باشد. و ما اءسئلكم عليه من اءجر

20- راه هاى بهانه را ببنديد و كارهاى معنوى را به نيّت اجر و مزد مادّى انجام ندهيد. ما اءسئلكم عليه من اءجر در سوره ى قلم آيه 46 نيز مى خوانيم: اءم تَسئلهم اءجراً فهم من مَغرَم مُثقَلون

21- ايمان به خدا و تقواى الهى، زمينه ى ايمان به رسول و اطاعت از اوست. فاتّقوا اللّه و اَطيعون

22- در مسير تربيت و تكامل، تكرار لازم است. (در اين چند آيه، چند بار فرمان تقوا صادر شده است) فاتّقوا اللّه...

23- اشرافى گرى مى تواند مانع ايمان آوردن باشد. زيرا مؤمنين در نظر مستكبران، اراذل و فرومايگان هستند. و اتّبعك الاَرذَلون

24- بيشتر ياران انبيا، فقرا و گمنامان بودند. و اتّبعك الارذَلون

25- حرف حقّ و مكتب حقّ را نبايد به خاطر طرفداران گمنام آن تحقير كرد. و اتّبعك الارذَلون

26- تعاليم انبيا، تبعيض هاى غلط اجتماعى را از بين مى برد. و اتّبعك الارذَلون

# 112 - قَالَ وَمَا عِلْمِى بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ

ترجمه:

(نوح) گفت: من به عملكرد گذشته (كسانى كه شما اراذل مى خوانيد) آگاهى ندارم. (يا مرا با اعمال گذشته ى آنان كارى نيست).

# 113 - إِنْ حِسَابُهُمْ إِلا عَلَى رَبِّى لَوْتَشْعُرُونَ

ترجمه:

حساب آنان جز بر پروردگارم نيست، اگر شما درك كنيد.

## نكته ها:

در اسلام، ما ماءمور به ظاهريم و اگر كسى به اسلام گرويد حقّ نداريم بگوييم تو در قلبت ايمان ندارى. و لاتَقولوا لمَن اءلقى اليكم السّلام لَستَ مؤمنا (39)

قرآن، در آيه اى ديگر به پيامبر دستور مى دهد: كسانى را كه شب و روز براى قرب به خدا او را مى خوانند از خود دور مكن. حساب آنان با خداست. نه تو مسئول حساب آنان هستى و نه آنان مسئول حساب تو، و اگر آنان را طرد كنى از ستمگرانى. (40)

## پيام ها:

1- پيامبران، بدون خواست الهى از اعمال گذشته ى افراد آگاه نيستند. وماعلمى

2- گفتنِ نمى دانم، عيب نيست. وماعلمى

3- بنده شناس خداوند است و حسابگر اوست، ما را چه كار كه ردّ يا قبول كنيم. و ما عِلمى...

4- تجسّس وعيبجويى از زندگى خصوصى افراد، ممنوع است. وما عِلمى...

5- براى قضاوت درباره ى ديگران، ايمان صادقانه و عمل صالحِ امروزِ آنان را بنگريد و گذشته ى افراد را به رُخ آنان نكشيد. بما كانوا يعملون

6- سوابق بد، مانع تغيير و تحوّل و توبه ى مردم نيست. كانوا يعملون

7- وظيفه ى انبيا، اصلاح مردم ودعوت به توحيد است. آنان متولّى حساب و كتاب افراد نيستند. اِن حسابهم الاّ على اللّه

# 114 - وَمَآ اءَنَاْ بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

# 115- إِنْ اءَنَاْ إِلا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

ترجمه:

(امروز كه آنان ايمان آورده اند،) من طرد كننده ى مؤمنان نيستم. من جز هشدار دهنده اى روشنگر نيستم.

# 116 - قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

# 117 - قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِى كَذَّبُونِ

ترجمه:

مردم به نوح گفتند: اى نوح! اگر (از دعوت خود) دست برندارى قطعاً از سنگسار شدگان خواهى شد. نوح گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تكذيب كردند.

# 118- فَافْتَحْ بَيْنِى وَبَيْنَهُمْ فَتْحاً وَنَجِّنِى وَمَن مَّعِىَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس ميان من و آنان (داورى كن و) راه روشنى بگشا و مرا و هر كس از مؤمنان را كه با من است (از شرّ اين كفّار) نجات بده.

## نكته ها:

مستكبران حتّى از انبيا نيز توقّع طرد فقراى گمنامِ با ايمان را داشتند و همه انبيا دست رد به اين پيشنهاد مى زدند. خداوند در آيه 28- سوره كهف به پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله دستور مى دهد: وَ اصبر نفسك مع الّذين يَدعون ربّهم بالغَداة والعَشىّ يُريدون وَجهَه ولاتَعدُ عيناك عنهم تُريد زينَة الحَياة الدّنيا و لاتُطِع مَن اءغفَلنا قَلبه عن ذكرنا واتّبَعَ هَواه و كان اءمرُه فُرُطا خود را با مؤمنانى كه هر صبح وشام خالصانه خدا را مى خوانند قراربده و به خاطر رسيدن به زينت هاى دنيا از آنان چشم پوشى نكن و از غافلان و هواپرستان و متجاوزان پيروى نكن.

جمله ى مِنَ المرجومين به جاى لَنَرجُمنّك، نشان مى دهد كه قبل از حضرت نوح نيز افرادى را سنگسار نموده بودند.

## پيام ها:

1- با پيشنهادات و توقّعات نابجاى متكبّران، قاطعانه برخورد كنيد. (طرد فقراى باايمان جايز نيست، حتّى اگر به قيمت ايمان آوردن گروهى ديگر باشد) وما اَنَا بطارد...

2- ملاك ارزش، ايمان است، نه جايگاه اجتماعى و اقتصادى. وما اَنا بطارد...

3- جاذبه بايد در حدّ اعلى باشد، ولى دافعه تنها در موقع ضرورت لازم است. و ما اَنَا بطارد...

4- بيم وهشدار و انذار انبيا، بيش از بشارت آنان است. در قرآن جمله ى اِن اَنا الاّ نذير آمده، ولى جمله ى ان انا الا بشير نيامده است.

5- ترساندن غافل از خطرها، بهترين شيوه ى ارشادى است. اِن اَنا الاّ نذير

6- يكى از مهم ترين حربه هاى مخالفان انبيا تهديد است. من المرجومين

7- سنگسار كردن، يكى از قديمى ترين انواع شكنجه هاست. من المرجومين

8- در برابر تهديدهاى دشمن به خدا متوسّل شويم. قال ربّ

9- ناله ى حضرت نوح به خاطر تكذيب مكتب بود، نه تهديد و سنگسار. رِبّ انّ قومى كذّبون و نفرمود: يرجمون

10- خشونت نااهلان، از عواطف پدرى و برادرى شما نكاهد. اِنّ قومى

11- گره گشا خداست. فافتح

12- اوّل براى حلّ مشكلات مردم و جامعه دعا كنيد، بعد براى نجات خود. فافتَح نَجّنى

13- با وجود تهديد وخفقان، گروهى از مردم به انبيا ايمان مى آوردند. ومَن معى من المؤمنين

14- آنچه مهم است، همراهىِ عملى ومكتبى است، نه فيزيكى وظاهرى. ومَن مَعىَ من المؤمنين

15- مؤمنين مشمول دعاى انبيا هستند. نجّنى و مَن معِىَ من المؤمنين

16- ايمان به تنهايى كافى نيست، پيروى و همراهى لازم است. و مَن مَعىَ چنانكه در موارد ديگر نيز قرآن مى فرمايد: والّذين آمنوا معه (41)

# 119 - فَاءَنجَيْنَهُ وَمَن مَّعَهُ فِى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

# 120 - ثُمَّ اءَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ

ترجمه:

پس ما نوح و هر كس از مؤمنان را كه در آن كشتىِ گران بار، با او بود نجات داديم. سپس باقيماندگان را غرق كرديم.

# 121 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

ترجمه:

البتّه در اين (ماجرا) نشانه ى بزرگى است، ولى اكثر مردم ايمان آورنده نيستند.

# 122 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

و قطعاً پروردگارت همان صاحب عزّت و مهربان است.

## نكته ها:

مراد از گران بار بودن كشتى الفُلك المَشحون، اين است كه آنچه مورد نياز بود، حضرت نوح در كشتى قرار داده بود. امام باقر عليه‌السلام فرمود: الفلك المشحون كشتى مجهّزِ آماده حركت است. وحضرت على عليه‌السلام فرمود: در آن كشتى، نود جايگاه براى چهارپايان ساخته بود. (42)

## پيام ها:

1- دعاى انبيا و مظلومين مستجاب است. فانجَيناه

2- مؤمنين در پرتو انبيا بيمه هستند. فانجَيناه و مَن معه

3- جدايى از انبيا سبب هلاكت است. ثمّ اَغرقنا بعدُ الباقين

4- داستان نجات نوح و يارانش و غرق كفّارو مخالفان، نمودى از سنّت خداوند در يارى حقّ و سركوبى باطل است. اِنّ فى ذلك لاية

5- اگر به كفّار مهلتى مى دهد، به خاطر رحمت است نه ناتوانى. العزيز الرّحيم

# 123 - كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ

# 124 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ هُودٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ

ترجمه:

قوم عاد (نيز همچون قوم نوح) انبيا را تكذيب كردند. آن گاه كه برادرشان هود به آنان گفت: آيا (از شرك و انحراف) پروا نمى كنيد؟

# 125- إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ

# 126 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

ترجمه:

همانا من براى شما پيامبرى امين هستم. پس از خدا پرواكنيد ومرا پيروى نماييد.

# 127 - وَمآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

و من براى رسالتم هيچ مزدى از شما نمى خواهم، (زيرا كه) مزد من فقط بر عهده ى پروردگار جهانيان است.

## نكته ها:

عاد، نام جدّ بزرگ قوم حضرت هود است و آن قوم به نام جدّشان مشهور شده اند. قوم عاد طايفه اى از عرب بودند كه در سرزمين خوش آب و هواى يمن در منطقه اى به نام احقاف در نزديكى دريا زندگى مى كردند. كشورشان آباد بود، مردم شهر نشين بودند و پيامبرشان حضرت هود بود. نامشان در قرآن كريم 24 بار تكرار شده است. همچنين در قرآن، سوره اى به نام احقاف وسوره اى به نام هود داريم.

## پيام ها:

1- چون هدف و محتواى دعوت تمام انبيا يكى است، تكذيب يك پيامبر، به منزله ى تكذيب همه ى پيامبران است. كذّبت عادٌالمرسلين

2- دعوت پيامبران، برادرانه بود. اَخوهم (حتّى كلمه ى اَبوهم نياورده تا عمق صفا و تواضع و صداقت را بيان كند).

3- تقوا، سرلوحه ى دعوت انبيا است. اَلا تَتّقون

4- دعوت به تقوا، لازمه ى اُخوّت وبرادرى است. اَخوهم هود اَلا تَتّقون

5- رسالت انبيا براى رشد مردم است، نه سلطه بر آنها. لكم

6- پيامبران، از خود حرفى نداشتند، هر چه مى گفتند پيام الهى بود. رسول اءمين

7- لحن همه ى انبيا و شيوه ى تبليغ و محتواى مطالب و خط فكرى آنان مشترك است. (تكرار آيات شاهد اين سخن است).

8- تقواى الهى، زمينه ساز اطاعت از رهبرى است. فاتّقوا اللّه و اَطيعون پيروى از رهبران الهى، تبلور تقواى الهى است.

9- اخلاص و بى توقّعى، رمز موفقيّت است. و ما اءسئلكم

10- اخلاص و توكّل، لازمه ى تبليغ است. اِن اءجرى...

11- كسى كه هستى را اداره مى كند، زندگى مرا نيز اداره خواهد كرد. اِن اءجرى الا على ربّ العالمين

12- نظام هستى از عوامل مختلفى تشكيل شده كه همه ى آنها تحت يك تدبير و در حال رشد هستند. ربّ العالمين

# 128- اءَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ

# 129 - وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

ترجمه:

(هود به مردم گفت:) آيا بر هر تپه اى بنا وقصرى بلند از روى هوا و هوس مى سازيد؟ و كاخ ‌هاى استوار مى گيريد، به اميد آنكه جاودانه بمانيد؟

# 130 - وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ

# 131 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

ترجمه:

و هر گاه كسى را كيفر مى دهيد، همچون زورگويان كيفر مى دهيد؟ پس، از خداوند پروا كنيد و مرا فرمان بريد.

## نكته ها:

ريع به معناى دامنه ى كوه و تپه است. مَصانع دژ و قصر محكم و بلند را گويند. و كلمه ى بَطش به معناى گرفتن با قهر و غلبه و قدرت است.

در اين آيات، قرآن از اصل ساختمان سازى در دامنه ى كوه و ساختن دژ و داشتن قدرت انتقاد نمى كند. آنچه مورد انتقاد است، هدف هاى نامقدّس، تَعبَثون و خيال هاى واهى، لعلّكم تخلدون و تجاوز از اعتدال است. جبّارين

در روايات مى خوانيم: يكى از ياران رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بر بام خانه اش قبّه اى ساخته بود. حضرت از ديدن آن ناراحت شد. صاحب خانه چون چنين ديد، قبّه را خراب كرد. رسول خدا بار ديگر كه قبّه را نديد، پرسيد: قبّه چه شد؟ گفتند: همين كه صاحبش ديد شما ناراضى هستيد آن را خراب كرد. پيامبر فرمود: اِنّ كلّ بناء وبال على صاحبه الاّ ما لابدّ منه هر ساختمانى كه مورد نياز نباشد، در قيامت وبال صاحبش خواهد بود. (43)

## پيام ها:

1- سابقه ى بناهاى بلند به زمان هود مى رسد. اءتبنون بكلّ ريع آية

2- حرص، انسان را رها نمى كند. بكلّ ريع

3- آنچه در چشم دنياپرستان جلوه دارد، در نظر اولياى خدا خوار است و مردم را به خاطر آن سرزنش مى كنند. اءتبنون... تعبثون

4- تمدن و رفاه كاذب، عامل غرور و مانع حقّ پذيرى است. اءتبنون

5- شروع كار انبيا با انتقاد از وضع نابسامان موجود و بيدار كردن وجدان ها از طريق سؤال است. اءتبنون بكلّ ريع...

6- كارهاى ستمگران، يا براى مطرح كردن خود است آية يا براى بقاى خود تخلدون يا استثمار و استعمار مردم است. جبّارين

7- در هر كارى بايد هدفى والا داشت. اءتبنون... تعبثون

8- ثروت، سرمايه وساختمان هاى بلند در دست نااهلان، براى ارضاى هوا و هوس است. تعبثون

9- انتقاد قرآن از روحيّه ى كاخ ‌نشينى و عيّاشى است، نه اصل ساختمان. تعبثون (توليد، ابتكار، هنر و بكارگيرى امكانات و نيروى انسانى و... بايد در مسير نياز واقعى باشد، نه بيهوده)

10- قصرها وكاخ ‌ها، زندگى را جاودانه نمى كنند. تتّخذون مصانع لعلّكم تخلدون

11- آفات ساختمان، چهار چيز است:

الف: حرص و اسراف. بكلّ ريع

ب: تفاخر و خودنمايى. آية

ج: بُلهوسى. تَعبَثون

د: دنيا گرايى و غفلت. لعلّكم تخلدون

12- قوانين كيفرى بايد عادلانه باشد. (قرآن از كيفرهاى ظالمانه انتقاد مى كند) بَطَشتم جبّارين

13- ديندارى، محور و رهبر و الگو لازم دارد. فاتّقوا اللّه و اَطعيون

14- ديندارى، هم پرواى قلبى است و هم اطاعت عملى. فاتّقوا اللّه و اَطعيون

15- بى تقوايى عامل همه ى مفاسد است. حضرت هود پس از انتقاد از فكر و عمل كافران فرمود: فاتّقوا اللّه...

# 132 - وَاتَّقُواْ الَّذِى اءَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ

# 133 - اءَمَدَّكُم بِاءَنْعَمٍ وَبَنِينَ

ترجمه:

و از خداوندى كه مى دانيد چقدر كمكتان كرده پروا كنيد. او شما را با (بخشيدن) چهار پايان و فرزندان مدد كرده است.

# 134 - وَجَنَّتٍ وَعُيُونٍ

# 135- إِنِّى اءَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه:

و باغ ها و چشمه سارها (به شما داده است. اگر كفران كنيد) من بر شما از عذاب روز بزرگ مى ترسم.

# 136 - قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اءَوَعَظْتَ اءَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَعِظِينَ

ترجمه:

(قوم عاد به حضرت هود) گفتند: پند دهى يا از پند دهندگان نباشى، براى ما برابر است (و ما تو را نمى پذيريم).

## نكته ها:

حضرت هود مردم را هم به خدا متوجّه كرد: فاتّقوا اللّه هم به نبوّت: واَطيعون و هم به معاد: اِنّى اءخاف عليكم عذاب يوم عظيم

مراد از روز بزرگ در اين جا، همان قيامت است، گرچه در داستان حضرت شعيب به دنيا نيز روز عظيم گفته شده است. فاَخذَهم عذاب يوم الظّلة اِنّه كان عذاب يوم عظيم عذاب روز ابرِ آتشبار آنان را گرفت كه آن عذاب روز بزرگى بود. (44)

پيام ها:

1- تقوا بهترين راه تشكّر از خداوند است. واتّقوا الّذى اَمدّكم

2- هر كس خود مى داند چقدر مورد لطف خداوند قرار گرفته است. اَمدّكم بماتعلمون

3- كاخ ‌ها و ساختمان هاى قوم عاد، با دامدارى وباغ ها و چشمه ها همراه بود. بكلّ ريع آية... انعام... جنّات و عيون

4- اگر آمادگى و قابليّت نباشد، موعظه ى انبيا نيز اثرى ندارد. سواء علينا

# 137 - إِنْ هَذَآ إِلا خُلُقُ الاَْوَّلِينَ

# 138- وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

ترجمه:

اين (دعوت تو يا بت پرستى ما) جز شيوه پيشينيان نيست. وما عذاب نخواهيم شد.

# 139 - فَكَذَّبُوهُ فَاءَهْلَكْنَهُمْ إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَ مَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس هود را تكذيب كردند آنگاه ما آنان را هلاك كرديم. البتّه در اين (داستان) بى شك نشانه ى بزرگى است، و(لى) اكثر مردم ايمان آورنده نيستند.

# 140 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

و همانا پروردگار تو، همان خداوند عزيز و مهربان است.

## نكته ها:

در اين كه كلمه ى هذا به چه چيز اشاره دارد، احتمالاتى است:

الف: اين ادّعاى پيامبرى تو، چيزى جز تقليد از مدّعيان قبلى نبوّت نيست.

ب: اين خانه هاى بلند بر روى تپه ها و ساير كارهاى ما، شيوه ى نياكان ماست.

ج: اين تكذيب و بت پرستى ما، همان تكذيب و بت پرستى نياكان ماست.

قرآن، بارها از اكثريّت مردم انتقاد كرده است. در اين سوره نيز چند بار آيه و ما كان اكثرهم مؤمنين در پايان نقل تاريخ انبيا بيان شده است.

## پيام ها:

1- سابقه و رفتار نياكان، دليل حقّانيّت نيست. اِن هذا الاّ خُلُق الاوّلين (در صورتى كه مراد از هذا، رفتار مشركان باشد)

2- تقليد نابجا و تعصّب، مانع پندپذيرى است. سواء علينا اء وَعَظتَ... اِن هذا...

3- انحراف نياكان، زمينه ى انحراف نسل هاى بعدى است. اِن هذا الاّ خُلُق الاوّلين

4- گاهى بت پرستى و هر رفتار ديگر، جزو جوهره ى انسان مى شود. (كلمه ى خُلق به معناى روحيّه ى ثابت است)

5- بت پرستان، انحراف خود را با شيوه ى نياكان توجيه و از خود سلب مسئوليّت مى كردند. و ما نحن بمُعذّبين

6- سرنوشت انسان به دست خود اوست. فكذّبوه فاهلكناهم

7- از تكذيب و هلاكت ديگران عبرت بگيريد. لاية

8- اكثريّت، شما را فريب ندهد. حقّ را در زيادى جمعيّت جستجو نكنيد، ملاك شناخت حقّ و باطل، كميّت نيست. و ما كان اكثرهم مؤمنين

# 141 - كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

# 142 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ صَلِحٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ

ترجمه:

قوم ثمود (نيز) پيامبران را تكذيب كردند. آنگاه كه برادرشان صالح به آنان گفت: آيا (از شرك و انحراف) پروا نمى كنيد؟

# 143 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ

# 144 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

ترجمه:

من براى شما پيامبرى امين هستم. پس از خداوند پروا كنيد واز من اطاعت نماييد.

# 145- وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

و من بر اين رسالتم هيچ پاداشى از شما نمى خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانيان نيست.

## نكته ها:

در اين سوره، داستان چند تن از پيامبران نقل شده، ولى آغاز ماجراى آنان با كلمه ى كذّبت شروع مى شود (45) و اين، به خاطر آن است كه در اين داستان ها نقطه ى مهم، مساءله ى تكذيب پيامبران از سوى اقوام گذشته و هلاكت آنهاست. آرى در نوشتن و گفتن بايد مطالب مهم، سرفصل قرار بگيرد.

در بيان تاريخ، بايد به نكات مهم توجّه شود، نه به مسايلى كه دانستن يا ندانستن آنها سود و ضررى ندارد. در اين داستان ها، درباره ى تعداد مردم و نام مكان و تاريخ حادثه و جزئيات ديگر، مطلبى بيان نشده است، زيرا آنچه مايه ى عبرت است، نشان دادن جلوه هاى حقّ و باطل و بيان پيروزى حقّ بر باطل است.

## پيام ها:

1- روش دعوت تمام انبيا يكى است. در داستان نوح، هود، صالح، لوط و شعيب، همه ى آنان يك كلام و يك شعار داشتند:

همه مى گفتند: اَلا تتّقون

همه مى گفتند: فاتّقوا اللّه واَطيعون

همه مى گفتند: اِنّى لكم رسول اءمين

همه مى گفتند: ما اءسئلكم عليه من اءجر

و خلاصه ى پيام همه ى آنان چند چيز بود: برادرى، تقوا، پيروى از رهبر، بى توقّعى، توكّل بر خدا و اطمينان دادن به مردم كه ما به نفع شما و امين شما هستيم. (پيام هاى اين چند آيه نيز مانند پيام هاى آيات قبل است كه درباره ى پيامبران ديگر در همين سوره عنوان شد.)

# 146 - اءَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَهُنَآ ءَامِنِينَ

ترجمه:

آيا (فكر مى كنيد) شما در آنچه در اين دنيا داريد، در اءمن وامان رها خواهيد شد؟

# 147 - فِى جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

# 148- وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ

ترجمه:

در باغ ها و چشمه ها. و كشتزارها و نخل هايى كه شكوفه اش لطيف و بر هم نشسته است. (و هيچ مسئوليّت و بازگشتى نخواهيد داشت؟)

# 149 - وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَرِهِينَ

ترجمه:

و شما (ماهرانه) از كوه ها خانه هايى براى خوشگذرانى مى تراشيد.

# 150 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

# 151 - وَلاَ تُطِيعُواْ اءَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

ترجمه:

پس، از خدا پروا كنيد و مرا پيروى نماييد. واز اسرافكاران فرمان نبريد.

# 152 - اءَلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى الاَْرْضِ وَلاَ يُصْلِحُونَ

ترجمه:

آنان كه در زمين فساد مى كنند و اهل اصلاح نيستند.

## نكته ها:

اگر مردم دنيا تنها به همين جمله ى لا تُطيعوا امر المسرفين عمل كنند، تمام حكومت هاى طاغوتى اسرافكار، سقوط مى كنند.

قوم ثمود، هم كشاورزى خوبى داشتند، فى جنّات و عُيون و زُروع هم تمدّن و خانه سازى من الجبال بيوتا و هم رفاه و امنيّت. فارِهين... آمِنين

كلمه ى طَلع به شكوفه ى خرما گفته مى شود كه قبل از ميوه طلوع مى كند و گاهى به نوبَر و اوّلين خرما نيز گفته مى شود.

هَضيم به معناى شكوفه ى لطيف و بر هم نشسته است. يعنى شكوفه هاى خرما از انبوهى و پر حاصلى و طراوت بر هم سوار شده است.

با اينكه كلمه ى جنّات شامل درخت خرما نيز مى شود، ولى نام درخت خرما جداگانه برده شده است، كه شايد اشاره به اهميّت خرما در ميان قوم ثمود بوده است.

كلمه ى فارهين مى تواند از كلمه ى فره به معناى شادى باشد كه بيوتا فارهين يعنى در خانه ها سرمست بودند و مى تواند از ريشه ى فراهت به معناى مهارت باشد كه بيوتا فارهين يعنى با مهارت خانه هايى را از كوهها مى تراشيدند.

## پيام ها:

1- به زندگى مرفّه دنيا مغرور نشويد. اءتُتركون... آمِنين رفاه امروز نشانه ى رضاى خداوند از شما نيست. (نعمت هاى مادّى پايدار نيست).

2- توجّه به ناپايدارى دنيا، وسيله ى تقواست. اءتُتركون... فاتّقوا اللّه

3- لازمه ى تقوا، پيروى از انبيا و دورى از اطاعت مسرفان است. فاتّقوا اللّه و اَطيعون و لا تُطيعوا اءمر المسرفين

4- امنيّت، اقتصاد و رفاه، اگر با پيروى از رهبر معصوم همراه نباشد زمينه ى فساد خواهد شد. آمِنين، جنّات، عيون، زُروع، بُيوتا، فاتّقوا اللّه و اَطيعون

5- انسان در برابر نعمت ها رها نيست، بلكه مسئوليّت دارد. جنّات، عيون، زُروع، بُيوتا، لاتُطيعوا اءمر المسرفين

6- اسرافكار، صلاحيّت رهبرى جامعه را ندارد. لاتُطيعوا اءمر المسرفين

7- انبيا در مصرف گرايى مردم حسّاس بودند. لاتُطيعوا اءمر المسرفين

8- در برابر سرمايه داران اسرافگر، كرنش نكنيد. لاتُطيعوا اءمر المسرفين

9- تولّى و تبرّى بايد با هم باشد. اطيعون لا تطيعوا

10- اسراف، فساد است و اسرافكار، مفسد. المسرفين الّذين يُفسِدون

11- از مرفّهان بى درد، اميد اصلاح نداشته باشيد كه اصلاح تنها در سايه ى مكتب انبياست. و لا يُصلِحون

12- اسرافكاران، كار خودرا توجيه مى كنند وخود را صالح مى دانند. لايُصلِحون

# 153 - قَالُواْ إِنَّمَآ اءَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

ترجمه:

(قوم ثمود به جاى ايمان آوردن به صالح) گفتند: همانا تو از سحر شدگانى.

# 154 - مَآ اءَنتَ إِلا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَاءْتِ بَِايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ

ترجمه:

تو جز بشرى مثل ما نيستى. پس اگر از راستگويانى، نشانه (و معجزه)اى بياور.

## پيام ها:

1- به انبيا دو تهمت مى زدند: سحركننده، ساحر و سحرشده. المسحّرين

2- بدتر از عصيان، توجيه كردن آن است. در برابر فرمان اَطيعون عصيان خود را توجيه كرده ومى گفتند: تو سحر شده اى وقابل پيروى نيستى. المسحّرين

3- نبوّت ومعجزه، متلازمند. فاءتِ بآية (معجزه، نشانه ى صداقت انبياست)

# 155- قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

ترجمه:

صالح (در پاسخ معجزه خواهى مردم) گفت: اين ماده شترى است (كه با اراده ى خداوند، از درون كوه خارج شد). براى اوست سهمى از آب (يك روز) و براى شما روز ديگرى معيّن شده است.

# 156 - وَلاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَاءْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه:

و به آن آسيبى نرسانيد كه عذاب روز سهمگين، شما را فرا مى گيرد.

# 157 - فَعَقَرُوهَا فَاءَصْبَحُواْ نَدِمِينَ

ترجمه:

پس ناقه را كشتند، سپس از كرده ى خود پشيمان شدند.

## نكته ها:

دست قدرت خداوند در ارائه ى معجزه باز است، از شكافتن ماه اِنشقّ القَمر، تا شكافتن آب فانفلق تا شكافتن كوه و بيرون آوردن شتر براى او يكسان است.

با اين كه ناقه ى صالح را يك نفر از پاى درآورد، امّا قرآن مى فرمايد: عقروها يعنى گروهى آن را پى كردند، زيرا آن گروه به كار آن يك نفر راضى بودند. چنانكه حضرت على عليه‌السلام مى فرمايد: انّما عقر ناقة ثمود رجل واحد فعمّهم اللّه بالعذاب لمّا عمّوه بالرضا (46)

## پيام ها:

1- معجزه بايد به قدرى روشن باشد كه همه ى مردم در هر سطحى كه هستند، اعجاز آن را درك كنند. هذه ناقة

2- توهين به مقدّسات، كيفر بزرگ دارد. لاتَمَسّوها بسوء فياءخذكم خداوند در سوره اعراف اين شتر را به خود نسبت داده است ؛ ناقة اللّه (47)

3- تقسيم عادلانه ى منابع آب بايد طبق فرمان خدا صورت گيرد. لها شربٌ ولكم

4- شترى كه رنگ الهى داشته باشد، بر انسان هاى عادّى مقدّم است. لها شِرب و لكم...

5- انسان طاغى، حتّى به حيوان بى آزار شيرده رحم نمى كند. فعَقَروها

6- هشدارهاى انبيا را جدّى بگيريم. لاتمسّوها بسوء فعَقَروها فاصبحوا نادمين

7- هر كس كه به كار ديگرى راضى باشد، در اجر يا گناه كار او شريك است. فعقروها با اينكه يك نفر ناقه را كشت.

8- هر ندامت وتوبه اى مقبول نيست. (توبه وندامت هنگام ديدن عذاب كارساز نيست). نادمين فاءخذهم العذاب

# 158- فَاءَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس آنان را عذاب فرا گرفت. همانا در اين (ماجرا) قطعاً نشانه و درس عبرتى است، و(لى) اكثر آنان ايمان آورنده نيستند.

# 159 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

و البتّه پروردگار تو بى شك همان تواناى مهربان است.

## پيام ها:

1- توهين به مقدّسات الهى به حدّى مهم است كه گروهى به خاطر كشتن يك حيوان، نابود مى شوند. فعَقَروها... فاءخذهم العذاب

2- هم الطاف او نشانه هاى عبرت هستند و هم قهر وعذابش. لايةً

3- انسان مى تواند حتّى با ديدن بزرگ ترين نشانه هاى الهى، در برابر حقّ عناد ورزد و ايمان نياورد. لاية و ما كان اكثرهم مؤمنين

4- فرستادن انبيا ومعجزه وقهر بر كفّار لجوج، از شئون ربوبيّت اوست. ربّك

5- ايمان و كفر مردم، در خداوند اثرى ندارد. اِنّ ربّك لهو العزيز

6- قهر خداوند به خاطر عمل خودماست وگرنه او مهربان است. لهوالعزيزالرحيم

# 160 - كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه:

قوم لوط (نيز) انبيا را تكذيب كردند.

# 161 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ لُوطٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ

# 162 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ

ترجمه:

زمانى كه برادرشان لوط به آنان گفت: آيا (از شرك وانحراف دورى، و از خدا) پروا نمى كنيد؟ همانا من براى شما پيامبرى امين هستم.

# 163 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

# 164 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

پس، از خداوند پروا كنيد و مرا اطاعت نماييد. و من در برابر رسالتم از شما مزدى درخواست نمى كنم. (زيرا) مزد من تنها بر پروردگار جهانيان است.

## نكته ها:

حضرت لوط با حضرت ابراهيم همزمان بودند، ولى در اين سوره فاصله ى داستان ابراهيم و لوط حدود يكصد آيه است و اين، به خاطر آن است كه در نقل هاى قرآن عبرت ها مهم است، نه تنظيم و سير تاريخى.

## پيام ها:

1- موضوعات اصلى را سرفصل كلام خود قرار دهيد. كذّبت ثمود...

(در آغاز تاريخ تمام انبيا در اين سوره، كلمه ى كذّبت مطرح شده و اين به جهت آن است كه هدف از نقل تاريخ آن بزرگواران در اين سوره، بيان تكذيب مردم لجوج و كيفر الهى آنان است.)

2- تكذيب يك پيامبر به منزله ى تكذيب همه ى پيامبران است. كذّبت... المرسلين (با اينكه هر قومى پيامبر خود را تكذيب مى كرد، ولى چون انبيا داراى هدف وبرنامه واحدى هستند، تكذيب يكى از آنها به منزله تكذيب همه آنان است)

3- رابطه ى رهبر آسمانى با مردم، رابطه ى برادرى است. اخوهم

4- كسى كه پرواى درونى ندارد، از هر جهت آسيب پذير است و هيچ حقّى را نمى پذيرد. الا تتّقون

5- رهبران آسمانى بايد به سراغ مردم روند و خود و اهداف خود را به آنان عرضه كنند. الا تتّقون انّى لكم...

6- تقوا، بستر و زمينه ى حقّ پذيرى و اطاعت از انبيا است. فاتّقوا اللّه و اطيعون

7- ديندارى، بدون اطاعت از رهبرى كامل نيست. فاتّقوا اللّه و اطيعون

8- اگر به مال مردم چشم ندوزيم، سخنان ما بيشتر اثر مى كند. ما اسئلكم

9- كسى مى تواند از مردم بى نياز باشد كه توكّلش بر خداوند زياد باشد. الا على ربّ العالمين

# 165- اءَتَاءْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

آيا از ميان مردم جهان، شما به سراغ مردها مى رويد؟

# 166 - وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ اءَزْوَجِكُم بَلْ اءَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

ترجمه:

و همسرانتان را كه پروردگارتان براى شما آفريده رها مى كنيد؟ بلكه شما مردمى تجاوزكاريد.

# 167 - قَالُواْ لَئِنْ لَّمْ تَنتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

ترجمه:

مردم (به جاى پند پذيرى) گفتند: اى لوط! اگر (از حرف هايت) دست برندارى، قطعاً از تبعيد شدگان خواهى بود.

## نكته ها:

در اين آيات، قوم لوط به عنوان تجاوزگر معرّفى شده اند؛ بل انتم قوم عادون لكن در آيات ديگر، تعبيرات ديگرى نيز درباره ى آنها به كار رفته است، از جمله: بل انتم قوم مسرفون (48)، قوم سوء فاسقين (49) و بل انتم قوم تجهلون (50)

كسى كه مرتكب لواط شود، مجازاتش قتل است. اين عمل به قدرى زشت است كه حتّى اگر كسى با حيوانى آميزش جنسى انجام دهد، گوشت آن حيوان حرام مى شود و بايد آن را ذبح كرد و سپس لاشه ى آن را سوزاند.

همجنس گرايى، تنها در ميان انسان ها ديده مى شود. در عالم هستى، هيچ موجود ديگرى همجنس گرا نيست.

## پيام ها:

1- در نهى از منكر، بايد منكرات رايج در هر گروه و زمان را شناخت و در بازداشتن مردم از آن اصرار نمود. اءتاءتون الذُكران

2- در نهى از منكر، راه هاى معروف را ارائه دهيد. اءتاءتون و تذرون... ازواجكم

3- رها كردن همسر و ناديده گرفتن نيازهاى او ممنوع است. تَذَرون... ازواجكم

4- خداوند براى اشباع غرائز بشر، مسير فطرى وطبيعى قرارداده است. خلق لكم

5- اديان آسمانى، انسان را به ازدواج ترغيب مى كنند. خلق لكم ربّكم من ازواجكم

6- ازدواج، جلوه اى از ربوبيّت الهى و به نفع انسان است. خلق لكم ربّكم

7- انحرافات جنسى، تجاوز و طغيان است و همجنس گرايى و لواط، تجاوز به حريم ارزشهاست. عادون

8- براى از بين بردن منكر، تكرار نهى از منكر و استقامت لازم است. لئن لم تَنتَه

9- در نهى از منكر، خود را براى تهديدهاى ديگران آماده كنيد. لتكوننّ من المخرجين

10- تبعيد، شيوه ى ستمگران قوم لوط بوده است. من المخرجين

# 168- -قَالَ إِنِّى لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ

# 169 -رَبِّ نَجِّنِى وَاءَهْلِى مِمَّايَعْمَلُونَ

ترجمه:

لوط گفت: من مخالف شديد كردار شما هستم. پروردگارا! من و كسان مرا از (شرّ) آنچه انجام مى دهند رهايى بخش.

# 170 - فَنَجَّيْنَهُ وَاءَهْلَهُ اءَجْمَعِينَ

# 171 - إِلا عَجُوزاً فِى الْغَبِرِينَ

# 172 - ثُمَّ دَمَّرْنَا الاَْخَرِينَ

ترجمه:

پس (دعايش را مستجاب كرديم و) او وتمام خاندانش را نجات داديم. مگر پيرزنى (زن لوط) كه در ميان بازماندگان بود. سپس، ديگران را ريشه كن كرديم.

# 173 - وَاءَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَراً فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

ترجمه:

و بر سر آنان بارانى (از سنگ) فرو فرستاديم. پس چه بد است باران هشدار داده شدگان.

# 174 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

# 175- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

البتّه در اين (ماجرا) نشانه اى (از قدرت الهى) است، لكن بيشتر مردم ايمان آورنده نيستند. همانا پروردگار تو همان تواناى مهربان است.

## نكته ها:

كلمه ى قالين به معناى اظهار نگرانى و مخالفت شديدى است كه از عمقِ جان باشد.

## پيام ها:

1- با كار بد مخالفت كنيد، نه با شخص خلافكار. لعمَلِكم من القالين

2- انبيا، در برابر تهديدها نمى ترسيدند و حرف خود را مى زدند. من القالين لوط در برابر تهديد اخراج وتبعيد، فرمود: من دشمن كار شما هستم.

3- تنفّر از كار بد، هم بايد زبانى باشد و هم عملى. قال اِنّى لعملكم ربّ نجّنى آرى نگرانى تنها كافى نيست، بايد به فكر رهايى ونجات از مركز فساد بود.

4- محيط آلوده براى مردان خدا قابل تحمّل نيست ؛ اگر از اصلاح محيط ماءيوس شدند، حداقل خود را از آنجا نجات مى دهند. نجّنى

5- بزرگان جامعه بايد به فكر خاندان و ياران خود باشند. نجّنى و اهلى

6- دعاى انبيا مستجاب است. ربّ نجّنى فنجّيناه

7- زن، در انتخاب راه وابسته به شوهر نيست. الاّ عجوزاً (زن لوط راه انحرافى را برگزيده بود)

8- در اديان آسمانى، همه ى قوانين و ارزش ها بر اساس ضوابط است نه روابط. الاّ عجوزًا (زن پيامبر نيز اگر منحرف شد، هلاك مى شود، زيرا ملاك و ميزان، كفر وايمان است نه رابطه ها و نسبت ها)

9- حساب اطرافيان و وابستگان شخصيّت ها را، از حساب خود آنان جدا كنيد. الاّ عجوزًا (ممكن است انسان پيامبر وفرستاده خدا باشد، ولى بستگانش در راه حقّ نباشند. همسر لوط در خانه پيامبر بود، ولى داراى تفكّر انحرافى بود.)

10- كيفر گناه براى همه يكسان است، زن لوط در ميان نابودشدگان است و امتياز ويژه اى ندارد. فى الغابرين

11- كيفر كسانى كه مسير ازدواج را به لواط مى كشانند، آن است كه باران رحمت، باران عذاب شود و آنان را از پاى در آورد. فساء مَطر المنذرين

12- خداوند قبل از عذاب، هشدار مى دهد و اتمام حجّت مى كند. المنذرين

13- همين كه جامعه از افراد صالح خالى شد، زمينه ى قهر الهى فراهم شده است. نجّيناه و اهله... ثمّ دمّرنا

14- طبيعت، در اختيار قدرت الهى است. (همان قدرتى كه از آسمان باران نازل مى كند، مى تواند سنگ نازل كند) فامطرنا عليهم مطرا...

15- تاريخ، مايه ى عبرت است. اِنّ فى ذلك لايةً

16- در تربيت، تكرار لازم است. (در اين سوره بعد از نقل ماجراى هريك از پيامبران، جمله ى اِنّ فى ذلك لاية آمده است).

17- اكثر مردم پند پذير نيستند. و ما كان اكثرهم مؤمنين

18- قدرت همراه با رحمت ارزش دارد. العزيز الرّحيم

# 176 - كَذَّبَ اءَصْحَبُ لَْيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه:

اصحاب اَيكه (نيز) پيامبران را تكذيب كردند.

# 177 - إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ

# 178- إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ

# 179 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ

ترجمه:

زمانى كه شعيب به آنان گفت: آيا از (شرك وانحراف) پروا نداريد؟ همانا من براى شما پيامبرى امين هستم. پس، از خدا پروا كنيد و من را اطاعت كنيد.

# 180 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

ترجمه:

و من بر اين رسالتم هيچ پاداشى از شما درخواست نمى كنم. اجر من جز بر پروردگار جهانيان نيست.

## نكته ها:

اَيكة به معناى بيشه وجنگل است. بعضى اصحاب اَيكه را كه چهار بار نامشان در قرآن آمده همان اصحاب مَديَن مى دانند و بعضى ديگر آنان را قومى مى دانند كه در منطقه اى نزديك مَديَن زندگى مى كردند و هر دو قوم، مخاطب حضرت شعيب بوده اند.

در اين سوره، اين هفتمين پيامبرى است كه داستانش نقل شده و در تمام اين داستان ها جمله ى قال لهم اَخوهم بود امّا در مورد شعيب، كلمه ى اَخوهم نيامده است. شايد دليلش اين باشد كه شعيب نسبت به مردم غريب بود. (51)

## پيام ها:

1- همه ى انبيا، هم فكر، هم سخن و همسو بودند. (آيات اِنّى لكم رسول اءمين فاتّقوا اللّه و اَطيعون در همه ى داستان هاى اين سوره تكرار شده و پيام هاى اين آيات، همان پيام هاى آيات 160 تا 164 است.)

# 181 - اءَوْفُواْ الْكَيْلَ وَلاَ تَكُونُواْ مِنَ الْمُخْسِرِينَ

# 182 - وَزِنُواْ بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

ترجمه:

حقّ پيمانه را ادا كنيد و از كم فروشان نباشيد. و با ترازوى درست بسنجيد.

# 183 - وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ اءَشْيَآءَهُمْ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِى الاَْرْضِ مُفْسِدِينَ

ترجمه:

و اجناس مردم را كم ندهيد و در زمين به فساد و تبهكارى نكوشيد.

## نكته ها:

كلمه ى كيل، براى مايعات و كلمه ى قِسطاس، براى وزن ها و كلمه ى اشيائهم، براى چيزهاى عددى و غيره بكار رفته است.

در اين آيات دو امر و دو نهى مشاهده مى كنيم كه مكمّل يكديگرند. اَوفوا و لاتكونوا و زنوا لاتبخسوا

در روايات آمده است: كسانى كه عيب جنس خود را به مشترى نگويند، فرشتگان، آنان را لعنت مى كنند وكسانى كه با مكر وحيله ديگران را فريب دهند، بدترين مردم هستند. (52)

كم فروشى، يكى از منكرات بزرگ اقتصادى است كه همه ى آفات لقمه ى حرام را به دنبال دارد. كم فروشى، تنها در داد و ستد نيست، بلكه ممكن است افرادى در تدريس و طبابت و نظارت و مهندسى و شئون ديگر زندگى نيز كم فروشى كنند و چنان كه بايد حقّ ديگران را ادا نكنند.

## پيام ها:

1- پيمانه و ترازو، سابقه و تاريخى بس طولانى دارد. اَوفوا الكَيل

2- كم فروشى، حرام و مراعات حقّ الناس واجب است. اَوفوا الكَيل...

3- انبيا، بر سلامت نظام اقتصادى جامعه نظارت داشتند. اَوفوا الكَيل

4- اديان آسمانى بر عدالت اجتماعى و اقتصادى تاءكيد دارند. اَوفوا وَ زِنوا

5- ميزان سنجش در هر امرى بايد عادلانه و درست باشد. القِسطاس المستقيم

6- مراعات حقوق همه ى انسان ها لازم است، نه تنها مؤمنين. لاتبخسوا النّاس

7- كم فروشى، در هر چيزى ممنوع است و مخصوص پيمانه و ترازو نيست. لاتبخسوا النّاس اشيائهم

8- كم فروشى، نوعى فساد است و كسانى كه به جامعه ضربه ى اقتصادى مى زنند مفسد فى الارض هستند. زيرا نابسامانى هاى اقتصادى، سرچشمه ى از هم پاشيدگى نظام اجتماعى است. لا تَعثوا فى الارض مفسدين

9- شناخت انحرافات موجود در جامعه، گام اوّل در اصلاح جامعه است. (تمام آيات)

# 184 - وَاتَّقُواْ الَّذِى خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الاَْوَّلِينَ

# 185- قَالُواْ إِنَّمَآ اءَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

ترجمه:

و از خدايى كه شما و اقوام پيشين را آفريده پروا كنيد. مردم (به جاى قبول دعوت شعيب) گفتند: تو قطعا از سحرشدگانى.

# 186 - وَمَآ اءَنتَ إِلا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَذِبِينَ

ترجمه:

و تو جز بشرى مثل ما نيستى، و ما تو را از دروغگويان مى پنداريم.

## نكته ها:

كلمه ى جِبِلّ به معناى امّت و جماعت است، چنانكه در جاى ديگر مى فرمايد: و لقد اضلّ منكم جبلاّ كثيرا(53) شيطان گروه زيادى از شما را گمراه كرد. چون كلمه ى جَبَل به معناى كوه و جِبلّى به معناى فطرى است، به اقوام و نسل هايى كه قديمى هستند يا خلق و خوى فطرى دارند و مثل كوه استوارند، جِبِلّى گفته مى شود.

## پيام ها:

1- كسى كه انسان را آفريد، شايسته ى احترام است و بايد از او پروا كرد. واتّقوا الّذى خلقكم

2- تقوا و ايمان، مانع فساد اقتصادى است. آنكه شما را آفريد، رزق شما را هم مى دهد. و اتّقوا الّذى خلقكم (با توجّه به آيات قبل درباره ى كم فروشى)

3- به آداب و رسوم فاسد نياكان، تكيه نكنيم كه همه مخلوق خدا هستيم و بايد مطيع او باشيم. خلقكم و الجبلّة الاوّلين

4- تهمت، اهرم كسانى است كه منطق ندارند. قالوا انّما انت من المسحّرين

5- خلافكار، خلاف خود را توجيه مى كند. (به جاى اقرار به اشتباه و لجاجت خود، انبيا را سحر شده مى داند). انت من المسحّرين

# 187 - فَاءَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفاً مِّنَ السَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ

ترجمه:

پس اگر تو از راستگويانى، پاره هايى از آسمان را بر سر ما بيفكن!

# 188- قَالَ رَبِّى اءَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

ترجمه:

(شعيب) گفت: پروردگار من به آنچه انجام مى دهيد آگاه تر است.

# 189 - فَكَذَّبُوهُ فَاءَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه:

پس شعيب را تكذيب كردند و عذاب روز ابر (آتشبار) آنان را فراگرفت. البتّه آن عذاب روز بزرگ و هولناكى است.

# 190 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

# 191 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

بى شك در اين (ماجرا) نشانه اى (از قدرت الهى) است، ولى اكثر مردم ايمان آورنده نيستند. و البتّه پروردگارت همان تواناى مهربان است.

## نكته ها:

كلمه ى كِسَف كه چهار بار در قرآن آمده، جمع كسفة به معناى قطعه است و در اينجا مراد پاره اى از ابر است. و مراد از عذاب يوم الظلّة، يا عذاب در روزى است كه مردم از شدّت گرما زير سايبان ها پناه برده بودند، يا روزى كه ابرى بر سرشان سايه افكنده بود.

در چگونگى عذاب قوم شعيب چند تعبير آمده است: يك جا مى فرمايد: با زلزله نابود شدند. (54) در جاى ديگر مى فرمايد: با صيحه عذاب شدند. (55) و در اينجا مساءله ى ابر مطرح است. هر سه مطلب، با هم قابل جمع است كه از ابرِ سياهى رعد و صيحه اى برخيزد و لرزه بر جان آنان بيفتد يا با ايجاد زلزله اى همزمان، نابود شوند؛ و شايد زلزله مربوط به اصحاب مَديَن و ابر سياه مربوط به اصحاب اَيكه باشد، چون حضرت شعيب بر هر دو قوم مبعوث بود و در سوره ى اعراف، رسالت بر قوم مدين مطرح شده است كه آنان با زلزله نابود شدند، ولى در اين سوره از رسالت بر اصحاب ايكه ياد شده است.

## پيام ها:

1- خواسته وتقاضاى سنگدلان نيز خشن است. اِسقط علينا كِسَفا من السماء

2- با مقاومت رهبران حقّ، مخالفان از شعارهاى تند خود عقب نشينى مى كنند. قوم شعيب اوّل او را سحر شده و دروغگو خواندند، سپس گفتند: اگر از راستگويانى. انّما انت من المسحّرين به ان كنت من الصادقين تبديل مى شود.

3- در شيوه ى تبليغ وارشاد، لازم نيست بر طبق تمايلات و خواسته هاى مخالفان عمل شود. قال ربّى اعلم... (آنان سقوط قطعاتى از آسمان را درخواست مى كردند، امّا پيامبر پاسخ مى دهد: خداوند آگاه تر است)

4- ياد خدا وتوكّل بر او، بهترين پشتوانه در برابر خرافات است. قال ربّى اعلم...

5- سرنوشت ما به دست خود ماست. فكذّبوه فاءخذهم...

6- خداوند، انبيا را حمايت و مخالفانشان را نابود مى كند. فكذّبوه فاءخذهم

7- حبّ دنيا و رسيدن به مال، انسان را به سركشى در برابر انبيا وادار مى كند. لاتبخسوا النّاس اشيائهم فكذّبوه

8- هدف قرآن از نقل تاريخ، عبرت آموزى است، نه داستان سرايى. لايةً

9- اكثر مردم در خط حقّ قرار نمى گيرند. و ما كان اكثرهم مؤمنين

10- مربّى بايد همراه با قدرت، عطوفت نيز داشته باشد. لهو العزيز الرّحيم

11- همان خداوندى كه شعيب را حمايت و مخالفان او را هلاك كرد، پروردگار تو نيز هست. اِنّ ربّك لهو العزيز الرّحيم (بيان تاريخ امثال حضرت شعيب، هم مايه ى دلدارى و تسلّى پيامبر است و هم تهديدى براى كفّار و دشمنان)

12- هلاكت مخالفان انبيا، نمودى از عزّت و قدرت الهى است، همان گونه كه مهلتى كه به آنان داده مى شود نمودى از رحمت اوست. العزيز الرّحيم

# 192 - وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ

# 193 - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الاَْمِينُ

194 - عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

ترجمه:

والبتّه اين (قرآن) فرستاده پروردگار جهانيان است. (كه جبرئيل) فرشته ى امين الهى آن را فرو آورده است بر دل تو، تا از هشداردهندگان باشى.

# 195- بِلِسَانٍ عَرَبِي مُّبِينٍ

# 196 - وَإِنَّهُ لَفِى زُبُرِ الاَْوَّلِينَ

ترجمه:

(اين قرآن) به زبان عربى روشن (نازل شده) و همانا (خبر) آن در كتاب هاى (آسمانى) پيشين آمده است.

## نكته ها:

زُبُر از واژه ى زَبر به معناى نوشتن و جمع زبور به معناى كتاب است.

قرآن را ساده ننگريم، زيرا:

الف: سرچشمه ى آن، ربّ العالمين است.

ب: واسطه ى آن، روح الامين است.

ج: ظرف آن، قلب پاك پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله قلبك است.

د: هدف آن، بيدارى مردم المنذرين است.

ه‍: زبان آن، فصيح و بليغ عربىّ مبين است.

و: بشارت آن، در كتاب هاى پيشينيان، زُبُر الاوّلين است.

حضرت اسماعيل، هود، صالح و شعيب عليهم‌السلام، به زبان عربى سخن مى گفته اند. (56)

فرشته ى وحى داراى چند نام است: روح الامين، روح القدس، شديدالقوى، رسولٌكريم و جبرئيل. دليل اين كه به جبرئيل روح گفته شده، يا به خاطر آن است كه دين و روح مردم به واسطه ى او زنده شده، يا خودش موجودى روحانى است.

## پيام ها:

1- قرآن وحى الهى است، نه شنيده ها وبافته هاى پيامبر. اِنّه لتنزيل

2- قرآن از دنياى غيب به دنياى شهود نازل شده است. لتنزيل ربّ العالمين

3- كسى كه وحى مى فرستد، همانى است كه تمام هستى را اداره و تربيت مى كند. (قوانين آسمانى با نظام آفرينش هماهنگ است) لتنزيل ربّ العالمين

4- نزول وحى، وسيله ى رشد واز شئون ربوبيّت است. لتنزيل ربّ العالمين

5- سنّت الهى به استخدام واسطه هاست. نَزَل به الرّوح الامين

6- وحى الهى بدون كم و كاست نازل شده است. نَزَل به الرّوح الامين

7- قلب، مركز دريافت حقايق است. على قلبك

8- تا از عمق جان چيزى را باور نداشته باشيم، نمى توانيم هشدار جدّى بدهيم. على قلبك لتكون من المنذرين

9- سنّت خداوند، فرستادن پيامبران براى انذار و هشدار است. من المنذرين

10- درمان غافل، با انذار وهشدار است. من المنذرين در قرآن، انذار بيشتر از بشارت آمده است.

11- تبليغ بايد روشن و با زبان مردم باشد. عربىّ مبين

12- بشارتِ قرآن، در كتب آسمانى پيشين آمده است. زُبرالاوّلين چنانكه بشارت آمدن پيامبر اسلام در تورات وانجيل بوده است. يجدونه مكتوبا فى التوراة والانجيل (57)

13- در برنامه ريزى و مديريّت، زمينه را براى رشد و هدايت و فعاليّت آيندگان فراهم سازيد. زُبرالاوّلين

14- مضمون و محتواى قرآن، در كتاب هاى آسمانى پيشين بوده، ولى الفاظ آن بر قلب مبارك رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شده است. زُبرالاوّلين

# 197 - اءَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً اءَن يَعْلَمَهُ عُلَمَؤُاْ بَنِى إِسْرَءِيلَ

ترجمه:

آيااين كه علماى بنى اسرائيل از آن (قرآن) اطلاع دارند، براى آنان (مشركان عرب) نشانه اى (بر صحّت آن) نيست؟

# 198- وَلَوْ نَزَّلْنَهُ عَلَى بَعْضِ الاَْعْجَمِينَ

ترجمه:

(بر فرض) اگر ما قرآن را بر بعضى غير عرب ها نازل مى كرديم.

# 199 - فَقَرَاءَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُواْبِهِ مُؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس او آن را برايشان مى خواند، عرب ها به آن ايمان نمى آوردند.

## نكته ها:

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: ارزش و فضيلت غير عرب اين است كه آنان به سوى قرآنى كه به زبان عربى است گرايش پيدا كردند، ولى اگر قرآن به زبان غير عربى بود، بعضى عرب ها ايمان نمى آوردند. (58)

## پيام ها:

1- عذرِ جاهلِ مقصّر، پذيرفته نيست. اءولم يكن لهم آية شما كه از علماى خود نمى پرسيد، سزاوار توبيخ و سرزنش هستيد.

2- علماى بنى اسرائيل از حقّانيّت قرآن آگاه بودند. يعلمه علماء بنى اسرائيل

3- در تبليغ و تربيت، به احساسات و زبان ملّى مخاطب توجّه كنيد. لو نزّلناه على بعض الاعجمين...

4- تعصّب و نژادپرستى، مانع حقّپذيرى است. لو نزّلناه ما كانوا به مؤمنين

5- تعصّب و مليّت گرايى در قوم عرب زياد است. لو نزّلناه... ما كانوا به مؤمنين

# 200 - كَذَلِكَ سَلَكْنَهُ فِى قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

# 201 - لاَ يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الاَْلِيمَ

# 202 - فَيَاءْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لاَيَشْعُرُونَ

ترجمه:

ما اين گونه قرآن را (با بيانى رسا وروشن) در دلهاى گناهكاران عبور داديم، (ولى آنان) ايمان نمى آورند، مگر آنكه عذاب دردناك را مشاهده كنند. كه ناگهان و در حالى كه آگاه نباشند به سراغشان آيد.

# 203 - فَيَقُولُواْ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ

# 204 - اءَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

ترجمه:

پس گويند: آيا به ما مهلتى (براى توبه وجبران) داده خواهد شد؟ آيا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند (كه مى پرسند قهر خدا چه زمانى است)؟

# 205- اءَفَرَءَيْتَإِن مَّتَّعْنَهُمْ سِنِينَ

# 206 - ثُمَّ جَآءَهُم مَّاكَانُواْ يُوعَدُونَ

ترجمه:

آيا ديدى كه اگر سال ها هم آنان را (از نعمت هاى خود) برخوردار كنيم، آنگاه عذاب موعود به آنها خواهد رسيد.

## نكته ها:

در روايات مى خوانيم: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در خواب ديدند كه بنى اميّه از منبرش بالا مى روند و مردم را منحرف مى كنند، چون از خواب برخاستند غمگين بودند، در اين وقت جبرئيل اين آيات را آورد: اءفراَيت اِن متّعناهم سِنين. ثمّ جائهم ما كانوا يُوعدون (59)

## پيام ها:

1- خداوند حتّى با كفّار اتمام حجّت مى كند و قرآن را بر آنان عرضه مى كند و بر دلشان عبور مى دهد. سَلَكناه

2- اگر قابليّت نباشد، قرآن هم كارساز نيست. سَلكناه فى قلوب المجرمين لايؤ منون

3- جرم و گناه، زمينه ى هدايت را در انسان محو مى كند. المجرمين لايؤ منون

4- همان گونه كه اگر قرآن به زبان اعجمى نازل مى گرديد، عرب هاى مشرك مكّه ايمان نمى آوردند، اكنون هم كه به زبان عربى روشن نازل ومطالب آن بر دل آنان وارد مى شود، باز هم ايمان نمى آورند. لا يؤ منون به

5- ايمان در لحظه ى اضطرار سودى ندارد. لا يؤ منون به حتّى يَروا العذاب

6- به مهلت دادن خداوند مغرور نشويم، زيرا مرگ و عذاب الهى به صورت ناگهانى مى آيد. فياءتيهم بَغتَةً

7- مجرم، در لحظه ى مرگ تقاضاى مهلت دارد. هل نحن مُنظَرون

8- روزى وجدان هاى خفته بيدار خواهد شد. هل نحن مُنظَرون

9- كسانى كه در ديدن عذاب الهى عجله دارند، روزى براى در امان بودن از عذاب، مهلت خواهند خواست. مُنظَرون يستعجلون

10- مهلت براى سيه دلان سودى ندارد. مَتّعناهم سِنين... جائهم ما كانوا يوعدون

# 207 - مَآ اءَغْنَى عَنْهُمْ مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ

ترجمه:

آنچه برخوردار بودند، در دفع عذاب به كارشان نيايد.

# 208- وَمَآ اءَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلا لَهَا مُنذِرُونَ

# 209 - ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَلِمِينَ

ترجمه:

وما (مردم) هيچ منطقه اى را هلاك نكرديم، مگر آن كه بيم دهندگانى داشتند. تا مايه ى پند و عبرت باشد، و ما ستمكار نبوديم (كه بدون هشدار مجازات كنيم).

## نكته ها:

خداوند، هر فرد و قوم گمراهى را زمانى هلاك مى كند كه از قبل به آنان هشدار داده باشد، وگرنه عقوبت بدون هشدار ظلم است و ظلم در شاءن خداوند نيست. قرآن، اين حقيقت را در آيات مختلف بيان كرده است:

و ما ظلمناهم(60) ما به آنان ظلم نكرديم.

و ما اللّه يُريد ظلما(61) خداوند اراده ى ظلم نمى كند.

ما كان اللّه ليَظلمهم(62) شاءن خداوند ظلم كردن نيست.

لا يظلمون نَقيرا(63)، لا يظلمون شيئا(64) كمترين ستمى به آنها نخواهد شد.

لا يظلمون فَتيلا(65) خداوند به اندازه نخ درون هسته خرما وكمتر از آن ظلم نمى كند.

لا يظلم مِثقال ذَرّة(66) خداوند به اندازه ى سنگينى ذرّه اى ستم نمى كند.

## پيام ها:

1- در هنگام قهر الهى، همه ى اسباب كاميابى بى فايده است. ما اءغنى عنهم

2- رفاه مخالفان دين، شما را غمگين نكند كه روزى آن را خواهيم گرفت. ما اءغنى عنهم ما كانوا يُمتّعون

3- قهر الهى، بعد از اتمام حجّت است. تنبيه بايد بعد از تذكّر باشد. و ما اهلكنا... الاّ لها منذرون

4- در هر امّتى اولياى خدا هستند كه آنان را هشدار دهند. من قرية الاّ لهامنذرون

5- وظيفه ى انبيا هشدار است و در قبول يا ردّ مردم مسئوليّتى ندارند. منذرون

6- انسان فطرتا حقايق را درك مى كند، لكن چه بسا غفلت او را فرا مى گيرد، و درمان غفلت، تذكّر و هشدار است. منذرون

7- تنبيه قبل از تذكّر، ظلم است. ذِكرى و ما كنّا ظالمين

8- شاءن الهى از ظلم دور است. و ما كنّا ظالمين

# 210 - وَ مَاتَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَطِينُ

# 211 - وَ مَايَنبَغِى لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ

# 212 - إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ

ترجمه:

و قرآن را شيطان ها نازل نكرده اند. نه سزاوار آنان است (كه شياطين آن را نازل كنند) و نه قدرت بر اين كار دارند. بى شك آنها از شنيدن (اخبار آسمانى) بركنارند.

# 213 -فَلاَ تَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلَهاً ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

ترجمه:

پس (اى پيامبر!) با خدا معبود ديگرى را نخوان كه از عذاب شدگان خواهى شد.

## نكته ها:

وحى دو نوع است:

الف: وحى الهى كه به وسيله ى روح الامين بر قلب پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل مى شود، كه اين نوع وحى نه سزاوار جنّ و شياطين است و نه آنها توان دريافت و ارسال آن را دارند. و ما يَنبغى لهم و ما يَستَطيعون

ب: نوع ديگر وحى، وسوسه ها و الهام هاى شيطانى است كه شيطان ها بر اولياى خود القا مى كنند. اِنّ الشياطين لَيُوحون الى اوليائهم (67)

قرآن از استحكام ومقامى والا واز قداست وحفاظتى خاصّ برخوردار است، زيرا آورنده آن روح الامين است، از هرگونه دستبردى محفوظ است، لمَعزولون گيرنده آن معصوم است، و مايَنطق عن الهَوى(68) وتضمين شده است. اِنّا نحن نَزّلنا الذّكر واِنّا له لحافظون (69)

مشركين به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله پيشنهاد كردند: اگر تو بت هاى ما را بخوانى و آنها را محترم بدانى، ما نيز تو را رئيس خود قرار مى دهيم. آيه نازل شد كه كفّار را ماءيوس كن. فلاتَدعُ مع اللّه

## پيام ها:

1- تهمت ها را قاطعانه پاسخ دهيد. و ما تَنزّلت مشركين القاى آيات را كار شياطين مى پنداشتند.

2- قداست وحى، از خباثت شياطين دور است. ما يَنبغى لهم

3- قدرت جن و شياطين محدود است. و ما يَستطيعون

4- ورود بيگانگان به مراكز قدسى ممنوع است. اِنّهم عن السَمعِ لمعزولون

5- اگر قابليّت و پاكى و ظرفيّت باشد، فرشته را به نزول وا مى دارد. نَزَل به الرّوح الامين على قلبك ولى اگر آمادگى نباشد حتّى پرواز به آسمان، با برگشت و محروميّت همراه خواهد بود. لمعزولون، فاَتبَعه شهاب (70)

6- هدف نهايىِ نزول قرآن، توحيد است. و ماتَنزّلت... فلاتَدعُ مع اللّه

7- خداوند پيامبر را از شرك نهى مى كند، تا ما بياموزيم وگرنه پيامبر لحظه اى به سراغ غير خدا نرفت. (به در مى گويند تا ديوار بشنود). فلا تدعُ مع اللّه

8- عصمت انبيا، با آزادى واختيار آنان منافاتى ندارد. (پيامبر معصوم است ولى مى تواند به سراغ غير خدا رود، لذا مورد نهى قرار مى گيرد) فلاتَدع

9- رهبران توحيد بايد خود اوّلين موحّدان باشند. فلا تَدع

10- غير خدا، هر چيز وهركس باشد، قابل پرستش نيست. الها آخر

11- شرك، سبب هلاكت امّت هاى پيشين گرديده است. فلاتدع... فتكون من المعذّبين (يعنى از عذاب شدگان قبلى مى شوى)

12- به سراغ غير خدا رفتن، بيچارگى و عذاب به دنبال دارد. فتكون من المعذّبين

13- آيات الهى، به شخصيّت هاى بزرگ نيز هشدار مى دهد. فتكون من المعذّبين

# 214 - وَاءَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الاَْقْرَبِينَ

# 215- وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

و خويشان نزديكت را هشدار ده. و براى مؤمنانى كه از تو پيروى كرده اند، بال خود را بگستر (و متواضع باش).

# 216 - فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّى بَرِى ءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

# 217 - وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

ترجمه:

پس اگر سرپيچى كردند بگو: قطعا من از آنچه انجام مى دهيد بيزارم. و بر (خداى) عزيز و مهربان توكّل كن.

## نكته ها:

پس از نزول آيه 214، پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بستگانش را به مهمانى فراخواند و بعد از پذيرايى، سخن خود را آغاز و آنان را از شرك و بت پرستى نهى فرمود. (71)

كلمه ى عَشيرة، شايد به خاطر معاشرت بستگان با يكديگر است كه در مورد خويشان بكار مى رود.

در نيكى به ديگران (مانند ديدوبازديد، انفاق، وام، ارشاد و امربه معروف) نزديكان انسان مقدّمند. اَنذر عَشيرتك الاَقربين

گشودن بال، در قرآن درباره ى دو مورد آمده است: يكى پيامبر براى مؤمنين ؛ واخفض جَناحك لمَن اتّبعك و ديگرى فرزند براى والدين، امّا در مورد فرزند كلمه ى ذلّ نيز آمده است. واخفض لهما جَناح الذّل من الرّحمة (72)

در آيه ى واَنذر عَشيرتك زنان نيز جزو مخاطبان بوده اند. عشيرتك شامل زن و مرد است و تفسير الميزان از طبرانى نقل كرده كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله زنان را نيز دعوت كرده بود.

## پيام ها:

1- پيوند خويشاوندى سبب مسئوليّت بيشترى مى شود. و اَنذر عشيرتك

2- در مكتب وحى، همه ى مردم در برابر قانون خدا يكسانند ونزديكان پيامبر نيز مورد هشدار قرار مى گيرند. و اَنذر عشيرتك

3- در تبليغ و نهى از منكر، اوّل از خود شروع كنيد؛ فلاتَدعُ مع اللّه سپس نزديكان. و اَنذر عشيرتك

4- ارشاد و تبليغ بايد با صراحت باشد. و اَنذِر

5- روابط فاميلى نبايد مانع نهى از منكر باشد. و اَنذِر

6- هشدار به نزديكان، زمينه ى پذيرش حقّ را در ديگران تقويت مى كند. (مردم مى گويند: اين حرف ها را به بستگان خود نيز مى زند). و اَنذِر عشيرتك

7- در ميان بستگان نيز اولويّت مطرح است. الاقربين

8- در بين بستگان به خاطر شناخت عميق واعتماد، زمينه ى پذيرش حقّ بيشتر است. الاقربين

9- هشدار بايد با سوز و محبّت همراه باشد. اَنذِر... واخفض

10- تواضع در برابر ياران، پيروان و زيردستان، از صفات لازم براى رهبر و مبلّغ است. واخفِض جَناحك لمَن اتّبعك

11- با مؤمنين تواضع، از مشركين برائت. واخفِض فقل اِنّى برى ء

12- در اهميّت تواضع همين بس كه خداوند پيامبر را به آن فرمان مى دهد. واخفض

13- لازمه ى ايمان به خداوند، پيروى از پيامبر است. لمَن اتّبعك من المؤمنين و نفرمود: للمؤمنين

14- مؤمنان، به قدرى مقام دارند كه رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله ماءمور به فروتنى در برابر آنان مى شود. واخفِض جناحك لمَن اتّبعك من المؤمنين

15- ملاك برخوردها، ايمان و كفر است، نه فاميل بودن. (بستگانت را انذار ده ولى نسبت به مؤمنين تواضع كن). اَنذر واخفِض

16- تواضع، تنها با زبان نيست، فروتنى در عمل نيز لازم است. جَناحك

17- ميزان تولّى و تبرىّ، اطاعت از رسول خداست. اتّبعك عَصوك

18- تنفّر قلبى از كفر كافى نيست، اعلام قولى لازم است. فقُل

19- كسى كه بر خداوند توكّل دارد مى تواند از عملكرد كفّار و بى اعتنايى بستگان اعلام برائت و تنفّر كند. بَرى ء و توكّل

20- به كسى تكيه كنيم كه قدرتمند ودوستدار ما باشد. وتوكّل على العزيزالرّحيم

# 218- اءَلَّذِى يَرَيكَ حِينَ تَقُومُ

# 219 - وَتَقَلُّبَكَ فِى السَّجِدِينَ

# 220 - إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ترجمه:

خدايى كه چون (به نماز) برمى خيزى تو را مى بيند. و حركت تو را در ميان سجده كنندگان (نيز مى بيند). زيرا كه اوست شنوا و دانا.

# 221 - هَلْ اءُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَطِينُ

ترجمه:

آيا شما را خبر دهم كه شياطين بر چه كسى فرود مى آيند؟

# 222 - تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ اءَفَّاكٍ اءَثِيمٍ

# 223 - يُلْقُونَ السَّمْعَ وَاءَكْثَرُهُمْ كَذِبُونَ

ترجمه:

بر هر دروغساز گنه پيشه اى فرود مى آيند. (زيرا اين افراد) به سخنان شياطين گوش فرا مى دهند و بيشترشان دروغگويند.

## نكته ها:

كلمه ى اَفّاك به معناى كذّاب و دروغساز است.

در مورد قيام پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در آيه ى 218، يا مراد قيام براى نماز است، يا قيام براى انذار و تبليغ. چنانكه امام باقر عليه‌السلام فرمود: مراد قيام در مسئله ى نبوّت است.

احتمال دارد مراد از آيه ى 223 اين باشد: شياطينى كه بر افراد فاسد نازل مى شوند، براى شنيدن اخبار آسمان گوش خود را القا مى كنند، گرچه با شهاب رد مى شوند.

امام باقر عليه‌السلام فرمود: مراد از جمله ى تَقلّبك فى السّاجدين آن است كه خداوند از جا به جايى تو در اصلاب نياكان خداپرست تو آگاه بوده است. (73)

از آنجاكه مشركين، نزول وحى را نزول شياطين برحضرت مى پنداشتند، خداوند با قاطعيّت مى فرمايد: شياطين بر دروغسازان گنهكار نازل مى شوند نه بر پيامبر معصوم. بنابراين دو نوع نزول داريم: يكى نزول وحى از طريق فرشته اى امين انّه لتَنزيل ربّ العالمين نزل به الرّوح الامين ديگرى نزول شياطين بر افراد آلوده. تَنزّل على كلّ اَفّاك اَثيم

## پيام ها:

1- خداوند با يادآورى نظارت خويش، از پيامبرش دلجويى مى كند. يَراك...

2- انسان در حال نماز مورد توجّه خاصّ خداوند است. يَراك حين تَقوم

3- سجده مهم ترين ركن نماز است. فى السّاجدين

4- بر خدايى توكّل كنيم كه علاوه بر داشتن عزّت و رحمت، شنوا و آگاه است و حركت ها و عبادت هاى مارا مى بيند. توكّل على العزيز الرّحيم السّميع العليم

5- در شيوه ى تبليغ، با سؤال كردن زمينه ى توجّه و شنيدن را در مخاطبين زنده كنيم. هل اُنبّئكم

6- روحيّه ها، ظرفيّت ها و لياقت هاى گوناگون، نزول هاى گوناگونى را به همراه دارد. نَزَل به الرّوح الامين على قلبك تَنزّل على كلّ افّاك اَثيم

7- دريافت كننده ى وحى تنها يك دل است، دل پاك پيامبر قلبك، ولى دريافت كننده ى وسوسه هاى شيطانى، هر دل آلوده اى است. كلّ افّاك

8- بدتر از گناه، تكرار و عجين شدن آن با خُلق وخوى آدمى است. افّاك اَثيم

9- نشانه ى گناهكار آلوده آن است كه گوش خود را در اختيار هر سخنى مى گذارد. يُلقُونَ السمع

10- دروغ، سرچشمه ى بسيارى از گناهان و خطرناك تر از آنهاست و لذا قلب دروغ ساز، فرودگاه شيطان مى شود. تَنزّل على كلّ افّاك اَثيم

# 224 - وَالشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

# 225- اءَلَمْ تَرَ اءَنَّهُمْ فِى كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

# 226 - وَاءَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لاَ يَفْعَلُونَ

ترجمه:

(پيامبر اسلام شاعر نيست، زيرا) شاعران را گمراهان پيروى مى كنند. آيا نديدى كه آنان در هر وادى سرگشته مى روند؟ و مطالبى مى گويند كه به آن عمل نمى كنند؟

# 227 - إِلا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ وَذَكَرُواْاللّهَ كَثِيراً وَانتَصَرُواْمِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْوَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُواْ اءَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ

ترجمه:

مگر آنان (شاعرانى) كه ايمان آورده و كارهاى نيكو انجام داده و خدارا بسيار ياد مى كنند، و پس از آن كه مورد ستم قرار گرفتند (به دفاع از خود) يارى مى طلبند (و با شعر از مظلوميّت خود دفاع مى كنند) و كسانى كه ظالمند، به زودى خواهند دانست كه به كدام بازگشتگاه باز خواهند گشت.

## نكته ها:

كلمه ى غاوون از غىّ، ضد رشد است، چنانكه در جاى ديگر مى فرمايد: قد تَبيّن الرّشد من الغَىّ (74)

از آنجا كه كفّار قرآن را ساخته ى وهم و خيال، و پيامبر را شاعر مى دانستند، اين آيات آنان را محكوم مى كند كه طرفداران شعرا، گمراهانند ولى طرفداران پيامبر اسلام گمراه نيستند. شعرا بى هدف وسرگشته اند وبه گفته ى خود عمل نمى كنند، ولى پيامبر اين گونه نيست، هماهنگى ميان گفتار و رفتار پيامبر اسلام، نشانه ى آن است كه او شاعر نيست.

از امام باقر وامام صادق عليهما‌السلام نقل شده كه به مناسبت آيه ى والشعراء يَتبعهم الغاوون فرمودند: كسانى كه فقه را براى غير دين آموخته باشند، يا عميق نياموخته باشند، هم گمراهند و هم ديگران را گمراه مى كنند و قصّه سرايان نيز مشمول اين سرزنش هستند. (75)

از اينكه نام شعراى بى هدف در كنار دروغ سازانى كه شياطين بر آنان نازل مى شوند، آمده است، شايد بتوان ارتباطى ميان شيطان دروغ ساز و شاعر بى هدف هرزه گو كشف نمود.

به گفته ى روايات: ذكر كثير، تسبيحات حضرت زهرا عليها السلام، يعنى سى و چهار مرتبه اللّه اكبر، سى و سه مرتبه الحمداللّه و سى و سه مرتبه سبحان اللّه است.

در حديث آمده است: ذكر خدا تنها با زبان نيست، بلكه ياد خداست به هنگام ترك گناه و انجام عبادت. ذكروا اللّه (76)

در حديث مى خوانيم: سر مبارك امام حسين عليه‌السلام بالاى نيزه اين آيه را تلاوت فرمود: و سيَعلم الّذين ظلموا... و امام صادق عليه‌السلام فرمود: مصداق روشن ظلم، ظلم درحقّ آل محمّد عليهم‌السلام است. (77)

# شعر و شاعران

مطالبى درباره ى شعر و شاعران به مناسبت آيات آخر اين سوره بيان مى كنيم:

از تفسير بيضاوى نقل شده: چون اشعار جاهليّت بيشتر پيرامون خيالات، توصيف زنان زيبا، معاشقه و افتخارات بيهوده يا بدگويى و تعرّض به ناموس ديگران بوده اين آيات نازل شده است. والشعراء يَتبعهم الغاوُون

تفاوت ميان حكيم وشاعر آن است كه حكيم ابتدا معانى را در نظر مى گيرد وبعد الفاظ را به كار مى برد، ولى شاعر ابتدا قالب والفاظ را در نظر مى گيرد، سپس معانى را بيان مى كند. (78)

در روايات، شعر خوبى كه از حقّ طرفدارى كند، از جهاد با سر نيزه برتر شمرده شده و مورد ستايش قرار گرفته است. (79)

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بعضى از بيان ها همچون سحر و بعضى از شعرها حكمت است. (80)

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به شاعر متعهّدى به نام حَسّان فرمود: روح القدس با توست. (81)

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در يكى از سفرها، حَسّان را فراخواند كه شعر بخواند. او مى خواند و حضرت گوش مى دادند. حضرت دستور دادند در مسجد جايگاه خاصّى براى حَسّان باشد. (82)

امام صادق عليه‌السلام به ياران خود مى فرمود: كودكان خود را با شعر عَبدى آشنا كنيد كه او شاعرى خوب و مكتبى است. (83)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: هر كس براى حقّانيّت ما يك بيت شعر بسرايد، خداوند در بهشت خانه اى به او عطا مى كند. (84)

امام صادق عليه‌السلام فرمود: خواندن شعر براى روزه دار و كسى كه در حال احرام يا در منطقه حَرَم است، مكروه مى باشد و نيز خواندن شعر در روز يا شب جمعه كراهت دارد. (85)

در روايات مى خوانيم: راست ترين شعر در زمان جاهليّت اين بوده است:

الا كلّ شى ء ما خلا اللّه باطل

و كلّ نعيم لا محالة زائل (86)

يعنى بدانيد كه هر چيز، جز خداوند باطل است و هر نعمتى دير يا زود از بين خواهد رفت.

در روايت آمده است: همين كه آيه ى والشعراء يَتبعهم... نازل شد گروهى از شاعران مسلمان نگران خود شده، نزد پيامبر اكرم آمدند. حضرت فرمود: اِنّ المؤمن مجاهد بسيفه و لسانه يعنى مؤمن با شمشير و زبان خود جهاد مى كند. (87)

## پيام ها:

1- جذب مردم مهم نيست، مهم اين است كه چه افرادى و به چه هدفى جذب شوند. يَتبعهم الغاوون

2- اسلام با هنر مخالف نيست، با شعر بى هدف مخالف است. فى كلّ وادٍ يهيمون

3- اگر شعر همراه با ايمان و تقوا نباشد، خيالات و احساسات شخصى شاعر و تمايلات مردم، هر روز شاعر را به يك وادى مى كشاند. فى كلّ واد يهيمون

4- آنچه مورد انتقاد است، گمراه كردن مردم و سرگرم نمودن آنان به امور مختلف است. يَتبعهم الغاوُون فى كلّ واد يهيمون خواه در زمينه ى شعر باشد يا قصه، يا فيلم يا عكس يا تئاتر يا طنز و يا سخنرانى، لكن شعر به خاطر زيبايى و ويژگى هاى خاصّش نافذتر است.

5- آفت هاى شعر چند چيز است: پيروى نااهلان، يتبعهم الغاوُون، بى هدفى فى كلّ واد يهيمون و بى عملى. يقولون ما لايفعلون

6- اگر شعر و هنر در كنار ايمان قرار نگيرد، بسترى مناسب و مسيرى هموار براى حركت منحرفان خواهد شد. والشعراء يَتبعهم الغاوُون الاّ الّذين آمنوا

7- يكى از شيوه هاى امر به معروف و نهى از منكر، معرّفى الگوهاى حقّ و باطل است. والشعراء... الاّ الّذين

8- قرآن از شاعرى كه اهل حرف است نه عمل، انتقاد كرده است. يقولون ما لايفعلون

9- انصاف را مراعات كنيد. حقّ خوبانِ هر صنف و گروه را ناديده نگيريد. شعر و هنر در دست صالحان ارزش است. الاّ الّذين آمنوا

10- ايمان، عمل صالح و ياد خدا، هنرمند و شاعر را از انحراف نجات مى دهد. الاّ الّذين آمنوا...

11- قرآن شعرى را تاءييد مى كند كه از شاعرِ مؤمن و عامل و ذاكر خدا باشد و در مسير تحريك مردم براى دفاع از حقّ به كار گرفته شود. آمنوا و عملوا... و انتصروا...

12- ايمان بر عمل مقدّم است و اعمال نيز بايد صالح باشد تا كارساز شود. آمنوا و عملوا الصالحات

13- ياد خدا، به زمان و مكان و مقدار، محدود نيست. (در هر زمان، در هر مكان، هر چه بيشتر) ذكروا اللّه كثيراً

14- هر كجا خطر لغزش زياد است بايد ياد خدا نيز زياد باشد. ذكروا اللّه كثيراً

15- با هنر وشعر، به مقابله ى ستمگران برويم. وانتصروا من بعد ما ظلموا

16- خداوند در كمين ستمگران است. و سيعلم الّذين ظلموا

الحمدللّه ربّ العالمين

## پی نوشت ها :

1-تفسير نمونه.

2-تفسير كبيرفخررازى.

3-نازعات، 24.

4-مريم، 48.

5-اعراف، 150.

6-يوسف، 33.

7-هود، 83.

8-تفسير نورالثقلين.

9-اسراء، 102.

10-تفسير الميزان.

11-ملك، 14.

12-زخرف، 51.

13-شعراء، 109، 127، 145، 164 و 180.

14-تفاسيرمجمع البيان وكبير فخررازى.

15-بقره، 60.

16-نحل، 43 ؛ انبياء، 7.

17-انعام، 90.

18-مريم، 82.

19-تفسير كبيرفخررازى.

20-ص، 46.

21-تفسير نمونه.

22-تفسير صافى.

23-تفسير نورالثقلين.

24-تفسير كنزالدقائق.

25-وسائل، ج 6، ص 293.

26-تفسير نورالثقلين، ج 2، ص 31.

27-مريم، 47.

28-توبه، 114.

29-تفسير نورالثقلين.

30-تفسير فرقان.

31-بيان السعاده.

32-آل عمران، 192.

33-تفسير نورالثقلين.

34-تفسير مجمع البيان.

35-تفسير الميزان.

36-كنزالعمّال.

37-صافّات، 83.

38-صافّات، 79.

39-نساء، 94.

40-انعام، 52.

41-هود، 58، 66 و 94.

42-تفسير نورالثقلين.

43-تفسير الميزان و مجمع البيان.

44-شعراء، 189.

45-داستان نوح، آيه ى 105 ؛ داستان عاد، آيه ى 123 ؛ داستان صالح، آيه ى 141 ؛ داستان لوط، آيه ى 160 و داستان شعيب، آيه ى 176.

46-نهج البلاغه، خطبه 201.

47-اعراف، 73.

48-اعراف، 81.

49-انبياء، 74.

50-نمل، 55.

51-تفسير كبيرفخررازى.

52-غررالحكم.

53-يس، 62.

54-اعراف، 89.

55-هود، 96.

56-تفسير منهج الصّادقين.

57-اعراف، 175.

58-تفسير كنزالدقائق.

59-تفسير الميزان.

60-نحل، 118.

61-غافر، 31.

62-عنكبوت، 40.

63-نساء، 124.

64-مريم، 60.

65-نساء، 49.

66-نساء، 40.

67-انعام، 121.

68-نجم، 3.

69-حجر، 9.

70-حجر، 18.

71-تفسير مجمع البيان.

72-اسراء، 24.

73-بحار، ج 15، ص 3.

74-بقره، 256.

75-تفسير نورالثقلين.

76-تفسير كنزالدقائق.

77-تفسير نورالثقلين.

78-لغت نامه دهخدا.

79-تفسير كنزالدقائق.

80-تفسير المنير.

81-تفسير كنزالدقائق.

82-تفسير روح المعانى.

83-تفسير كنزالدقائق.

84-بحار، ج 79، ص 291.

85-وسائل، ج 7، ص 121.

86-تفسير مواهب العلّيه.

87-تفسير منهج الصادقين.

فهرست مطالب

[سيماى سوره ى شُعراء 2](#_Toc365973797)

[بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ 2](#_Toc365973798)

[1 - طسم 2](#_Toc365973799)

[2 - تِلْكَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْمُبِينِ 2](#_Toc365973800)

[3 - لَعَلَّكَ بَخِعٌ نَّفْسَكَ اءَلا يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ 3](#_Toc365973801)

[نكته ها: 3](#_Toc365973802)

[پيام ها: 3](#_Toc365973803)

[4 - إِن نَّشَاءْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ اءَعْنَقُهُمْ لَهَا خَضِعِينَ 4](#_Toc365973804)

[پيام ها: 4](#_Toc365973805)

[5- وَمَا يَاءْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلا كَانُواْ عَنْهُ مُعْرِضِينَ 4](#_Toc365973806)

[6 - فَقَدْ كَذَّبُواْ فَسَيَاءْتِيهِمْ اءَنبَؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ 5](#_Toc365973807)

[نكته ها: 5](#_Toc365973808)

[پيام ها: 5](#_Toc365973809)

[7 - اءَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى الاَْرْضِ كَمْ اءَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ 6](#_Toc365973810)

[8- إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 6](#_Toc365973811)

[9 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 6](#_Toc365973812)

[نكته ها: 6](#_Toc365973813)

[پيام ها: 7](#_Toc365973814)

[10 - وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى اءَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّلِمِينَ 7](#_Toc365973815)

[11 - قَوْمَ فِرْعَوْنَ اءَلاَ يَتَّقُونَ 8](#_Toc365973816)

[12 - قَالَ رَبِّ إِنِّى اءَخَافُ اءَن يُكَذِّبُونِ 8](#_Toc365973817)

[نكته ها: 8](#_Toc365973818)

[پيام ها: 8](#_Toc365973819)

[13 - وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلاَ يَنطَلِقُ لِسَانِى فَاءَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ 9](#_Toc365973820)

[14 - وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنبٌ فَاءَخَافُ اءَن يَقْتُلُونِ 9](#_Toc365973821)

[15- قَالَ كَلا فَاذْهَبَا بََايَتِنَآ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ 9](#_Toc365973822)

[16 - فَاءْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولاَ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَلَمِينَ 9](#_Toc365973823)

[17 - اءَنْ اءَرْسِلْ مَعَنَا بَنِى إِسْرَءِيلَ 10](#_Toc365973824)

[نكته ها: 10](#_Toc365973825)

[پيام ها: 11](#_Toc365973826)

[18- قَالَ اءَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيداً وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ 13](#_Toc365973827)

[19 - وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِى فَعَلْتَ وَاءَنتَ مِنَ الْكَفِرِينَ 13](#_Toc365973828)

[نكته ها: 13](#_Toc365973829)

[پيام ها: 13](#_Toc365973830)

[20 - قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذاً وَ اءَنَاْ مِنَ الضَّآلِّينَ 14](#_Toc365973831)

[21 - فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْماً وَجَعَلَنِى مِنَ الْمُرْسَلِينَ 14](#_Toc365973832)

[نكته ها: 15](#_Toc365973833)

[پيام ها: 16](#_Toc365973834)

[22 - وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىَّ اءَنْ عَبَّدتَ بَنِى إِسْرَءِيلَ 16](#_Toc365973835)

[23 - قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَلَمِينَ 16](#_Toc365973836)

[نكته ها: 16](#_Toc365973837)

[پيام ها: 17](#_Toc365973838)

[24 - قَالَ رَبُّ السَّمَوَتِ وَالاَْرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ 17](#_Toc365973839)

[25- قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ اءَلاَ تَسْتَمِعُونَ 17](#_Toc365973840)

[26 - قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ الاَْوَّلِينَ 18](#_Toc365973841)

[نكته ها: 18](#_Toc365973842)

[پيام ها: 18](#_Toc365973843)

[27 - قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِى اءُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ 19](#_Toc365973844)

[28- قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ 19](#_Toc365973845)

[29 - قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهاً غَيْرِى لاََجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ 20](#_Toc365973846)

[30 - قَالَ اءَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ 20](#_Toc365973847)

[31 - قَالَ فَاءْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ 20](#_Toc365973848)

[نكته ها: 20](#_Toc365973849)

[پيام ها: 20](#_Toc365973850)

[32 - فَاءَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ 22](#_Toc365973851)

[33 - وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّظِرِينَ 22](#_Toc365973852)

[نكته ها: 22](#_Toc365973853)

[پيام ها: 23](#_Toc365973854)

[34 - قَالَ لِلْمَلاَِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَحِرٌ عَلِيمٌ 23](#_Toc365973855)

[35- يُرِيدُ اءَن يُخْرِجَكُم مِّنْ اءَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَاءْمُرُونَ 23](#_Toc365973856)

[36 - قَالُواْ اءَرْجِهْ وَاءَخَاهُ وَابْعَثْ فِى الْمَدَآئِنِ حَشِرِينَ 23](#_Toc365973857)

[37 - يَاءْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ 23](#_Toc365973858)

[38- فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 24](#_Toc365973859)

[39 - وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ اءَنتُم مُّجْتَمِعُونَ 24](#_Toc365973860)

[نكته ها: 24](#_Toc365973861)

[پيام ها: 25](#_Toc365973862)

[40 - لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ الْغَلِبِينَ 26](#_Toc365973863)

[41 - فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ اءَئِنَّ لَنَا لاََجْراً إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَلِبِينَ 26](#_Toc365973864)

[42 - قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذاً لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ 27](#_Toc365973865)

[نكته ها: 27](#_Toc365973866)

[پيام ها: 27](#_Toc365973867)

[43 - قَالَ لَهُم مُّوسَى اءَلْقُواْ مَآ اءَنتُم مُّلْقُونَ 28](#_Toc365973868)

[44 - فَاءَلْقَوْاْ حِبَالَهُمْ وَ عِصِيَّهُمْ وَ قَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلِبُونَ 28](#_Toc365973869)

[پيام ها: 28](#_Toc365973870)

[45- فَاءَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَاءْفِكُونَ 29](#_Toc365973871)

[46 - فَاءُلْقِىَ السَّحَرَةُ سَجِدِينَ 29](#_Toc365973872)

[47 - قَالُواْ ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَلَمِينَ 29](#_Toc365973873)

[48- رَبِّ مُوسَى وَهَرُونَ 29](#_Toc365973874)

[نكته ها: 29](#_Toc365973875)

[پيام ها: 29](#_Toc365973876)

[49 - قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُ قَبْلَ اءَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِى عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لاَُقَطِّعَنَّ اءَيْدِيَكُمْ وَاءَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَفٍ وَ لاَُصَلِّبَنَّكُمْ اءَجْمَعِينَ 31](#_Toc365973877)

[50 - قَالُواْ لاَ ضَيْرَ إِنَّآ إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ 31](#_Toc365973878)

[51 - إِنَّا نَطْمَعُ اءَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَيَنَآ اءَن كُنَّآ اءَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ 31](#_Toc365973879)

[نكته ها: 31](#_Toc365973880)

[پيام ها: 32](#_Toc365973881)

[52 - وَاءَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى اءَنْ اءَسْرِ بِعِبَادِى إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ 33](#_Toc365973882)

[53 - فَاءَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى الْمَدَآئِنِ حَشِرِينَ 33](#_Toc365973883)

[نكته ها: 33](#_Toc365973884)

[پيام ها: 34](#_Toc365973885)

[54 - إِنَّ هَؤُلاَءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ 35](#_Toc365973886)

[55- وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ 35](#_Toc365973887)

[56 - وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَذِرُونَ 35](#_Toc365973888)

[57 - فَاءَخْرَجْنَهُم مِّن جَنَّتٍ وَعُيُونٍ 35](#_Toc365973889)

[58- وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ 35](#_Toc365973890)

[59 - كَذَلِكَ وَاءَوْرَثْنَهَا بَنِى إِسْرَءِيلَ 35](#_Toc365973891)

[60 - فَاءَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ 35](#_Toc365973892)

[نكته ها: 35](#_Toc365973893)

[پيام ها: 36](#_Toc365973894)

[61 - فَلَمَّا تَرَءَا الْجَمْعَانِ قَالَ اءَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ 37](#_Toc365973895)

[62 - قَالَ كَلا إِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهْدِينِ 37](#_Toc365973896)

[نكته ها: 37](#_Toc365973897)

[پيام ها: 38](#_Toc365973898)

[63 - فَاءَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى اءَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ 38](#_Toc365973899)

[64 - وَاءَزْلَفْنَا ثَمَّ الاَْخَرِينَ 38](#_Toc365973900)

[65- وَاءَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ اءَجْمَعِينَ 39](#_Toc365973901)

[66 - ثُمَّ اءَغْرَقْنَا الاَْخَرِينَ 39](#_Toc365973902)

[67 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 39](#_Toc365973903)

[68- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 39](#_Toc365973904)

[نكته ها: 39](#_Toc365973905)

[پيام ها: 39](#_Toc365973906)

[69 - وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاءَ إِبْرَهِيمَ 41](#_Toc365973907)

[70 - إِذْ قَالَ لاَِبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ 41](#_Toc365973908)

[71 - قَالُواْ نَعْبُدُ اءَصْنَاماً فَنَظَلُّ لَهَا عَكِفِينَ 41](#_Toc365973909)

[72 - قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ 41](#_Toc365973910)

[73 - اءَوْ يَنفَعُونَكُمْ اءَوْ يَضُرُّونَ 41](#_Toc365973911)

[74 - قَالُواْ بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ 42](#_Toc365973912)

[75- قَالَ اءَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ 42](#_Toc365973913)

[76 - اءَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمُ الاَْقْدَمُونَ 42](#_Toc365973914)

[نكته ها: 42](#_Toc365973915)

[پيام ها: 43](#_Toc365973916)

[77 - فَإِنَّهُم عَدُوُّ لِّى إِلا رَبَّ الْعَلَمِينَ 45](#_Toc365973917)

[78- اءَلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ 45](#_Toc365973918)

[79 - وَالَّذِى هُوَ يُطْعِمُنِى وَيَسْقِينِ 45](#_Toc365973919)

[80 - وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ 45](#_Toc365973920)

[81 - وَالَّذِى يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ 45](#_Toc365973921)

[82 - وَ الَّذِى اءَطْمَعُ اءَن يَغْفِرَ لِى خَطِيئَتِى يَوْمَ الدِّينِ 46](#_Toc365973922)

[نكته ها: 46](#_Toc365973923)

[پيام ها: 46](#_Toc365973924)

[83 - رَبِّ هَبْ لِى حُكْماً وَاءَلْحِقْنِى بِالصَّلِحِينَ 49](#_Toc365973925)

[نكته ها: 49](#_Toc365973926)

[پيام ها: 50](#_Toc365973927)

[84 - وَاجْعَلْ لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى الاَْخِرِينَ 51](#_Toc365973928)

[85- وَاجْعَلْنِى مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ 51](#_Toc365973929)

[نكته ها: 51](#_Toc365973930)

[پيام ها: 52](#_Toc365973931)

[86 - وَاغْفِرْ لاَِبِى إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّآلِّينَ 53](#_Toc365973932)

[87 - وَلاَ تُخْزِنِى يَوْمَ يُبْعَثُونَ 53](#_Toc365973933)

[88- يَوْمَ لاَ يَنفَعُ مَالٌ وَلاَ بَنُونَ 53](#_Toc365973934)

[89 - إِلا مَنْ اءَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ 53](#_Toc365973935)

[نكته ها: 54](#_Toc365973936)

[پيام ها: 55](#_Toc365973937)

[90 - وَ اءُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ 56](#_Toc365973938)

[91 - وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ 56](#_Toc365973939)

[92 - وَقِيلَ لَهُمْ اءَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ 56](#_Toc365973940)

[93 - مِن دُونِ اللّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ اءَوْ يَنتَصِرُونَ 56](#_Toc365973941)

[94 - فَكُبْكِبُواْ فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ 56](#_Toc365973942)

[95- وَجُنُودُ إِبْلِيسَ اءَجْمَعُونَ 56](#_Toc365973943)

[نكته ها: 56](#_Toc365973944)

[پيام ها: 57](#_Toc365973945)

[96 - قَالُواْ وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ 58](#_Toc365973946)

[97 - تَاللّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ 58](#_Toc365973947)

[98- إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَلَمِينَ 58](#_Toc365973948)

[99 - وَمَآ اءَضَلَّنَآ إِلا الْمُجْرِمُونَ 58](#_Toc365973949)

[نكته ها: 58](#_Toc365973950)

[پيام ها: 58](#_Toc365973951)

[100 - فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ 59](#_Toc365973952)

[101 - وَلاَ صَدِيقٍ حَمِيمٍ 59](#_Toc365973953)

[102 - فَلَوْ اءَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 59](#_Toc365973954)

[103 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 59](#_Toc365973955)

[104 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 59](#_Toc365973956)

[نكته ها: 60](#_Toc365973957)

[پيام ها: 60](#_Toc365973958)

[105- كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ 61](#_Toc365973959)

[106 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ نُوحٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ 61](#_Toc365973960)

[107 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ 61](#_Toc365973961)

[108- فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 61](#_Toc365973962)

[109 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ 61](#_Toc365973963)

[110 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 62](#_Toc365973964)

[111 - قَالُواْ اءَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الاَْرْذَلُونَ 62](#_Toc365973965)

[نكته ها: 62](#_Toc365973966)

[پيام ها: 62](#_Toc365973967)

[112 - قَالَ وَمَا عِلْمِى بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ 64](#_Toc365973968)

[113 - إِنْ حِسَابُهُمْ إِلا عَلَى رَبِّى لَوْتَشْعُرُونَ 65](#_Toc365973969)

[نكته ها: 65](#_Toc365973970)

[پيام ها: 65](#_Toc365973971)

[114 - وَمَآ اءَنَاْ بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ 66](#_Toc365973972)

[115- إِنْ اءَنَاْ إِلا نَذِيرٌ مُّبِينٌ 66](#_Toc365973973)

[116 - قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ 66](#_Toc365973974)

[117 - قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِى كَذَّبُونِ 66](#_Toc365973975)

[118- فَافْتَحْ بَيْنِى وَبَيْنَهُمْ فَتْحاً وَنَجِّنِى وَمَن مَّعِىَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 66](#_Toc365973976)

[نكته ها: 66](#_Toc365973977)

[پيام ها: 67](#_Toc365973978)

[119 - فَاءَنجَيْنَهُ وَمَن مَّعَهُ فِى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ 68](#_Toc365973979)

[120 - ثُمَّ اءَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ 68](#_Toc365973980)

[121 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 68](#_Toc365973981)

[122 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 69](#_Toc365973982)

[نكته ها: 69](#_Toc365973983)

[پيام ها: 69](#_Toc365973984)

[123 - كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ 69](#_Toc365973985)

[124 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ هُودٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ 69](#_Toc365973986)

[125- إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ 70](#_Toc365973987)

[126 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 70](#_Toc365973988)

[127 - وَمآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ 70](#_Toc365973989)

[نكته ها: 70](#_Toc365973990)

[پيام ها: 71](#_Toc365973991)

[128- اءَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ 72](#_Toc365973992)

[129 - وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ 72](#_Toc365973993)

[130 - وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ 72](#_Toc365973994)

[131 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 72](#_Toc365973995)

[نكته ها: 72](#_Toc365973996)

[پيام ها: 73](#_Toc365973997)

[132 - وَاتَّقُواْ الَّذِى اءَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ 74](#_Toc365973998)

[133 - اءَمَدَّكُم بِاءَنْعَمٍ وَبَنِينَ 74](#_Toc365973999)

[134 - وَجَنَّتٍ وَعُيُونٍ 74](#_Toc365974000)

[135- إِنِّى اءَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ 74](#_Toc365974001)

[136 - قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اءَوَعَظْتَ اءَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَعِظِينَ 75](#_Toc365974002)

[نكته ها: 75](#_Toc365974003)

[137 - إِنْ هَذَآ إِلا خُلُقُ الاَْوَّلِينَ 75](#_Toc365974004)

[138- وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ 75](#_Toc365974005)

[139 - فَكَذَّبُوهُ فَاءَهْلَكْنَهُمْ إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَ مَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 76](#_Toc365974006)

[140 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 76](#_Toc365974007)

[نكته ها: 76](#_Toc365974008)

[پيام ها: 76](#_Toc365974009)

[141 - كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ 77](#_Toc365974010)

[142 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ صَلِحٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ 77](#_Toc365974011)

[143 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ 77](#_Toc365974012)

[144 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 77](#_Toc365974013)

[145- وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ 78](#_Toc365974014)

[نكته ها: 78](#_Toc365974015)

[پيام ها: 78](#_Toc365974016)

[146 - اءَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَهُنَآ ءَامِنِينَ 79](#_Toc365974017)

[147 - فِى جَنَّتٍ وَعُيُونٍ 79](#_Toc365974018)

[148- وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ 79](#_Toc365974019)

[149 - وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَرِهِينَ 79](#_Toc365974020)

[150 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 79](#_Toc365974021)

[151 - وَلاَ تُطِيعُواْ اءَمْرَ الْمُسْرِفِينَ 79](#_Toc365974022)

[152 - اءَلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى الاَْرْضِ وَلاَ يُصْلِحُونَ 80](#_Toc365974023)

[نكته ها: 80](#_Toc365974024)

[پيام ها: 81](#_Toc365974025)

[153 - قَالُواْ إِنَّمَآ اءَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ 81](#_Toc365974026)

[154 - مَآ اءَنتَ إِلا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَاءْتِ بَِايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ 82](#_Toc365974027)

[پيام ها: 82](#_Toc365974028)

[155- قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 82](#_Toc365974029)

[156 - وَلاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَاءْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ 82](#_Toc365974030)

[157 - فَعَقَرُوهَا فَاءَصْبَحُواْ نَدِمِينَ 82](#_Toc365974031)

[نكته ها: 83](#_Toc365974032)

[پيام ها: 83](#_Toc365974033)

[158- فَاءَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 84](#_Toc365974034)

[159 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 84](#_Toc365974035)

[پيام ها: 84](#_Toc365974036)

[160 - كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ 84](#_Toc365974037)

[161 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءَخُوهُمْ لُوطٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ 85](#_Toc365974038)

[162 - إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ 85](#_Toc365974039)

[163 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 85](#_Toc365974040)

[164 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ 85](#_Toc365974041)

[نكته ها: 85](#_Toc365974042)

[پيام ها: 85](#_Toc365974043)

[165- اءَتَاءْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَلَمِينَ 86](#_Toc365974044)

[166 - وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ اءَزْوَجِكُم بَلْ اءَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ 86](#_Toc365974045)

[167 - قَالُواْ لَئِنْ لَّمْ تَنتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ 87](#_Toc365974046)

[نكته ها: 87](#_Toc365974047)

[پيام ها: 87](#_Toc365974048)

[168- -قَالَ إِنِّى لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ 88](#_Toc365974049)

[169 -رَبِّ نَجِّنِى وَاءَهْلِى مِمَّايَعْمَلُونَ 88](#_Toc365974050)

[170 - فَنَجَّيْنَهُ وَاءَهْلَهُ اءَجْمَعِينَ 89](#_Toc365974051)

[171 - إِلا عَجُوزاً فِى الْغَبِرِينَ 89](#_Toc365974052)

[172 - ثُمَّ دَمَّرْنَا الاَْخَرِينَ 89](#_Toc365974053)

[173 - وَاءَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَراً فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ 89](#_Toc365974054)

[174 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 89](#_Toc365974055)

[175- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 89](#_Toc365974056)

[نكته ها: 89](#_Toc365974057)

[پيام ها: 89](#_Toc365974058)

[176 - كَذَّبَ اءَصْحَبُ لَْيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ 91](#_Toc365974059)

[177 - إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اءَلاَ تَتَّقُونَ 91](#_Toc365974060)

[178- إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ 91](#_Toc365974061)

[179 - فَاتَّقُواْ اللّهَ وَاءَطِيعُونِ 91](#_Toc365974062)

[180 - وَمَآ اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ إِنْ اءَجْرِىَ إِلا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ 92](#_Toc365974063)

[نكته ها: 92](#_Toc365974064)

[پيام ها: 92](#_Toc365974065)

[181 - اءَوْفُواْ الْكَيْلَ وَلاَ تَكُونُواْ مِنَ الْمُخْسِرِينَ 92](#_Toc365974066)

[182 - وَزِنُواْ بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ 92](#_Toc365974067)

[183 - وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ اءَشْيَآءَهُمْ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِى الاَْرْضِ مُفْسِدِينَ 93](#_Toc365974068)

[نكته ها: 93](#_Toc365974069)

[پيام ها: 93](#_Toc365974070)

[184 - وَاتَّقُواْ الَّذِى خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الاَْوَّلِينَ 94](#_Toc365974071)

[185- قَالُواْ إِنَّمَآ اءَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ 94](#_Toc365974072)

[186 - وَمَآ اءَنتَ إِلا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَذِبِينَ 94](#_Toc365974073)

[نكته ها: 95](#_Toc365974074)

[پيام ها: 95](#_Toc365974075)

[187 - فَاءَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفاً مِّنَ السَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّدِقِينَ 95](#_Toc365974076)

[188- قَالَ رَبِّى اءَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ 95](#_Toc365974077)

[189 - فَكَذَّبُوهُ فَاءَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ 96](#_Toc365974078)

[190 - إِنَّ فِى ذَلِكَ لاََيَةً وَمَا كَانَ اءَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 96](#_Toc365974079)

[191 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 96](#_Toc365974080)

[نكته ها: 96](#_Toc365974081)

[پيام ها: 97](#_Toc365974082)

[192 - وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ 98](#_Toc365974083)

[193 - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الاَْمِينُ 98](#_Toc365974084)

[195- بِلِسَانٍ عَرَبِي مُّبِينٍ 98](#_Toc365974085)

[196 - وَإِنَّهُ لَفِى زُبُرِ الاَْوَّلِينَ 98](#_Toc365974086)

[نكته ها: 98](#_Toc365974087)

[پيام ها: 99](#_Toc365974088)

[197 - اءَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً اءَن يَعْلَمَهُ عُلَمَؤُاْ بَنِى إِسْرَءِيلَ 101](#_Toc365974089)

[198- وَلَوْ نَزَّلْنَهُ عَلَى بَعْضِ الاَْعْجَمِينَ 101](#_Toc365974090)

[199 - فَقَرَاءَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُواْبِهِ مُؤْمِنِينَ 101](#_Toc365974091)

[نكته ها: 101](#_Toc365974092)

[پيام ها: 101](#_Toc365974093)

[200 - كَذَلِكَ سَلَكْنَهُ فِى قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ 102](#_Toc365974094)

[201 - لاَ يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الاَْلِيمَ 102](#_Toc365974095)

[202 - فَيَاءْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لاَيَشْعُرُونَ 102](#_Toc365974096)

[203 - فَيَقُولُواْ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ 102](#_Toc365974097)

[204 - اءَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ 102](#_Toc365974098)

[205- اءَفَرَءَيْتَإِن مَّتَّعْنَهُمْ سِنِينَ 102](#_Toc365974099)

[206 - ثُمَّ جَآءَهُم مَّاكَانُواْ يُوعَدُونَ 102](#_Toc365974100)

[نكته ها: 103](#_Toc365974101)

[پيام ها: 103](#_Toc365974102)

[207 - مَآ اءَغْنَى عَنْهُمْ مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ 104](#_Toc365974103)

[208- وَمَآ اءَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلا لَهَا مُنذِرُونَ 104](#_Toc365974104)

[209 - ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَلِمِينَ 104](#_Toc365974105)

[نكته ها: 104](#_Toc365974106)

[پيام ها: 105](#_Toc365974107)

[210 - وَ مَاتَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَطِينُ 105](#_Toc365974108)

[211 - وَ مَايَنبَغِى لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ 105](#_Toc365974109)

[212 - إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ 105](#_Toc365974110)

[213 -فَلاَ تَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلَهاً ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ 106](#_Toc365974111)

[نكته ها: 106](#_Toc365974112)

[پيام ها: 107](#_Toc365974113)

[214 - وَاءَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الاَْقْرَبِينَ 108](#_Toc365974114)

[215- وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 108](#_Toc365974115)

[216 - فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّى بَرِى ءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ 108](#_Toc365974116)

[217 - وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ 108](#_Toc365974117)

[نكته ها: 108](#_Toc365974118)

[پيام ها: 109](#_Toc365974119)

[218- اءَلَّذِى يَرَيكَ حِينَ تَقُومُ 110](#_Toc365974120)

[219 - وَتَقَلُّبَكَ فِى السَّجِدِينَ 110](#_Toc365974121)

[220 - إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ 111](#_Toc365974122)

[221 - هَلْ اءُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَطِينُ 111](#_Toc365974123)

[222 - تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ اءَفَّاكٍ اءَثِيمٍ 111](#_Toc365974124)

[223 - يُلْقُونَ السَّمْعَ وَاءَكْثَرُهُمْ كَذِبُونَ 111](#_Toc365974125)

[نكته ها: 111](#_Toc365974126)

[پيام ها: 112](#_Toc365974127)

[224 - وَالشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ 113](#_Toc365974128)

[225- اءَلَمْ تَرَ اءَنَّهُمْ فِى كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ 113](#_Toc365974129)

[226 - وَاءَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لاَ يَفْعَلُونَ 113](#_Toc365974130)

[227 - إِلا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ وَذَكَرُواْاللّهَ كَثِيراً وَانتَصَرُواْمِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْوَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُواْ اءَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ 113](#_Toc365974131)

[نكته ها: 114](#_Toc365974132)

[شعر و شاعران 115](#_Toc365974133)

[پيام ها: 116](#_Toc365974134)

[پی نوشت ها : 119](#_Toc365974135)